

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين

(احکام و آداب فرزند آوری قبل از تولد تا پایان ۷ سالگی

بر مبنای آیات و روایات و نظر فقها) **Error! Bookmark not defined.**

فصل اول: انتخاب همسر ۱۹

۱. اهمیت نکاح از دیدگاه آیات و روایات ۲۰

۲. ویژگیهای همسر از دیدگاه آیات و روایات ۲۴

الف. ویژگیهای زن و مرد ۲۵

۱. ویژگیهای فردی زن ۲۶

۱.۱. فرزندآور ۲۷

۱.۲. بسیارمهربان ۲۹

۱.۳. پاکدامنی ۳۰

۱.۴. عزیز در میان خویشاوندان ۳۲

- ۱.۵. فروتن با همسر ۳۳
- ۱.۶. خودآرایی برای شوهر ۳۴
- ۱.۷. خود نگهدار در برابر نامحرم ۳۶
- ۱.۸. حرف شنوی از شوهر ۳۷
- ۱.۹. فرمانبردار از همسر ۳۸
- ۱.۱۰. پاسخگوی نیازهای جنسی شوهر ۳۹
۲. ویژگیهای فردی شوهر ۴۰
- ۲.۱. ایمان ۴۰
- ۲.۲. حس خلق ۴۲
- ۲.۳. کفویت (همرتبگی) ۴۳
- ۲.۴. اصالت خانوادگی ۴۶
- فصل دوم: روابط زناشویی ۵۰
- خواندن نماز و طلب همسر شایسته ۵۳

آداب و سنتهای مستحب در مراسم عروسی ۵۴

ولیمه دادن ۵۵

عروسی در شب ۵۶

گل افشانی بر عروس و داماد و همراهی آنان ۵۷

شستن پای عروس ۶۱

آداب همبستری ۶۲

الف: مستحبات ۶۴

۱. وضو گرفتن و خدا را یاد کردن ۶۴

۲. ملاعبه ۶۸

۳. زمانهای مطلوب برای همبستری ۷۱

ب: مکروهات ۷۴

تذکر چند نکته ۷۵

بررسی روایات ۷۸

۱. نگاه کردن به شرمگاه زن ۷۹
۲. گراحت جماع بین طلوع فجر تا طلوع خورشید و زمان
وزیدن باد سرخ و... ۸۲
- ج. محرمات ۹۰
- د. وجوب غسل ۹۱
- فصل سوم: دوران بارداری ۹۲
- گفتار اول ۹۸
- مراقبت های دوران بارداری ۹۸
- گفتار دوم: احکام فقهی دوران بارداری ۱۰۱
- الف. شک در بارداری ۱۰۲
- خونریزی پس از شک در بارداری ۱۰۴
- ب. جنین ناقص الخلقه ۱۰۷
۱. عوامل سقط جنین ۱۱۱

۲. حکم سقط جنین ناقص‌الخلقه ۱۲۵

1. سقط جنین به جهت حفظ حیات یا سلامت مادر ۱۲۹

۲. دیه سقط جنین ۱۳۶

۳. مقدار دیه در سقط جنین ۱۳۷

۵. پرداخت کننده دیه ۱۴۸

۴. گیرنده دیه ۱۵۱

پ. کیفیت وضو و نماز در بارداری ۱۵۴

ت. روزه زن باردار ۱۷۰

۱. روزه زن باردار در صورت ضرر برای جنین یا

خودش ۱۷۱

۲. کفاره تأخیر ۱۷۷

س. رابطه زناشویی با زن باردار ۱۷۹

ش. طلاق زن باردار ۱۸۱

- ص. حاملگی یوچ (ساک خالی از جنین) ۱۸۲
- ض. مراجعه زن باردار به پزشک مرد ۱۸۶
- ط. بارداری خارج از رحم ۱۹۲
- ظ. خونریزی زن باردار ۱۹۴
- ع. خونریزی در طول ماههای بارداری ۱۹۶
- غ. خون نزدیک به زایمان ۲۰۰
- ک. خون همزمان با درد زایمان ۲۰۱
- گ. پاره شدن کیسه جنین و خروج آب ۲۰۴
- ل. شک در سقط جنین و حکم خون بعد از آن ۲۰۴
- گفتار سوم: تغذیه دوران بارداری و راهکار پسر شدن
فرزند ۲۰۶
- الف. توجه به حلال بودن غذا ۲۰۶
- ب. غذاهای سفارش شده در دوران بارداری ۲۱۳

- ۲۱۷..... پسر یا دختر شدن نوزاد
- ۲۲۱..... فصل چهارم: بعد از تولد تا پایان شیر دهی
- ۲۲۲..... گفتار اول: آسان شدن زایمان
- ۲۳۲..... گفتار دوم: احکام فقهی زایمان
- ۲۳۲..... محاسبه نفاس
۱. مقدار نفاس در عدم تجاوز خون از ۱۰ روز ۲۳۳
۲. مقدار نفاس در تجاوز خون از ۱۰ روز ۲۳۴.....
- وظیفه فعلی زن در تجاوز خون نفاس از عدد عادت
- ۲۳۶.....
- ۲۳۹..... حکم پاکی در بین خونهای نفاس
- ۲۴۱..... خون بعد از سزارین
- ۲۴۲..... نفاس جنینی که تکه تکه خارج میشود
- ۲۴۷..... خون پس از سقط جنین در ماههای اول بارداری

- ۲۴۹..... محرمات زن نفساء
- ۲۵۱..... استمرار خون بعد از زایمان تا یک ماه
- ۲۵۱..... حکم خون در دهه اول بعد از نفاس
- ۲۵۲..... اقسام استحاضه
- ۲۵۲..... نحوه تشخیص نوع استحاضه
- ۲۵۶..... وظیفه مستحاضه برای نماز
- ۲۵۷..... وظایف مستحاضه قلیله
- ۲۵۹..... وظایف مستحاضه متوسطه
- ۲۶۱..... وظایف مستحاضه کثیره
- ۲۶۷..... سایر وظایف مستحاضه
- ۲۷۰..... تعیین حیض پس از نفاس
- تعیین حیض بعد از نفاس در غیر صاحب عادت وقتیّه
- ۲۷۰.....

- تعیین حیض بعد از نفاس در صاحب عادت وقتیّه ۲۷۴.
- عدم لزوم غسل در روز چهارم ۲۷۵.
- گفتار سوم ۲۷۷.
- امر واجب و مستحبات بعد از تولد فرزند ۲۷۷.
- واجب ۲۷۷.
- الف: ختنه کردن ۲۷۷.
- زمان ختنه کردن ۲۷۸.
- مستحبات ۲۸۰.
- الف. اذان و اقامه ۲۸۰.
- ب. عقیقه ۲۸۲.
۱. تعریف عقیقه ۲۸۲.
۳. شروط عقیقه ۲۸۵.
- پ: غسل مولود ۲۹۰.

- ت. برداشتن کام نوزاد با تربت امام حسین علیه السلام
و آب فرات و .. ۲۹۱.....
- ث. پوشاندن جامه سفید به نوزاد ۲۹۳.....
- ج. نامگذاری فرزند ۲۹۳.....
- تاثیر نام فرزند در شخصیت و آینده او ۲۹۴.....
۱. استحباب نام نیکو ۲۹۵.....
۲. افضلیت اسماء انبیا و ائمه علیهم السلام و اسما دال
بر عبودیت ۲۹۶.....
۳. زمان نامگذاری ۲۹۹.....
- ج. ولیمه دادن ۲۹۹.....
- چ. تراشیدن سر کودک ۳۰۰.....
- ه. سوراخ کردن گوش ۳۰۰.....
- گفتار چهارم: شیر دهی ۳۰۱.....

- الف. توصیه‌های دوران شیردهی ۳۰۳
- ب. مدت شیردهی ۳۰۴
- پ. مستحبات دوران شیردهی ۳۰۵
- ت. مهارت‌های از شیر گرفتن بچه ۳۰۶
- ج. گریه کردن کودک ۳۰۷
- را هکارهای آرام کردن کودک ۳۰۸
- فصل پنجم: تربیت کودک تا ۷ سالگی ۳۰۹
- گفتار اول: تربیت معنوی کودک ۳۰۹
- زمان آموزش و تربیت کودک ۳۱۰
- آموزش نماز ۳۱۲
۲. آموزش روزه ۳۱۳
۳. آموزش قرآن کریم و دوست داشتن اهل بیت علیهم السلام ۳۱۴

۴. آموزش تسبیح حضرت زهرا س ۳۱۴

۵. آموزش مسائل اعتقادی ۳۱۵

گفتار دوم: تربیت جنسی کودک ۳۱۶

۱. استیذان در اوقات سه گانه ۳۱۶

۲. مخفی نگه داشتن روابط زناشویی از کودک ۳۱۹

۴. جداساختن بستر خواب کودکان از یکدیگر ۳۲۰

۵. دورنگه داشتن کودک از هرگونه عامل محرک ۳۲۱

۶. رعایت پوشش در برابر فرزند ۳۲۲

منابع ۳۲۲

یکی از مهم ترین ثمرات نکاح، تولید نسل و فرزند آوری است. فرزندان سالم و صالح که نه تنها ادامه دهنده نسل پدر و مادر و مایه افتخار و سربلندی آنها هستند، بلکه در بعد اجتماعی نیز تاثیر گذار بوده و در راه رشد و تعالی امت اسلامی قدم برداشته و زمینه ساز ظهور منجی عالم بشریت و از یاران حضرتش باشند.

در روایتی آمده است که رسول اکرم ص به بعضی از کودکان نظر افکند و فرمود: **وَيْلٌ لِّأَوْلَادِ آخِرِ الزَّمَانِ مِنْ آبَائِهِمْ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ آبَائِهِمُ الْمُشْرِكِينَ فَقَالَ لَا مِنْ آبَائِهِمُ الْمُؤْمِنِينَ لَا يُعَلِّمُونَهُمْ شَيْئاً مِنَ الْفَرَائِضِ وَإِذَا تَعَلَّمُوا أَوْلَادَهُمْ مَنَعُوهُمْ وَرَضُوا عَنْهُمْ بَعَرَضٍ يَسِيرٍ مِنَ الدُّنْيَا فَإِنَّا مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَهُمْ مِنِّي بِرَاءٌ^۱**

۱. شعیری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، ص ۱۰۶

وای به فرزندان آخر الزمان، از روش ناپسند پدرانشان. عرض شد: یا رسول الله از پدران مشرکشان؟ فرمودند: نه، بلکه از پدران مسلمان آنان که هیچ یک از واجبات احکام دینی را به فرزندان خود نمی آموزند و هر گاه فرزندانشان در پی تعلیم مسائل دینی باشند، آنان را از این امر باز می دارند و به ناچیزی از امور مادی درباره آنان قانع اند من از این قبیل مردم بری و بیزارم و آنان نیز از من بیزارند.

خانواده پایه های اساسی جامعه را تشکیل می دهد و عملکرد پدر و مادر تا ثیر بسزایی در تربیت فرزند دارد. متأسفانه در عصر کنونی با توجه به سیاست تساهل و تسامح، والدین به احکام و آداب فرزند آوری توجهی ندارند و تنها رشد جسمی کودکان را مورد توجه قرار می دهند.

و این درحالیست که دین اسلام برای مراحل مختلف عمر کودک، پیش از انعقاد نطفه، دوران کودکی و نوجوانی توصیه هایی نموده است که مراعات دقیق آنها در تربیت جسمی و روحی او بسیار مؤثر است. افزون بر اینکه یکی از

جنبه های حساس تربیت، تربیت جنسی و پرورش کودک بر اساس حیا و عفت است که اسلام برای رسیدن به هدف مطلوب آن دستورات و توصیه های با ارزشی نموده است.

اهمیت تربیت فرزندان صالح و رعایت آدابی که در آیات و روایات مطرح شده از یک سو و پراکنده بودن آداب و احکام تربیت فرزند در کتب مختلف فقهی و تربیتی، از سوی دیگر ما را بر آن داشت که به صورت کاربردی، به این مساله بپردازیم و آداب و احکام تربیت فرزند از قبل از انعقاد نطفه تا پایان ۷ سالگی را مطرح کنیم.

افزون بر اینکه با گفتگوهای انجام شده با زوج های جوان وحتى جوانان در شرف ازدواج، یکی از سوالاتی که در این زمینه مطرح می کنند این است که راه کار آیات و روایات برای انتخاب همسری شایسته کدام است؟ برای داشتن فرزندی صالح چه اقداماتی باید انجام بگیرد؟ احکام ازدواج و زناشویی چیست؟ احکام بارداری و زایمان اعم از (غسل

و نماز و ...) کدام است؟ برای تربیت فرزندی صالح چه امور واجب و مستحبی باید مورد توجه قرار گیرد؟

پاسخ به این سوالات و سؤالاتی از این دست ما را برآن داشت تا در همین راستا با توجه به آیات و روایات و نظر فقهای عظام، احکام و آداب فرزند آوری را بیان کرده و در پرتو آن برخی موارد تاثیر گذار بر تربیت فرزند را نیز مطرح کنیم .

از طرف دیگر با توجه به احکام خاص بانوان در زمان بارداری و پس از زایمان، احکام شرعی مبتلی به در این زمینه را مطرح کرده تا بانوان با مراجعه به این اثر، با وظائف شرعی خود در این ایام به خوبی آشنا شده و با مراجعه به این کتاب به سهولت انجام دهند.

بنابراین در این نوشتار، در پنج فصل ابتدا به احکام و آداب انتخاب همسر پرداخته و بعد از بیان ویژگی های همسر

مناسب از دیدگاه آیات و روایات، در فصل دوم آداب و احکام واجب و مستحب در زمینه روابط زناشویی را مطرح کرده و روایاتی که در این زمینه وارد شده را مورد بررسی قرار داده ایم.

از آنجائیکه برخی از احادیث مطرح شده در باب رابطه زناشویی و زمانها و مکانهایی که در آن آمیزش کراحت دارد و در برخی کتب مطرح شده، نگرانی هایی را برای خانواده ها ایجاد کرده و در برخی موارد متاسفانه سبب سقط جنین شده است، لازم و ضروری دیده ایم که برخی از روایات را مطرح کرده و تعدادی از آنها را مورد بررسی سندی قرار دهیم. افزون بر اینکه ممکن است ائمه معصومین ع با توجه به زمان و مکان خاص این توصیه ها را بیان فرموده باشند، بنابراین انجام ندادن آنها به معنای مشکل قطعی و به

دنیا آمدن فرزند ناقص نیست بنابراین راهکارهایی را در این زمینه، در قالب تذکر چند نکته مطرح کرده ایم.

در فصل سوم به دوران بارداری پرداخته بعد از بیان مراقبت های دوران بارداری به صورت تفصیلی احکام دوران بارداری از جمله خونریزی پس از شک در بارداری، حکم سقط جنین، وضو و نماز زن باردار، خون ریزی در طول بارداری و توصیه های بهداشتی دوران بارداری را مطرح کرده ایم.

در فصل چهارم به احکام فقهی زایمان از جمله محاسبه نفاس، محرّمات نفساء، حکم خونریزی بعد از سقط جنین و غسل های بعد از زایمان پرداخته و سوالات مبتلی به در این زمینه را پاسخ داده ایم.

در ادامه واجبات و مستحبات بعد از تولد فرزند از جمله غسل مولود، نام گذاری، عقیقه، ختنه و ... را مطرح کرده و بعد

از بیان نکاتی در مورد شیردهی به تربیت معنوی فرزند
 و مسائل پیرامون آن از جمله آموزش نماز و قرآن
 ،تسبیحات حضرت زهرا س و...پرداخته و راهکارهای اسلام
 در این باره را مطرح کرده ایم.

در انتها تربیت جنسی کودک را مطرح کرده و در همین
 راستا راهکارهایی که در آیات و روایات و کلام فقها برای
 جلوگیری از انحراف جنسی کودک مطرح شده از
 جمله،جداسازی بستر خواب کودکان،از یکدیگر و پدر و
 مادر، استیزان در اوقات سه گانه و...را بیان کرده ایم.

امید است با بهره گیری از راهکارهای بیان شده در این
 نوشتار فرزندی صالح داشته تا علاوه بر رشد

جسمی،از لحاظ معنوی و جنسی نیز به درستی تربیت شود.

فصل اول: انتخاب همسر

زوجیت، در میان تمام موجودات از جمله گیاهان و حیوانات و حتی جمادات وجود داشته و انسان نیز از این قاعده مستثنی نیست. ازدواج، اقتضای طبیعت انسان بوده و قرآن کریم نیز به این مساله اشاره کرده است. **سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُثْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ** ۱. منزله است کسی که تمام زوجها را آفرید، از آنچه زمین می‌رویاند، و از خودشان، و از آنچه نمی‌دانند.

یکی از مسائل زیر بنایی تشکیل خانواده و تربیت فرزند، انتخاب همسر است. با توجه به اینکه فرایند تربیت کودک از قبل از انعقاد نطفه آغاز می‌شود بنابراین دقت در انتخاب همسر نقش بسزایی در این امر مهم دارد. با توجه به اهمیت این مساله، در متون دینی ما، به برخی از ویژگی‌های همسر شایسته اشاره شده است و ما در ادامه بعد از بیان

۱. سوره یس، آیه ۳۶

اهمیت نکاح ، ویژگی های همسر مناسب از دیدگاه آیات و روایات را مطرح می کنیم.

۱. اهمیت نکاح از دیدگاه آیات و روایات

یکی از آثار ازدواج، تاثیر پذیری زن و شوهر از یکدیگر است که می توان آن را از قوی ترین و عمیق ترین تاثیر و تأثر متقابل، در روابط فردی و اجتماعی دانست. متون دینی اسلام از جمله قرآن کریم، به این واقعیت اشاره می کند و ازدواج را وسیله ای برای آرامش زن و مرد می داند:

وَمِنْ آيَاتِهِ اَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا لِّتَسْكُنُوْا اِلَيْهَا.^۱
و از نشانه های او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید که در کنار آنها آرامش یابید.

جمله «لَتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» یعنی به وسیله همسر آرامش پیدا کنید، که هم آرامش روحی و جسمی (آرامش فردی) است و هم آرامش اجتماعی.

علاوه بر آیه فوق، در آیه ۳۲ سوره نور در تشویق نکاح و نترسیدن از فقر در ازدواج، آمده است؛ «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ».^۱

که زنان بی شوهر و مردان بی همسر را تزویج کنید و بردگان زن و مرد را که صالح باشند نیز تزویج نمایید و اگر فقیر باشند خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز خواهد کرد.

در روایات بسیاری نیز، به ازدواج امر شده است؛ رسول مکرم اسلام فرموده اند: مَنْ تَزَوَّجَ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ وَفِي

۱. سوره نور، آیه ۳۲

حَدِيثِ آخَرَ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النِّصْفِ الْآخَرِ أَوْ الْبَاقِي. ۱ هر کس ازدواج کند نصف دینش را حفظ کرده است. در حدیث دیگری آمده است که در حفظ نیم دیگر تلاش کند. تعبیر به نصف به این دلیل است که غریزه جنسی با تمامی غرایز دیگر انسان برابر است و اگر کسی شهوت را، با ازدواج کنترل کند تقریباً نصف گناهان را مرتکب نمی‌شود. به بیان دیگر، کسانی که ازدواج را ترک کنند، علاوه بر در معرض گناه بودن، گرفتار بیماریهای مختلف روانی و جسمانی می‌شوند، چون خداوند طبیعت انسان را به گونه‌ای آفریده است که باید ازدواج کند و هر جا از این طبیعت کناره‌گیری شده و غریزه آن سرکوب شود، مشکلات جسمی و روانی به دنبال خواهد داشت، و هیچ غریزه‌ای هم مثل غریزه جنسی قوی نیست.

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۵، ص ۳۲۹

در روایت دیگری، حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرماید: «الْكَاحُ سُنَّتِي فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي؛ ازدواج سنت من است، هرکس از سنت من روی برگرداند، از من نیست.» این روایت تنها برای ترغیب بر ازدواج نیست؛ بلکه هشدار می‌دهد برای ترک ازدواج است. از این روایت، «کراهت ترک ازدواج» هم برداشت می‌شود.

در برخی از روایات دیگر کراهت ترک ازدواج، اختصاص به مرد ندارد و شامل زن نیز می‌شود. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم زنان را از تاخیر در نکاح منع کرده‌اند:

عن أبي عبد الله عليه السلام قال: نهى رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم النساء ان يتبتلنَّ و يعطلن انفسهن عن الازواج؛^۲ امام

^۱. اصفهانی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۰

^۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۵، ص ۵۰۹

صادق علیه السلام فرمودند که پیامبر صلی الله علیه و آله
وسلم زنان را از تجرد و ازدواج نکردن نهی نمود.»

با توجه به آیات و روایاتی که مطرح شد، ازدواج از امور
مهم و مورد سفارش دین اسلام است و فوائد بسیاری از
جمله رسیدن به سکون و آرامش، تولید نسل، حفظ دین
و جلوگیری از فساد و گناه و... بر آن مترتب است.

۲. ویژگی‌های همسر از دیدگاه آیات و روایات

یکی از مراحل مهم ازدواج و تشکیل خانواده، انتخاب همسر
است. این انتخاب تأثیر مهمی بر تربیت و پرورش کودک
دارد و هر فردی با گزینش همسر، در حقیقت برای پرورش
نسل بعد اقدام می‌کند؛ براین اساس، دین مبین اسلام، آموزه-
های مهمی درباره ویژگی‌های فردی و خانوادگی همسر
دارد.

الف. ویژگیهای زن و مرد

ازدواج در نگاه هرکس معیارهایی دارد؛ اما معیاری که از متون دینی به دست می‌آید، سالم‌ترین و مطمئن‌ترین معیارها است که شامل ویژگی‌های فردی دختر و پسر و ویژگی‌های خانوادگی آن‌ها می‌شود. برخی از این ویژگی‌ها بین زن و مرد مشترکند؛ همچون ایمان و دینداری، داشتن اخلاق نیک، اصالت و شرافت خانوادگی و برخی اختصاص به زن یا مرد دارد. در این بخش به صورت مختصر به برخی از ویژگی‌های فردی و خانوادگی دختر و پسر اشاره می‌شود.

۱. ویژگی‌های فردی زن

در روایاتی که از ائمه معصوم علیهم السلام برای انتخاب همسر به ما رسیده، به خصوصیات مهمی از زن اشاره شده است.

در روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله، به شاخصه‌های

مهمی اشاره شده است. در ادامه ابتدا روایت را مطرح کرده

و سپس هر خصوصیت را به صورت اختصار، توضیح می دهیم.

جابر بن عبدالله می گوید: با جمعی در خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بودیم، آن حضرت فرمودند: بهترین زنان شما این ویژگی ها را دارند: فرزند آورند، بسیار مهربان و پاکدامن هستند. در میان خویشاوندان عزیزند؛ در برابر همسر فروتن و متواضعند؛ خود را برای همسر می آرایند و در برابر نامحرم خویشان دارند؛ حرف شنوایی از شوهر داشته و فرمانبردار اویند و به هنگام تنهایی با همسر، کاملاً در اختیار شوهر خویشند و مانند مردان با او رفتار نمی کنند.^۱

۱. سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ: كُنَّا عِنْدَ النَّبِيِّ ﷺ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقَالَ: «إِنْ خَيْرَ نِسَائِكُمُ الْوَلُودُ، الْوَدُودُ الْغَفِيفَةُ، الْعَزِيزَةُ فِي أَهْلِهَا، الذَّلِيلَةُ مَعَ بَعْلِهَا، الْمُتَبَرِّجَةُ مَعَ زَوْجِهَا، الْحَصَانُ عَلَى غَيْرِهِ، الَّتِي تَسْمَعُ قَوْلَهُ، وَتَطِيعُ أَمْرَهُ، وَإِذَا خَلَا بِهَا بَذَلَتْ لَهُ مَا يُرِيدُ مِنْهَا، وَلَمْ تَبْدَلْ كَتَبَدَّلِ الرَّجُلُ». کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - دار

در این روایت ویژگی های بسیار مهمی مطرح شده، که به صورت جداگانه و مختصر توضیحاتی پیرامون آنها داده می شود.

۱.۱. فرزند آور

در متون روایی ما، دختر تا زمانی که در خانه پدر به سر می برد، «حسنة»^۱ است؛ هرگاه که این امانت الهی، ازدواج

۱. حسنة بودن دختران و نعمت بودن پسران موضوعی است که با عبارات مختلف در روایات گوناگون آمده است که به چند مورد اشاره می شود: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: الْبَنَاتُ حَسَنَاتٌ وَالْبُنُونَ نِعْمَةٌ فَإِنَّمَا يُثَابُ عَلَى الْحَسَنَاتِ وَ يُسْأَلُ عَنِ النَّعْمَةِ؛ از امام صادق (ع) نقل شده است: دختران، حسنه اند و پسران نعمت و (روز قیامت) برای حسنه پاداش داده می شود و از نعمت سؤال خواهد شد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: الْبُنُونَ نَعِيمٌ وَالْبَنَاتُ حَسَنَاتٌ وَاللَّهُ يُسْأَلُ عَنِ النَّعِيمِ وَ يُثِيبُ عَلَى الْحَسَنَاتِ». از امام صادق (ع) نقل شده است: پسران نعمت اند و

کرد، به مقام همسری و مادری دست می‌یابد. مقام مادر از آن کسی است که محیط مقدس خانه را با به دنیا آوردن و پرورش فرزندانی که پاره‌های تن و جان او هستند، صفا و رونق می‌بخشد. در این روایت رسول خدا صلی الله علیه و آله در ابتدای روایت، فرزند آوری را از صفات خوب زن برمی‌شمرد. این صفت مقام زن را بدان‌جا می‌رساند که خود آن حضرت می‌فرماید:

«الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ؛ بهشت در زیر گام‌های مادران است.» در جای دیگر نیز فرمودند: «تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ»^۱ زیر گام‌های

دختران حسنه و خداوند از نعمت سؤال می‌کند و بر حسنات پاداش می‌دهد.

کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية) ج ۶، ص ۷۶۰

^۱. نوری، محدث، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل

مادران، باغی است از باغ‌های بهشت.» بنابراین با توجه به این روایت، در انتخاب همسر باید ولود بودن او مورد توجه قرار گیرد.

۱.۲. بسیارمهربان

محبت، دوستی و مهربانی افراد، یکی از راه‌های نفوذ در دل-ها و قلبهاست. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: بهترین زن، کسی است که بسیار مهربان و صمیمی باشد. محبت زن به تک تک افراد خانواده از جمله همسر، از طبیعی‌ترین و زیباترین انواع دوستی‌هاست؛ اگر محبت زن به همسر اظهار شود، این اظهار محبت‌ها بهترین الگو برای فرزندان است. فرزند با نگاه به رفتار پدر و مادر و رابطه محبت آمیز بین آن دو، مهرورزی را می‌آموزد. در چنین خانه‌ای اضطراب و بی‌قراری، راهی برای نفوذ ندارد و

فرزندان با آرامش رشد کرده و از خانه گریزان نیستند.
 بنابراین یکی دیگر از ویژگی های مهم زن برای ازدواج، با
 محبت بودن اوست.

۱.۳. پاکدامنی

عفت و پاکدامنی، از حالات نفس و ملکه ای است که انسان
 را از غلبه شهوت محفوظ می دارد. عقیف، کسی است که
 هرگز خود را در اختیار خواسته های نفسانی قرار نمی دهد.
 فرد عقیف توانایی انجام گناه را دارد؛ اما خود را حفظ می -
 کند. حضرت امیرالمومنین علیه السلام می فرمایند: «مَا الْمُجَاهِدُ
 الشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمَ أَجْرًا مِمَّنْ قَدَرَ فَعَفَّ لَكَادَ الْعَفِيفُ
 أَنْ يَكُونَ مَلَكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ؛^۱ پاداش مجاهدی که در راه خدا
 به شهادت رسیده، بیش تر از کسی نیست که توانایی گناه

^۱. سید رضی، محمد، نهج البلاغة، ص ۵۰۲

داشته؛ ولی خودداری نموده؛ این فرد عفیف، گویا فرشته‌ای از فرشته‌هاست».

زن پاکدامن و عفیف، با عفت ورزی موجب آرامش قلبی همسر شده و ذهن و دل همسرش را از هر نوع پندار پوچ و بی‌اساس آسوده می‌سازد. عفیف بودن زن، زمینه‌های بدبینی و سوء ظن را از بین می‌برد و باعث می‌شود زن و شوهر در کنار هم با آرامش زندگی کنند. بنابراین یکی دیگر از شاخصه‌های مهم انتخاب زن، عفیف بودن اوست که باید مورد توجه قرار گیرد؛ چراکه این شاخصه مهم مانع از مفاسد خانوادگی و اجتماعی می‌شود.

۱.۴. عزیز در میان خویشاوندان

در مفهوم عزت، یک نوع استحکام و نفوذ ناپذیری نهفته است؛ به زمین سختی که چیزی در آن رسوخ نمی‌کند، عزیز می‌گویند. عزیز بودن در کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله به این معناست که ایمان حقیقی یک زن، چهره‌ای از او در

میان خویشان ساخته که در نظر همه گرامی و مورد احترام باشد. زندگی در کنار چنین زنی امنیت و آرامش خانواده را در پی دارد.

زنی که با رفتار و گفتار درست و سنجیده در میان بستگان و فامیل خود، عزیز است وقتی وارد خانواده همسر می شود نیز، با همین گفتار و رفتار، عزتش را به فامیل همسر منتقل می کند. اما در مقابل زنی که سوء رفتار و گفتار دارد، نمی تواند در میان بستگان خویش عزیز باشد؛ بلکه با اقدام های ناپسند و نابخردانه، خود را در میان آشنایان خوار و ذلیل می کند و در میان خانواده همسر نیز نمی تواند عزیز باشد. در روایت دیگری از رسول اکرم صلی الله علیه و آله چنین زنی یکی از ویژگی های بدترین زنان را دارد.^۱ بنابراین یکی دیگر از ویژگی های مهم زن، عزیز بودن او در فامیل است.

^۱. قمی، محدث، شیخ عباس، الغایة القصوى فی ترجمة العروة

۱.۵. فروتن با همسر

فروتنی به معنای نرمش داشتن یکی از خصوصیات مومنان است که قرآن کریم نیز به آن اشاره می کند و می فرماید: مومنان در برابر یکدیگر خاشع و فروتن هستند.^۱ نرمش داشتن زن در برابر شوهر و در محیط زندگی مشترک، اگر از روی شناخت، اختیار و عمل به وظیفه شوهرداری باشد، خصلتی پسندیده و کاری ارزشمند است؛ زیرا زمینه مشاجره و تنش در خانواده را کم می کند. بنابراین این ویژگی مهم نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

^۱.سوره احزاب، آیه ۳۵

۱.۶. خودآرایی برای شوهر

در نهاد زن، نوعی میل به خودآرایی نهفته است. استفاده از زینت و آرایش، جذابیت زن را بیش تر می‌کند؛ بر همین اساس، رسول خدا صلی الله علیه و آله یکی از صفاتی که برای زن خوب بیان می‌کند، خودآرایی برای شوهر است. متاسفانه امروزه این امر مهم مورد غفلت واقع شده و برخی از زنان برعکس عمل می‌کنند و هنگام خروج از منزل آرایش کرده و خود را در معرض دید نامحرم قرار می‌دهند. زنی که به آرایش و زیبایی در منزل اهمیت می‌دهد، سبب آرامش و اطمینان شوهر شده و نیاز مرد را در فضای گرم خانواده برطرف می‌کند؛ اما زنانی که برای بیرون از منزل آرایش می‌کنند؛ چارچوب خانه را متزلزل می‌کنند؛ زیرا ممکن است، فضای خانه با شک شوهر آلوده شود؛ ازطرفی با این

جلب توجه‌های بی مورد، زندگی دیگران را هم در معرض خطر قرار می دهند.

آرایش زن در برابر شوهر آن قدر اهمیت دارد که دستور فقهی برای آن وضع شده و طبق کلام فقها: اگر مردی، خواستار پاکیزگی و زینت همسرش باشد، زن باید خواسته او را برآورده کند و در صورت بی توجهی، ناشزه محسوب می شود.^۱

۱.۷. خود نگهدار در برابر نامحرم

در روابط اجتماعی تا آدمی حریم خود را نشکند، کسی جرأت تجاوز به حریم او را نخواهد داشت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رعایت این امر مهم را از صفات زن خوب می داند. زن در برابر نامحرم، باید دژی نفوذ ناپذیر باشد و عشق و

^۱ موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۰۵، القول فی الشوز

محبت خود را تنها نثار همسر و فرزندان و خانواده اش کند.
 اگر همه زنان در برابر تمام نامحرمان و بیگانگان خود
 نگهدار باشند، دیگر جایی برای بدگمانی و بی اعتمادی
 نخواهد ماند تا زمینه ساز ناآرامی و اضطراب باشد. بنابراین
 برای انتخاب همسر، باید این نکته مهم مورد توجه قرار
 گیرد.

۱.۸. حرف شنوی از شوهر

یکی از صفات بسیار خوب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله که
 حتی دستاویز مخالفان و دشمنان اسلام نیز شده بود، حرف
 شنوی بسیار آن حضرت بود. این خصلت بسیار پسندیده‌ای
 است که آدمی قبل از هر نوع اظهار نظر و موضع گیری،
 گفتار دیگری را بشنود و نشنیده به قضاوت ننشیند. زن و
 مرد قبل از این که در کانون خانه، رابطه همسری داشته

باشند، دو انسان دارای ادراک و فهمند و باید حرف حق را از یکدیگر بپذیرند تا حق حاکم باشد؛ نه تمایلات و سلیقه- های شخصی؛ زن خوب آن است که حرف شوهر را می- شنود. تنها شنیدن حرف، در این جا فضیلت است؛ حتی اگر به مرحله عمل نرسیده باشد. زنی که اصلاً ظرفیت و آمادگی شنیدن حرف همسر را ندارد، از این امتیاز محروم است و از دیدگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله یک درجه از خوبی را دارا نیست

۱.۹. فرمانبردار از همسر

قوامیت مرد از مسائلی است که در قرآن کریم و روایات، به آن اشاره شده است.^۱ قوام بودن مرد به جهت تدبیر و

۱. الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ ... مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، بخاطر برتریهایی که خداوند (از نظر

سرپرستی و اداره امور زندگی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اطاعت زن از همسر را نشانه خوبی زن می‌داند؛ چرا که این فرمانبرداری، پایه‌های زندگی مشترک را تثبیت می‌کند تا دوستی و صمیمیت و آرامش بر آن حکم فرما باشد.

۱.۱۰. پاسخگوی نیازهای جنسی شوهر

خداوند، زن را به گونه‌ای آفریده است که توانایی ایجاد محیطی آرام و مطمئن برای خود و همسرش را دارد. او با برآورده کردن نیازهای جنسی مرد و پرداختن به این امر مهم، آرامش روحی و روانی همسرش را در کانون خانواده

نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است، و بخاطر انفاقهایی که از اموالشان (در مورد زنان) می‌کنند. سوره نساء، آیه ۳۴

و اجتماع فراهم می‌کند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

از نشانه‌های بهترین زن آن است که به هنگام تنهایی با همسرش، کاملاً در اختیار خواسته‌های او باشد. در کلام فقها عدم تمکین در روابط زناشویی بدون عذر شرعی، واجابت نکردن خواسته شوهر، از موارد نشوز زن معرفی شده است.^۱

۲. ویژگی‌های فردی شوهر

بعد از بیان ویژگی‌های زن در کلام رسول اکرم ص به چند مورد از ویژگی‌های مرد نیز اشاره می‌کنیم. لازم به ذکر است که برخی از این خصوصیات در زن و مرد مشترک بوده و به جهت جلوگیری از تکرار و اطاله کلام در این قسمت مطرح شده است.

^۱. موسوعه فقهی تحقیقات و استفتائات واحد پاسخ به سوالات، شماره ۱۰ (نکاح

۲.۱. ایمان

در اسلام، شرط اول انتخاب همسر، ایمان و تقوا معرفی شده است. همسر با تقوا می‌تواند اعتماد و آرامش طرف مقابل را تأمین کند؛ بنابراین پرهیزگاری شرط اول ازدواج از نگاه متون دینی است. کسی که به دین و عمل به دستورات آن پای‌بند باشد، در رعایت حقوق همسر دقت بیشتری دارد و ایمان او مانع از ظلم و ستم می‌شود. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است: اگر کسی به خواستگاری آید که اخلاق و دین او مایه رضایت است، به او زن دهید که اگر چنین نکنید، فتنه و فساد زمین را پر خواهد کرد.^۱

۱. . . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: إِذَا جَاءَكُمْ مَنْ تَرْضَوْنَ خُلُقَهُ وَ دِينَهُ فَرَوْجُوهُ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ فُسَادٌ كَبِيرٌ. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط)

دین داری مهم ترین عامل آرامش و تکیه گاه محکمی برای حل مشکلات زندگی مشترک است. آرامش فرد دیندار وقتی با آرامش ناشی از ازدواج (ومن آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها) همراه شود، ارزش ها بروز پیدا می کند و زمینه ساز عشق و تقرب به خدا خواهد شد.

۲.۲. حس خلق

توصیه بعدی اسلام درباره ملاک های ازدواج، حسن خلق است. مردی که برای دخترش خواستگار آمد و اخلاق مناسبی نداشت به محضر امام رضا علیه السلام رسید و در این زمینه با امام علیه السلام مشورت نمود و عرض کرد: یکی از بستگانم از دخترم خواستگاری کرده؛ ولی اخلاق بدی دارد.

حضرت فرمود: اگر بدخلق است، دخترت را به ازدواج او
در نیاور. ۱

با توجه به این روایت، دین‌داری و اخلاق از مهم‌ترین
ملاک‌هایی است که باید هنگام انتخاب همسر مورد توجه
قرار گیرند و اگر این دو خصوصیت در کسی وجود نداشت،
در ازدواج با او باید تردید کرد. حسن خلق؛ شامل صداقت،
عفت کلام، نگاه پاک و امانت‌داری و در کنار آن دوری از
اخلاق‌های بد نظیر تندخویی، بی‌وفایی، کینه و حسادت
است.

۲.۳. کفویت (هم‌رتبگی)

اصل همتایی در ازدواج که در متون روایی ما از آن به
کفویت تعبیر شده بسیار مهم است. یکی از ویژگی‌های مرد
کفو بودن با زن است. زن و شوهری که می‌خواهند عمری را

۱. اصفهانی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۳۷۴

با هم زندگی کنند و برای تربیت فرزندانی سالم و صالح همکاری نمایند، باید با یکدیگر همتایی و همانندی نسبی داشته باشند تا مجذوب یکدیگر شوند و بتوانند نیازهای جسمی و روحی یکدیگر را درک کنند و بدان پاسخ گویند.

کفو در لغت به معنای نظیر و شبیه است و در ازدواج بدین معناست که میان زن و شوهر باید تا حدی شباهت وجود داشته باشد. نخستین و برترین ملاک در کفویت از نظر دین مبین اسلام، ایمان به خداست و به فرموده رسول اعظم اسلام صلی الله علیه و آله **مرد مومن، کفو زن مومن است و مومنان، بعضی کفو بعضی دیگرند.**^۱

رسول مکرم اسلام در مورد ازدواج با کفو فرمودند: با کفوها ازدواج کنید و برای نطفه‌هایتان هم‌شان خود را انتخاب

۱. الْمُؤْمِنُونَ بَعْضُهُمْ أَكْفَاءُ بَعْضٍ . حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل

کنید.^۱ در همین باب در مورد حضرت زهرا و علی علیهما السلام می‌فرماید: اگر خداوند حضرت زهرا سلام الله علیها را برای حضرت علی علیه السلام خلق نکرده بود، بر روی زمین کفوی برای حضرت زهرا سلام الله علیها وجود نداشت.^۲

با توجه به این روایات، زن و مرد در ایمان و تقوا باید هم-شان یکدیگر باشد. اگر دختر و پسر در اعتقادات به هم نزدیک باشند، ممکن است بتوانند در عدم همتایی در مسائل دیگر با هم کنار بیایند، اما اگر در بقیه جهات تشابه داشته باشند و در اعتقادات مخالف هم باشند، احتمال تداوم زندگی بسیار کم است. لازم به ذکر است که کفویت و همتایی

۱. أَنْكِحُوا الْأَكْفَاءَ وَانْكِحُوا مِنْهُمْ وَاخْتَارُوا لِتُطْفِكُمْ. اصفهانی، مجلسی دوم، محمد

باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۳۷۴

۲. لَوْلَا أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ فَاطِمَةَ لِعَلِيٍّ - مَا كَانَ لَهَا عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ كُفُوٌ آدَمُ فَمَنْ

دُونَهُ. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۷۴

خانوادگی، فرهنگی، تحصیلی، ظاهری نیز دارای اهمیت است که در جای خود قابل بحث است.

۲.۴. اصالت خانوادگی

اصالت خانوادگی از ویژگی های سفارش شده برای زن و مرد است. ازدواج یک پیوند خانوادگی است؛ نه تنها پیوند دو نفر. از سوی دیگر، خانواده اولین و مهم ترین ریشه هر فرد و آموزشگاهی است که او خلق و خو، عادت ها و نوع نگاه به زندگی را از آن جا کسب می کند؛ بنابراین مهم است با خانواده ای سالم و اصیل، وصلت کنیم. اصالت خانوادگی به معنای سلامت خانواده و خوشنام بودن آن ها است؛ نه ثروت و شهرت. اسلام تأکید دارد که درباره سابقه خانوادگی همسر، تحقیق لازم صورت گیرد؛ به ویژه، مراتب ایمانی و

اخلاقی آن‌ها در نظر گرفته شود؛ زیرا این اصالت خانوادگی در زندگی جدید و نسل بعد تأثیر خواهد گذاشت. در روایتی از پیغمبر (صلی الله علیه و آله) است که «بر شما باد پرهیز و اجتناب از خضراء دمن، گفته شد یا رسول الله خضراء دمن چیست؟ فرمود زن زیبا در محل روییدن بد»^۱ مراد از این روایت دقت در انتخاب خانواده ای که با آن وصلت می شود بوده و بیانگر اهمیت این مساله است.

در روایت دیگری، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: برای

۱. قَالَ الصَّادِقُ ع قَامَ النَّبِيُّ حَظِيْبًا فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي أَمُّكُمْ وَخَضْرَاءُ الدَّمَنِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ص وَ مَا خَضْرَاءُ الدَّمَنِ قَالَ الْمَرْأَةُ الْحَسَنَاءُ فِي مَنَبَتِ السَّوِّ . کلینی،

نطفه‌های خود جایگاهی مناسب اختیار کنید؛ پس به درستی
که فرزندان شبیه دایی‌ها هستند.^۱

در روایتی طولانی دیگری آمده است: یکی از اصحاب امام
صادق صلی الله علیه و آله به ایشان گفت: تصمیم دارم ازدواج
کنم، حضرت فرمود: ببین نفست را کجا قرار می‌دهی؟ چه
کسی را شریک مالت می‌کنی؟ چه کسی را از دین سرت
آگاه می‌سازی؟^۲

۱ - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: اخْتَارُوا لِطُفُكُمُ فَإِنَّ الْخَالَ أَحَدُ
الضَّجِيعِينَ. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۵، ص ۳۳۲

۲ - عَنْ إِبْرَاهِيمَ الْكَرْخِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ إِنَّ صَاحِبَتِي هَلَكَتْ وَكَانَتْ
لِي مُوَافَقَةً وَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ أَتَزَوَّجَ فَقَالَ أَنْظِرْ أَيْنَ تَضَعُ نَفْسَكَ وَمَنْ تُشْرِكُهُ فِي
مَالِكَ وَتُطْلِعُهُ عَلَى دِينِكَ وَسِرِّكَ وَأَمَاتِكَ ... اصفهانی، محمد باقر، بحار
الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۲

امام صادق علیه السلام در جای دیگر فرموده است: «به درستی که زن گردن‌بندی است؛ پس ببین چه گردن‌بندی به گردن می‌اندازی و برای زن معادلی نیست؛ نه برای شایسته آن‌ها و نه برای بد آن‌ها؛ اما شایسته آن‌ها از طلا و نقره با ارزش‌ترند و نمی‌شود آن‌ها را با طلا و نقره سنجید و بد آن‌ها را با خاک هم نمی‌توان سنجید؛ زیرا که از خاک هم بی‌ارزش‌ترند.^۱

با توجه به روایات مطرح شده، اصالت خانوادگی تاثیر زیادی بر زندگی زناشویی و فرزندان که در این خانواده به دنیا می‌آیند دارد. در ایران برخلاف غرب، پدر و مادر همسر آینده، پدر بزرگ و مادر بزرگ فرزند شده و برادر و

^۱ قَالَ الصَّادِقُ ع لَيْسَ لِلْمَرْأَةِ خَطَرٌ لَّا لِصَالِحَتَيْنِ وَلَا لِطَالِحَتَيْنِ أَمَّا صَالِحَتُهُنَّ فَلَيْسَ خَطَرُهَا الذَّهَبُ وَالْفِضَّةُ هِيَ خَيْرٌ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَأَمَّا طَالِحَتُهُنَّ فَلَيْسَ التُّرَابُ خَطَرُهَا التُّرَابُ خَيْرٌ مِنْهَا. اصفهانی، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۶ و خمینی، سید

خواهر خانم، دایی و خاله فرزند و برادر و خواهر مرد عمو و عمه فرزند می شوند و به شدت بر فرزندان تاثیر می گذارند و نمی توان بدون ارتباط با این افراد زندگی کرد، چون هم فرزندان به آنها نیازمندند و هم دین اسلام به صله رحم سفارش کرده است بنابراین در ازدواج باید حتما اصالت خانوادگی مورد توجه واقع شود.

فصل دوم: روابط زناشویی

پیوند زناشویی، یکی از زیباترین پیوندها است. امر مقدسی که از ابتدای خلقت آدم و حوا وجود داشته و در روایات نیز بدان اشاره شده است:

زرارة بن اعین نقل می کند که شخصی از امام صادق علیه السلام درباره خلقت حوا سؤال کرد و گفت: در شهر ما برخی می گویند: خداوند عزّ و جلّ، حوا را از آخرین دنده چپ آدم آفرید، آیا همین طور است؟ امام علیه السلام فرمود: خداوند از

چنین نسبتی منزّه است و بسیار برتر از آن است که چنین کند. آیا کسی که چنین می‌گوید، می‌پندارد خداوند توان آن را نداشت که همسر آدم را از غیر دنده او خلق کند؟ تا بهانه به دست ملامت‌گران دهد که بگویند بعضی از اجزای آدم با جزء دیگر او ازدواج کرد... سپس فرمود: خداوند آدم را از گل آفرید و به ملائکه امر کرد که بر او سجده کنند... تا این - که خواب را بر او چیره ساخت؛ سپس مخلوقی جدید (حوا را) آفرید... وقتی به حرکت آمد، آدم از حرکت او بیدار شد. چون به او نگاه کرد، دید زیباست و همانند خود اوست، جز آن که زن است... آدم در این هنگام گفت: خداوندا! این مخلوق زیبا کیست که من به او چنین احساس انس و محبت دارم؟ خداوند فرمود: این بنده من حوا است... آیا دوست داری همدم تو باشد و با تو هم صحبتی کند و از تو پیروی نماید؟ آدم گفت: آری و به خاطر این نعمت تا زنده هستم باید شکرگزار تو باشم. خداوند فرمود: او را از من خواستگاری کن ... و پیش از آن آدم را با تمامی مسائل زناشویی آشنا ساخته بود، آدم عرض کرد: پروردگارا! من

او را از تو خواستگاری می‌کنم؛ به چه مهریه‌ای راضی هستی؟ خداوند فرمود: به این که دستورات دینی را به او بیاموزی، بدان خشنود می‌شوم.

آدم گفت: خدای من! اگر در مورد مهریه همین رضای تو است آن را پذیرفتم و برای تو به گردن می‌گیرم و تعهد می‌دهم ... آن‌گاه خداوند فرمود: او را به نکاح تو در آوردم؛ پس او را نزد خود ببر، آدم رو به حوا کرد و گفت: نزدیک من آی! حوا گفت: تو نزد من آی! پس خداوند عز و جلّ به آدم گفت: تو نزد او برو. آن‌گاه امام علیه السلام فرمود: اگر چنین نمی‌شد، زنان به جست‌وجوی شوهر به خواستگاری می‌رفتند. این است قصّه حوا که درود بر او باد.^۱

این روایت که به شرح پیوند زناشویی اولین زن و شوهر عالم خلقت می‌پردازد، به گونه‌ای به برخی از آداب ازدواج هم

^۱. قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه

اشاره دارد؛ همچون خواستگاری، مهریه و آدابی که در دین اسلام جایگاه ویژه‌ای دارند و واز اهمیت بسزایی برخوردار است.

خواندن نماز و طلب همسر شایسته

یکی از آداب ازدواج که در روایات نیز به آن اشاره شده است، خواندن نماز و دعا برای طلب همسر شایسته است. در همین زمینه در روایتی آمده است که روزی امام صادق علیه السلام به یارانش فرمود: اگر یکی از شما خواست ازدواج کند، باید چه اعمالی به جا آورد؟ گفتند: نمی‌دانیم. حضرت فرمودند: اگر یکی از شما خواست به این امر مهم بپردازد، ابتدا دو رکعت نماز بخواند و حمد الهی را به جا آورد و این‌گونه دعا کند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَتَزَوَّجَ، اللَّهُمَّ فَاقْدِرْ لِي مِنَ النِّسَاءِ أَعْفَنَ
فَرْجاً وَأَحْفَظَهُنَّ لِي فِي نَفْسِهَا وَفِي مَالِي وَأَوْسَعَهُنَّ رِزْقاً وَ

أَعْظَمَهُنَّ بَرَكَةً وَاقْدِرْ لِي مِنْهَا وَلَدًا طَيِّبًا؛ تَجْعَلُهُ خَلْفًا صَالِحًا
 فِي حَيَاتِي وَ بَعْدَ مَوْتِي؛ خداوندا من قصد ازدواج دارم،
 عقیف ترین زنان را نصیب من کن که مال من و ناموس خود
 را بهتر حفظ کند و رزق و برکت او از همه وسیع تر باشد و
 از او فرزندی پاک که در حیات و مرگ من یادگاری صالح
 باشد، به من عنایت کن.^۱ با توجه به این دستور امام صادق
 ع توصیه می شود افرادی که قصد ازدواج دارند به این
 توصیه عمل کنند تا با عمل به این سفارش حضرت
 و خواندن نماز و دعا، همسری شایسته نصیبشان گردد.

آداب و سنت‌های مستحب در مراسم عروسی

از آنجائیکه پیوند ازدواج پیوندی مقدس است در میان
 روایات آداب و سنت‌هایی برای مراسم ازدواج بیان شده
 است؛ آدابی که در سیره و روایات ائمه علیهم السلام مورد
 توجه بوده؛ همچون ولیمه دادن، عروسی در شب، گل-

۱. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۱۱۳

افشانی، شستن پای عروس و... که در ادامه به برخی از این آداب اشاره می شود.

ولیمه دادن

یکی از اعمال مستحب بعد از عقد، ولیمه دادن است. در روایتی از امام رضا علیه السلام در همین زمینه آمده است: زمانی که نجاشی آمنه بنت ابی سفیان را از رسول اکرم صلی الله علیه و آله خواستگاری کرد، حضرت بعد از نکاح آن دو، طعام خواستند و فرمودند اطعام در زمان تزویج از سنت پیامبران است.^۱

۱. إِنَّ النَّجَاشِيَّ لَمَّا خَطَبَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ آمِنَةَ بِنْتِ أَبِي سُفْيَانَ فزَوَّجَهُ دَعَا بِطَعَامٍ ثُمَّ قَالَ: إِنَّ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ، الْأَطْعَامَ عِنْدَ التَّزْوِيجِ. کلینی، محمد بن

در روایت دیگری در همین زمینه آمده است که: حد ولیمه دادن، یک روز است؛ دو روز ولیمه دادن، احترام و کرامت است؛ اما اگر بیش از این شود، ریا و خودنمایی است.^۱

عروسی در شب

طبق آنچه از سخن ائمه علیهم السلام برداشت می‌شود، بهتر است عروس را شب به منزل داماد ببرند. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «زُقُوا عَرَائِسَكُمْ لَيْلًا وَ أَطْعَمُوا ضُحًى؛ عروس را شب به منزل ببرید و ولیمه را در روز بدهید.^۲

در روایت دیگری از امام رضا ع در مورد علت بردن عروس به منزل داماد در شب، آمده است که: به این دلیل که شب آرامش خاص خود را دارد و خداوند آرامش را در

۱. الْوَلِيمَةُ يَوْمٌ وَ يَوْمَانِ مَكْرُمَةٌ وَ ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ رِبَاءٌ وَ سُمْعَةٌ. همان، ص ۳۶۷

۲. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۹۱

شب قرار داده است، شایسته است که عروس را شب به منزل ببرند؛ مراسم عروسی در شب، سنت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است، چرا که خداوند شب را مایه آرامش قرار داده و زن هم آرامش خاطر است».^۱

گل افشانی بر عروس و داماد و همراهی آنان

یکی دیگر از مستحبات ازدواج، گل ریختن بر عروس و داماد و همراهی آنان تا خانه بخت و هدیه دادن به آنان است. مرحوم صدوق در من لا یحضره الفقیه روایت زیبایی از جابر بن عبدالله انصاری در مورد ازدواج حضرت علی و حضرت زهرا علیهما السلام آورده است که به این امر اشاره کرده؛ سیره‌ای که شایسته است، مورد توجه همه خانواده‌ها قرار گیرد.

۱. عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ فِي التَّرْوِيجِ قَالَ: مِنَ السُّنَّةِ التَّرْوِيجُ بِاللَّيْلِ - لِأَنَّ اللَّهَ جَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالنَّسَاءَ إِنَّمَا هُنَّ سَكَنٌ. حرّ عاملی،

در این روایت آمده است که: چون رسول خدا ﷺ فاطمه علیها السلام را به همسری علی علیه السلام در آورد، گروهی از قریش نزد آن حضرت آمدند و گفتند: دخترت را با مهریه اندک، به علی دادی. رسول خدا ﷺ فرمود: من فاطمه را برای علی تزویج نکردم؛ بلکه خدای عزّ و جلّ برای او تزویج کرد؛ در شب معراج، در کنار سدره المنتهی. سدره را وحی فرستاد تا دُر افشانی کند و آن سدره دُر و گوهر بر حور العین بهشت افشاند؛ آنان نیز هدایا و تحفه-هایی تقدیم داشتند و افتخار می کردند و دُرها را به یکدیگر نشان می دادند و می گفتند اینها نثار فاطمه دخت محمد ﷺ الله علیه و آله است؛ شب زفاف که رسید، استر شهبای رسول خدا را آوردند و قطیفه ای دو لایه بر آن افکندند. آن حضرت، به فاطمه علیها السلام فرمود: سوار شو و به سلمان را فرمود: مهار استر را به دست بگیر و حرکت کن؛ در حالی که خود از عقب استر را می راند، در بین راه رسول خدا ﷺ الله علیه و آله صدای افتادنی شنید ناگاه جبرئیل در میان هفتاد هزار فرشته و میکائیل در میان هفتاد هزار دیگر فرود آمدند،

رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید: برای چه آمدید؟ عرض کردند که آمده ایم فاطمه را تا خانه شوهر بدرقه کنیم. آن گاه جبرئیل تکبیر گفت؛ سپس میکائیل نیز تکبیر گفت و فرشتگان همگی به تکبیر صدا بلند کردند، و رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز تکبیر گفت و از آن شب تکبیرگفتن در عروسی سنت شد.^۱

نکته ای که لازم است مورد توجه قرار گیرد آن است که: آنچه در این روایت آمده، صورت عرشی و ملکوتی عروسی حضرت زهرا علیها السلام است؛ نه آنچه در روی زمین انجام شده تا اشکال نشود که سلمان در آن وقت کجا بوده یا با این که خانه علی علیه السلام نزدیک بوده، چه نیازی به آستر بوده است.

۱. قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه

در روایات دیگری در مورد شادی کردن در عروسی و دف زدن آمده است که پیامبر اکرم (ص) از کنار خانه علی بن هبار می‌گذشت، صدای دف شنید، پرسید: این چیست؟ گفتند: علی بن هبار برای اهل خود عروسی گرفته است. فرمود: زیباست، این نکاح است نه سفاح (رابطه نامشروع) سپس فرمود: در نکاح صدا بلند کنید، نکاح را میان خودتان اعلان کنید، و برای آن دف بزنید. از آن پس سر و صدا و دف زدن در عروسی سنت جاریه گشت.^۱

نکته ای که باید مورد توجه قرار گیرد این است که مراد از دف زدن و سر و صدا کردن در عروسی این است که، چون نکاح با سفاح و بی بند و باری متفاوت است، لازم است که این امر مقدس با شور و اشتیاق و سرو صدا همراه باشد تا

۱. قَالَ: اجْتَازَ النَّبِيُّ ص بِدَارِ عَلِيٍّ بْنِ هَبَّارٍ فَسَمِعَ صَوْتَ دَفٍّ فَقَالَ مَا هَذَا قَالُوا عَلِيُّ بْنُ هَبَّارٍ أَعْرَسَ بِأَهْلِهِ فَقَالَ ص حَسَنٌ هَذَا النِّكَاحُ لَا السَّفَاحُ ثُمَّ قَالَ ص أَسْنِدُوا النِّكَاحَ وَاعْلِنُوهُ بَيْنَكُمْ وَاضْرِبُوا عَلَيْهِ بِالْذَّفِّ فَجَرَّتِ السُّنَّةُ فِي النِّكَاحِ بِذَلِكَ. اصفهانی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۲۶۱

همه متوجه برپایی ازدواج شوند و به این امر مقدس تشویق شوند.

افزون بر اینکه، بنابر نظر مشهور فقها، دف؛ از نظر حکم شرعی مانند سایر آلات موسیقی است و بستگی به چگونگی استفاده از آن دارد، که اگر به نحو لهوی و مطرب بوده و موجب کشیده شدن انسان به سمت بی‌بندوباری و بیهودگی شود، حرام است.^۱ البته برخی از مراجع استفاده از آلات موسیقی را مطلقاً حرام می‌دانند.^۱

شستن پای عروس

یکی دیگر از آداب‌ی که در روایات به آن اشاره شده، شستن پای عروس توسط داماد است. در کتاب بحارالانوار روایتی

^۱. رجوع شود به رساله توضیح المسائل مراجع و موسوعه فقهی اداره پاسخ به

آمده است که رسول اکرم ﷺ به علی علیه السلام وصیت کردند که هرگاه عروس به منزلت وارد شد، کفش- هایش را درآور و پاهایش را بشوی و آب آن را از درب منزل تا پایین ترین محل بریز؛ با این کار فقر از خانه خارج شده و برکتی نازل می شود که همه جای خانه تو را فرا می- گیرد؛ عروس هم از جنون و جزام و برص در امان می ماند.^۱

۱. مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ
 أَوْصَى رَسُولُ اللَّهِ صَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع فَقَالَ: يَا عَلِيُّ دَخَلَتْ
 الْعُرُوسُ بَيْتَكَ - فَاخْلَعْ خُفَّيْهَا حِينَ تَجْلِسُ وَ اغْسِلْ رِجْلَيْهَا - وَ صُبَّ
 الْمَاءُ مِنْ بَابِ دَارِكَ إِلَى أَقْصَى دَارِكَ - فَإِنَّكَ إِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ - أَخْرَجَ
 اللَّهُ مِنْ دَارِكَ سَبْعِينَ أَلْفَ لَوْنٍ مِنَ الْفَقْرِ - وَ ادْخُلَ فِيهَا سَبْعِينَ أَلْفَ لَوْنٍ
 إِذَا مِنَ الْبَرَكَةِ - وَ أَنْزَلَ عَلَيْكَ سَبْعِينَ أَلْفَ رَحْمَةٍ - تُرْفَرُ عَلَى رَأْسِ
 الْعُرُوسِ - حَتَّى تَنَالَ بَرَكَتُهَا كُلَّ زَاوِيَةٍ فِي بَيْتِكَ - وَ تَأْمَنَ الْعُرُوسُ مِنْ
 الْجُنُونِ وَ الْجَذَامِ وَ الْبَرَصِ - أَنْ يُصِيبَهَا مَا دَامَتْ فِي تِلْكَ الدَّارِ
 الْحَدِيثَ. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۲۴۹

آداب همبستری

درآموزه های دینی آمیزش زن و شوهر و ارضای غریزه جنسی عبادت محسوب می شود؛ در روایتی آمده است اگر کسی عمل نزدیکی با همسرش را همراه با آداب و رسوم آن زود به زود انجام دهد به یکی از سنت های پیامبران (ص) عمل کرده است.^۱

نکته ای که باید بدان توجه ویژه داشت، این که همبستر شدن با همسر و ارضای غرائز جنسی در انسان برخلاف حیوان،

۱. عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَاعِ يَقُولُ ثَلَاثٌ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ الْغَطْرُ وَأَخْذُ الشَّعْرِ وَكَثْرَةُ الطَّرُوفَةِ. کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۵، ص: ۳۲۰. لازم به ذکر است که برخی از این روایت استفاده کرده و گفته اند تعدد زوجات مستحب است در حالیکه در این روایت به کثرت مواقع با همسر اشاره شده نه کثرت تعداد همسران. افزون براینکه اگر مراد کثرت زنان بود می فرمود: کثرة الزوجة.

نیاز به آموزش و یادگیری دارد؛ به همین جهت یکی از مسائل ضروری برای هر پسر و دختری یادگیری چیزهایی است که به داشتن یک ارتباط سالم کمک می‌کند. مسائلی همچون مقدمات نزدیکی، آگاهی از احکام شرعی آن؛ مثل زمان و مکان آمیزش، غسل جنابت، راه‌های جلوگیری از بارداری، رعایت بهداشت ظاهری مثل مسواک زدن، خوشبو بودن و مسائل مهمی است که نباید در مورد آن‌ها غفلت کرد.

الف: مستحبات

۱. وضو گرفتن و خدا را یاد کردن

یکی از آدابی که در روایات به آن سفارش شده، طهارت داشتن است؛ یعنی زن و مرد پیش از آمیزش با وضو باشند، به ویژه اگر زن حامله باشد؛ بعد از آن خدا را یاد کنند با دعاهایی که از ائمه معصوم علیهم السلام وارد شده؛ از جمله دعا

ها این است که از خدای تعالی بخواهد که به او فرزند با تقوا ، مبارک، پاک و پسر مستوی الخلقه روزی نماید.^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: هر یک از شما چون آهنگ کام بردن از همسر کند پس خداوند را یاد کند (بسم الله الرحمن الرحيم) گوید وبا این کار شیطان را از خود دور کند.^۲

۱. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: إِذَا أَرَدْتَ الْجَمَاعَ فَقُلِ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي وَلَدًا- وَاجْعَلْهُ نَقِيًّا لَيْسَ فِي خَلْقِهِ زِيَادَةٌ وَلَا نُقْصَانٌ- وَاجْعَلْ عَاقِبَتَهُ إِلَى خَيْرٍ. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۳۶۹.

۲. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع فِي الرَّجُلِ إِذَا أَتَى أَهْلَهُ وَخَشِيَ أَنْ يُشَارِكُهُ الشَّيْطَانُ قَالَ- يَقُولُ بِسْمِ اللَّهِ وَ يَتَعَوَّذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۱۳۵

از ثمرات یاد خدا این است که انسان را از شر شیطان نگاه می‌دارد.

در روایات دیگری که در همین باب وارد شده است علاوه بر وضو گرفتن و نام و یاد خدا، دو رکعت نماز و صلوات بر پیامبر ص و دعا نیز سفارش شده است. در کتاب وسائل الشیعه آمده است: روزی پیرمردی به امام باقر علیه السلام گفت: قربانت شوم، سنّ من زیاد است و با دختر جوانی عقد کرده‌ام؛ اما هنوز عروسی نکرده‌ام و چون خضاب می‌کنم و پیری سالمندم، می‌ترسم موقع زفاف، اظهار کراهت و انزجار کند. امام فرمود: در شب زفاف، سفارش کن تا عروس خانم قبل از ورود به حجله وضو بگیرد، تو نیز موقع ورود به حجله وضو بگیر. چون به حجله رفتی، دو رکعت نماز بخوان و خدا را به مجد و کرامت ستایش کن و بر محمد و آل محمد صلوات بفرست، آن گاه دعا کن و بگو همراهان عروس دعای تو را با درخواست اجابت بدرقه نمایند. در دعای خود با یک چنین مضمونی خدا را بخوان: «بار خدایا

الفت و محبت و رضایت این عروس را نصیب من بفرما و او را مورد رضا و علاقه من قرار بده و سرانجام من و او را به بهترین وجه ممکن و شادمانی کامل فراهم آر، چرا که تو معاشرت حلال را دوست داری و از معاشرت حرام نفرت داری.» امام باقر علیه السلام به او گفت: این را بدان که مهر و الفت از سوی خدا و ناسازگاری از جانب شیطان است.^۱

۱. عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ رَجُلًا وَهُوَ يَقُولُ لِأَبِي جَعْفَرٍ - إِنِّي رَجُلٌ قَدْ أَسْنَنْتُ وَقَدْ تَزَوَّجْتُ امْرَأَةً بَكْرًا صَغِيرَةً - وَلَمْ أَدْخُلْ بِهَا وَأَنَا أَخَافُ إِذَا دَخَلْتُ عَلَى - فَرَأَيْتَنِي أَنْ تَكْرَهَنِي لِخَضَائِي وَكِبَرِي - فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ إِذَا دَخَلْتُ - فَمَرُّهُمْ قَبْلَ أَنْ تَصِلَ إِلَيْكَ أَنْ تَكُونَ مُتَوَضِّئَةً - ثُمَّ أَنْتَ لَا تَصِلُ إِلَيْهَا حَتَّى تَوَضَّأَ وَصَلَّ رُكْعَتَيْنِ - ثُمَّ مَجَّدَ اللَّهَ وَصَلَّ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ - ثُمَّ ادْعُ اللَّهَ وَامْرُءٌ مِنْ مَعَهَا أَنْ يُؤْمِنُوا عَلَى دُعَائِكَ - وَقُلِ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي إِنْفَهَا وَوَدَّهَا وَرِضَاهَا - وَأَرْضِي بِهَا وَاجْمَعْ بَيْنَنَا بِأَحْسَنِ اجْتِمَاعٍ - وَآنَسِ اثْنَلَاثَ فَإِنَّكَ تُحِبُّ الْحَلَالَ وَتَكْرَهُ الْحَرَامَ - ثُمَّ قَالَ وَاعْلَمْ أَنَّ الْإِلْفَ مِنَ اللَّهِ - وَالفِرْكَ مِنَ الشَّيْطَانِ لِيُكَرَّهَ مَا أَحَلَّ اللَّهُ. حر عاملي، محمد بن حسن،

۲. ملاعبه

یکی دیگر از مستبات زناشویی ملاعبه کردن است. رسیدن به اوج لذت جنسی، که علامت آن انزال در زن و مرد است، در بین زن و مرد متفاوت است و معمولاً مرد بسیار زودتر از زن به این مرحله می‌رسد. به همین خاطر بسیاری از مردان وقتی به ارگاسم می‌رسند، دست از کار می‌کشند، در حالی که هنوز همسرشان به ارگاسم نرسیده است. بنا به نظر متخصصان، رها کردن زن در این حالت باعث بروز مشکلات جسمی زیادی؛ همچون درد در ناحیه کمر و شکم، عصبی شدن و کم حوصلگی می‌شود؛ بنابراین لازم است مرد به این نکته توجه کند و قبل از آمیزش، همسرش را آماده نماید. در روایات فراوانی این موضوع مهم بیان شده و تصریح می‌کند که یکی از آداب همبستر شدن با همسر، ملاعبه، یعنی

تحریک زن از طریق لمس و نوازش بدن و در آغوش گرفتن اوست. ملاعبه باعث می‌شود که برای زن فاصله ارضا شدن کم شود و با شروع آمیزش پس از اندک مدتی زن نیز به اوج لذت جنسی برسد؛ ولی اگر ملاعبه به صورت کامل انجام نشود، زمان ارضا برای زنان طولانی می‌شود و مرد قبل از زن به ارگاسم می‌رسد.

در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: زمانی که یکی از شما با همسرش همبستر می‌شود، عجله نکند: **«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْتِيَ أَهْلَهُ فَلَا يُعْجِلْهَا»**^۱.

^۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة ج ۲۰، ص ۱۱۸.

و یا در روایتی دیگر آمده است اگر یکی از شما خواست با
همسرش نزدیکی کند مانند گنجشک نباشد و مقداری مکث
کند.^۱

ملاعبه با زن قبل از نزدیکی آنقدر مهم است که اگر مرد به
این مساله توجه نداشته باشد به همسرش ظلم و جفا کرده
است: رسول اکرم ص می فرماید: سه چیز است که ظلم و
جفا محسوب می شود . یکی از آن سه، نزدیکی با همسر
قبل از ملاعبه است.^۲

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا جَامَعَ أَحَدُكُمْ فَلَا يَأْتِيَهُنَّ كَمَا يَأْتِي الطَّيْرُ - لِيَمْكُثَ وَ
لِيَلْبَثَ قَالَ بَعْضُهُمْ وَلِيَتَلَبَّثَ. همان، ص ۱۱۷.

۲. قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص ثَلَاثَةٌ مِنَ الْجَفَاءِ - أَنْ يَصْحَبَ الرَّجُلُ الرَّجُلَ فَلَا يَسْأَلُهُ
عَنْ اسْمِهِ وَكُنْيَتِهِ - وَأَنْ يُدْعَى الرَّجُلُ إِلَى طَعَامٍ فَلَا يُجِيبُ - أَوْ يُجِيبَ فَلَا يَأْكُلُ -
وَأَوْ قَاعَةُ الرَّجُلِ أَهْلُهُ قَبْلَ الْمُلَاعَبَةِ. همان، ص ۱۴۵.

۳. زمان‌های مطلوب برای همبستری

در روایات زمان‌هایی مشخص شده که برای ارتباط جنسی و اقدام به بارداری مطلوب است:

پیامبر اکرم صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم به علی عَلِيه السَّلَام فرمودند:

همبستری در شب دوشنبه سبب می‌شود که فرزند حافظ کتاب خدا گردد و به آنچه خداوند برایش مقرر کرده، راضی شود.

همبستری در شب سه شنبه نیز مطلوب است و اثرش این است که بعد از سعادت تشرف به اسلام، شهادت روزی او می‌شود؛ خداوند او را با مشرکین عذاب نمی‌کند؛ دهانش خوش بو، دلش رحیم و جوانمرد خواهد بود و زبانش از دروغ و غیبت و تهمت پاک می‌ماند.

همبستری در شب پنج شنبه نیز مطلوب است و سبب می-
شود فرزند، حاکمی از حکما و یا عالمی از علما شود.

همبستری در روز پنج شنبه هنگام زوال نیز پسندیده است و
سبب می شود شیطان به فرزند نزدیک نگردد تا پیر شود و
سلامتی دین و دنیا روزی اش خواهد بود.

همبستری در شب جمعه سبب می شود که فرزند خطیب و
سخن گو شود؛ همچنین در شب جمعه بعد از نماز عشا، سبب
می شود که آن فرزند از نیک مردان و صالحان شود.

همبستری در روز جمعه بعد از عصر، سبب می شود که در
پی آن اگر فرزندی به دنیا بیاید، از دانایان مشهور شود.^۱

۱. عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ فِي وَصِيَّةِ النَّبِيِّ ﷺ لِعَلِيِّ ع قَالَ: يَا عَلِيُّ عَلَيْكَ بِالْجَمَاعِ لَيْلَةُ
الْإِثْنَيْنِ - فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ يَكُونُ حَافِظًا لِكِتَابِ اللَّهِ رَاضِيًا بِمَا قَسَمَ اللَّهُ عَزَّ
وَجَلَّ لَهُ يَا عَلِيُّ إِنْ جَامَعْتَ أَهْلَكَ لَيْلَةَ الثَّلَاثَاءِ - فَقُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ فَإِنَّهُ يُرْزَقُ
الشَّهَادَةَ بَعْدَ شَهَادَةِ آلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ ص وَلَا يُعَذِّبُهُ اللَّهُ مَعَ

در روایت صحیح السندی که از امام صادق علیه السلام نقل شده، همبستری در شب اول ماه مبارک رمضان مستحب است. در این روایت به آیه ۱۸۶ بقره نیز استناد شده است: امام صادق علیه السلام فرمودند: برای مرد مسلمان مستحب است که شب اول ماه رمضان با زن خود همبستر شود.

الْمُشْرِكِينَ وَ يَكُونُ طَيِّبَ النَّكْهَةِ وَ الْفَمِ رَحِيمَ الْقَلْبِ سَخِيَّ الْبَدَنِ طَاهِرَ اللِّسَانِ مِنَ الْكَذِبِ وَ الْعِيبَةِ وَ الْبُهْتَانِ يَا عَلِيُّ وَ إِنَّ جَامِعَتِ أَهْلَكَ لَيْلَةَ الْخَمِيسِ - فَقُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ فَإِنَّهُ يَكُونُ حَاكِمًا مِنَ الْحُكَّامِ أَوْ عَالِمًا مِنَ الْعُلَمَاءِ وَ إِنَّ جَامِعَتَهَا يَوْمَ الْخَمِيسِ عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ عَنْ كَبِدِ السَّمَاءِ فَقُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَقْرُبُهُ حَتَّى يَشِيبَ وَ يَكُونُ قِيمًا وَ يَرْزُقُهُ اللَّهُ السَّلَامَةَ فِي الدِّينِ وَ الدُّنْيَا يَا عَلِيُّ وَ إِنَّ جَامِعَتَهَا لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ وَ كَانَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ فَإِنَّهُ يَكُونُ خَطِيبًا قَوْلًا مَفُوهًا وَ إِنَّ جَامِعَتَهَا يَوْمَ الْجُمُعَةِ بَعْدَ الْعَصْرِ فَقُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ فَإِنَّهُ يَكُونُ مَعْرُوفًا مَشْهُورًا عَالِمًا وَ إِنَّ جَامِعَتَهَا فِي لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ بَعْدَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ فَإِنَّهُ يَرْجَى أَنْ يَكُونَ الْوَلَدُ مِنَ الْأَبْدَالِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشيعة، ج ۲۰، ص ۲۵۴.

خداوند در قرآن می‌فرماید: در شب روزه داری رفت(همبستری) با زنانان بر شما حلال شد.^۱

ب: مکروهات

در برخی از منابع تربیتی و اخلاقی، روایاتی وارد شده که به کراهت آمیزش جنسی در بعضی زمان‌ها و مکان‌ها اشاره دارد و این امر نگرانی‌هایی را برای خانواده‌ها ایجاد کرده تا آن جا که گاهی به علت ترس از عواقب آمیزش در این مواقع، موجب سقط جنین گردیده است. به همین سبب، لازم است ابتدا مفهوم کراهت مشخص شود و چند نکته دیگر درباره تمکین و تشکیل نطفه بیان گردد؛ سپس این روایات به لحاظ سندی و دلالی مورد بررسی قرار گیرند و

۱. عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَنَّ عَلِيًّا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: يُسْتَحَبُّ لِلرَّجُلِ أَنْ يَأْتِيَ أَهْلَهُ أَوَّلَ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ لِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصَّيَامِ الرَّفْتُ إِلَى نِسَائِكُمْ وَالرَّفْتُ الْمُجَامَعَةُ. كلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۴، ص ۱۸۰

راهکارهایی برای داشتن فرزندی سالم و صالح و جلوگیری از عواقب آمیزش در این مواقع ارائه شود.

تذکر چند نکته

۱. کراهت گاهی در عبادت است و گاهی در غیر عبادت. کراهت در عبادت به معنای اقل الثواب (کمتر بودن ثواب عمل) است؛ برای مثال اگر گفته می‌شود، خواندن قرآن برای زن حائض، کراهت دارد؛ یعنی ثواب کمتری دارد. کراهت در غیر عبادت، به این معناست که بهتر است، این عمل ترک شود؛ برای مثال اگر گفته می‌شود، ایستاده آب خوردن در شب مکروه است؛ یعنی بهتر است انسان در شب ایستاده آب نخورد و بنشیند.

روایت‌هایی که به کراهت جماع در زمان، مکان و یا حالت خاصی اشاره دارند؛ چون کراهتی که در غیر عبادت ذکر

شده، به این معناست که بهتر است؛ این عمل در چنین شرایطی ترک شود.

۲. بر زن، تمکین کردن و اطاعت از درخواست شوهر برای رابطه زناشویی واجب است؛ بنابراین اگر شوهر در یکی از اوقات مکروه هم تقاضای رابطه را داشته باشد و زن به خاطر دوری از عمل مکروه، به درخواست شوهرش پاسخ منفی دهد، مرتکب حرام شده و کاملاً روشن است که نه عقل و نه شرع ارتکاب حرام را برای دوری از مکروه، مجاز نمی‌دانند. ممکن است برخی زنان گمان کنند که اگر در این اوقات آمیزش صورت گیرد و باردار شوند، فرزند صالحی نخواهند داشت؛ اما باید توجه داشت که ذکر و یاد خداوند متعال، آنقدر تأثیر قوی دارد که می‌تواند اثر احتمالی این زمان خاص را جبران کند. علاوه بر این صدقه دادن، موجب رفع خطر می‌شود؛ زیرا به تصریح روایات، صدقه دفع‌کننده

بلاهای متعدد است و برای عاقبت به خیر شدن نیز مؤثر است.

۳. از نظر پزشکی از زمان آمیزش تا زمان ترکیب تخمک و اسپرم و استقرار نطفه در رحم ممکن است سه روز طول بکشد؛ پس مشخص نیست که انعقاد نطفه در همان زمانی باشد که برای آن کراهتی ذکر شده؛ بنابراین اگر کسی به این اوقات توجه نکرد و بعد از معلوم شدن حاملگی گمان کرد که آمیزش یا انعقاد نطفه در وقت مناسبی نبوده، به خود نگرانی راه ندهد؛ بلکه اطمینان داشته باشد، با توکل و توسل و ذکر و دعا و صدقه و مراقبت‌های بعدی، خداوند مهربان فرزندی سالم و صالح به او عطا خواهد کرد.

۴. از آنجایی که عوامل بسیاری بر تربیت فرزند تاثیر گذار است؛ پس آمیزش ناخواسته در یکی از این ایام و حالات،

هرگز به معنای مشکل قطعی فرزند نیست؛ بلکه با عوامل دیگری که ذکر شد، می توان اثرات منفی را رفع نمود.

۵. سقط جنین از نظر اسلام، عملی حرام و ممنوع است؛ حتی اگر نطفه این فرزند از زنا منعقد شده باشد و باعث وجوب پرداخت دیه است؛ همچنین سقط جنین ناقص الخلقه نیز از دیدگاه بسیاری از علما حرام است و وجوب دیه و کفاره را به دنبال دارد.^۱

بررسی روایات

در برخی کتب روایی از جمله اصول کافی و وسائل الشیعه روایاتی در باب کراهت زمان آمیزش وارد شده است. در کتاب وسائل الشیعه جلد ۲۰ صفحه ۱۲۵ تا ۱۳۱ روایاتی مطرح شده است که برای نمونه برخی از این روایات مورد نقد و

^۱. این مسأله در بحث سقط جنین به صورت کامل مطرح می شود.

بررسی قرار می گیرد. مواردی که عمل جماع جایز؛ اما با کراهت همراه است:

۱. نگاه کردن به شرمگاه زن

در برخی روایات آمده نگاه کردن به شرمگاه زن هنگام آمیزش، سبب کوری فرزند می شود. در کتاب وسائل الشیعه در این مورد ۸ روایت وارد شده است. برخی روایات از نگاه کردن به شرمگاه زن نهی می کنند و در مقابل، برخی دیگر جواز این مسأله را مطرح می کنند.^۱

۱. مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي الرَّجُلِ يَنْظُرُ إِلَى امْرَأَتِهِ وَهِيَ عُرْيَانَةٌ - قَالَ لَا بَأْسَ بِذَلِكَ وَ هَلِ اللَّذَّةُ إِلَّا ذَلِكَ. در این روایت، درمورد نگاه به عورت زن هنگام نزدیکی سوال شده و حضرت فرمودند: اشکالی ندارد و لذتی بالاتر از این وجود ندارد.

۲. عَنْ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ بُنْدَارٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَنْ أَبِيهِ) عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُكَيْنٍ الْحَنَاطِ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع أَن يَنْظُرَ الرَّجُلَ إِلَى فَرْجِ امْرَأَتِهِ - وَهُوَ يُجَامِعُهَا قَالَ لَا بَأْسَ. این روایت هم مثل روایت قبل است و حضرت فرمود: نگاه به فرج زن در حال جماع، اشکالی ندارد.

۳. مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ مِثْلَهُ وَكَذَا الَّذِي قَبْلَهُ.

۴. «وَبِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْحَسَنِ عَنْ زُرْعَةَ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَنْظُرُ فِي فَرْجِ الْمَرْأَةِ وَهُوَ يُجَامِعُهَا - قَالَ لَا بَأْسَ بِهِ إِلَّا أَنَّهُ يُورِثُ الْعَمَى؛ در این روایت حضرت فرموده: نگاه کردن به فرج زن در حال جماع اشکالی ندارد؛ ولی سبب کوری فرد می شود...» ر، ک، حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۲۰

در مجموع ۹ روایت در این زمینه وجود دارد. برخی از این روایات بر جواز نگاه به عورت زن در حال جماع دلالت دارند و برخی نگاه به عورت زن در حال جماع را سبب کوری فرزند می دانند. با بررسی سندی روایات، این نتیجه به دست می آید که روایاتی که نگاه به عورت زن را سبب کوری فرزند می دانند، در مجموع پنج روایت است که سه مورد آن از جمله روایت محمد بن علی بن الحسین، زید بن علی، انس بن محمد، ابن عباس، ضعیف السند هستند؛ بنابراین کنار گذاشته می شوند.

این روایات از لحاظ سندی ضعیف هستند و اعتبار کافی ندارند. از متن بیش‌تر آنها این گونه برداشت می‌شود که انجام این عمل به خودی خود اشکالی ندارد و تنها هنگامی که آمیزش به قصد بارداری و فرزندآوری باشد، بهتر است از انجام آن خودداری گردد.

دو روایت دیگر، روایت این سعید خدری و سماعه، مضمهره هستند. حدیث مضمهره به حدیثی گفته می‌شود که نام معصوم در آن ذکر نشده باشد. در علم رجال چنین حدیثی حجت نیست؛ زیرا احتمال دارد مراد از ضمیر در حدیث، غیر معصوم باشد؛ مگر این‌که راوی فردی باشد که بدانیم از غیر امام نقل نمی‌کند؛ پس این دو حدیث نیز از حجیت ساقط استدر مجموع می‌توان گفت: احادیثی که بر کوری فرزند در صورت نگاه به عورت در حال جماع دلالت دارند، ضعیف‌السند هستند و این مسأله را اثبات نمی‌کنند و انجام این عمل، فی نفسه اشکالی ندارد.

۲. کراهت جماع بین طلوع فجر تا طلوع خورشید و زمان وزیدن باد سرخ و...

یکی دیگر از موارد مکروه، کراهت جماع در بین الطلوعین و وزیدن بادهای سرخ و سیاه است. وسائل الشیعه در این زمینه با حذف موارد تکراری در مجموع، ۱۳ روایت نقل کرده است.^۱ بعضی از این روایات آمیزش با همسر در برخی

۱. طولانی ترین روایت عبد الرحمن بن سالم است. در این روایت، راوی از زمان کراهت جماع سؤال می‌کند و حضرت در پاسخ مواردی را ذکر می‌کنند که در روایات دیگر هم مطرح شده است:

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ
ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ
أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ هَلْ يُكْرَهُ الْجَمَاعُ
فِي وَقْتِ مِنَ الْأَوْقَاتِ وَإِنْ كَانَ حَلَالًا؟ قَالَ: نَعَمْ، مَا
بَيْنَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ - وَ مِنْ مَغِيبِ
الشَّمْسِ إِلَى مَغِيبِ الشَّفَقِ - وَ فِي الْيَوْمِ الَّذِي تَنْكَسِفُ
فِيهِ الشَّمْسُ - وَ فِي اللَّيْلَةِ الَّتِي يَنْكَسِفُ فِيهَا الْقَمَرُ - وَ
فِي اللَّيْلَةِ - وَ فِي الْيَوْمِ الَّذِي يَكُونُ فِيهِمَا - الرِّيحُ
السَّودَاءُ - وَ الرِّيحُ الْحُمْرَاءُ وَ الرِّيحُ الصَّفْرَاءُ - وَ الْيَوْمُ وَ

الَّيْلَةَ الَّذِينَ يَكُونُ فِيهِمَا الزَّلْزَلَةُ - وَلَقَدْ بَاتَ رَسُولُ
 اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عِنْدَ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ - فِي لَيْلَةٍ
 انْكَسَفَ فِيهَا الْقَمَرُ فَلَمْ يَكُنْ مِنْهُ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ - مَا
 يَكُونُ مِنْهُ فِي غَيْرِهَا حَتَّى أَصْبَحَ. فَقَالَتْ: لَهُ يَا رَسُولَ
 اللَّهِ الْبَعْضُ كَانَ هَذَا مِنْكَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ قَالَ: لَا وَ
 لَكِنْ هَذِهِ الْآيَةُ ظَهَرَتْ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فَكَرِهْتُ أَنْ أَتَلَدَّ
 وَ أَتْلُوَ فِيهَا وَقَدْ عَيَّرَ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ أَقْوَامًا فَقَالَ: «وَلِنْ
 يَرَوْا كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا يَقُولُوا سَحَابٌ مَرْكُومٌ» -
 فَذَرَهُمْ حَتَّى يَلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ يُصْعَقُونَ» ثُمَّ قَالَ
 أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآيَةُ اللَّهِ لَا يُجَامِعُ أَحَدٌ فِي
 هَذِهِ الْأَوْقَاتِ الَّتِي نَهَى عَنْهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
 وَآلِهِ وَقَدْ أَنْتَهَى إِلَيْهِ الْخَبَرُ فَيُرْزَقُ وَلَدًا فَيَرَى فِي وَلَدِهِ
 ذَلِكَ مَا يُحِبُّ. این روایت صحیح السند است .

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ

مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ
 جَعْفَرِ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ: مَنْ أَتَى أَهْلَهُ
 فِي مُحَاقِ الشَّهْرِ فَلَيْسَ لَهُ لِسْقُطُ الْوَلَدِ. سليمان بن

جعفر جعفری گوید: از موسی بن جعفر علیهما

السَّلام شنیدم که می فرمود: هر کس در محاق ماه (دو)

شب آخر ماه که قمر در کره زمین دیده نمی شود) با

عیال خود همبستر شود باید خود را آماده سقط

شدن فرزند بنماید (فرزند سقط شده و باقی نمی ماند)

این روایت صحیح السند است.

۳- وَ فِي الْعَلَلِ وَ فِي عُيُونِ الْأَخْبَارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ
السَّنَانِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ
عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ الْحَسَنِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيِّ
عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ قَالَ: يُكْرَهُ لِلرَّجُلِ أَنْ يُجَامَعَ أَهْلُهُ
فِي أَوَّلِ لَيْلَةٍ مِنَ الشَّهْرِ وَ فِي وَسْطِهِ وَ فِي آخِرِهِ فَإِنَّهُ
مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ خَرَجَ الْوَلَدُ مَجْنُونًا أَوْ لَا تَرَى الْمَجْنُونَ
أَكْثَرَ مَا يُضْرَعُ فِي أَوَّلِ الشَّهْرِ وَ فِي وَسْطِهِ وَ فِي آخِرِهِ
الْحَدِيثُ. صحیح السند است

۴- وَ فِي الْخِصَالِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيٍّ ع فِي حَدِيثٍ
الْأَرْبَعَاءَةِ قَالَ: إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْتِيَ أَهْلَهُ فَلْيَتَوَقَّ
أَوَّلَ الْأَهْلَةِ وَ أَنْصَافَ الشُّهُورِ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَطْلُبُ الْوَلَدَ
فِي هَذَيْنِ الْوَقْتَيْنِ وَ الشَّيَاطِينُ يَطْلُبُونَ الشَّرْكَ فِيهِمَا
فَيَجِئُونَ وَ يُخْبِلُونَ. صحیح السند است.

۵- مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ
عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ
قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَيْكْرَهُ الْجَمَاعُ
فِي سَاعَةٍ مِنَ السَّاعَاتِ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، يُكْرَهُ فِي اللَّيْلَةِ
الَّتِي يَنْكَسِفُ فِيهَا الْقَمَرُ - وَ الْيَوْمَ الَّذِي يَنْكَسِفُ فِيهِ
الشَّمْسُ - وَ فِيمَا بَيْنَ غُرُوبِ الشَّمْسِ إِلَى أَنْ يَغِيبَ
الشَّفَقُ - وَ مِنْ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ - وَ فِي

الرَّيْحِ السَّوْدَاءِ وَالصَّفْرَاءِ وَالْحُمْرَاءِ وَالزَّلْزَلَةِ - وَلَقَدْ
 بَاتَ - رَسُولُ اللَّهِ ص عِنْدَ بَعْضِ النِّسَاءِ - وَانْكَسَفَ
 الْقَمَرُ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ - فَلَمْ يَكُنْ فِيهَا شَيْءٌ فَقَالَتْ: لَهُ
 زَوْجَتُهُ - يَا رَسُولَ اللَّهِ بِأَبَى أَنْتَ وَأُمِّي كُلُّ هَذَا أ
 لِبَعْضٍ - فَقَالَ لَهَا وَيَحْكِي هَذَا الْحَادِثُ فِي السَّمَاءِ -
 فَكَرِهْتُ أَنْ أَتَلَذَّذَ وَأَدْخُلَ فِي شَيْءٍ وَلَقَدْ عَيَّرَ اللَّهُ
 قَوْمًا - فَقَالَ «وَأِنْ يَرَوْا كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا -
 يَقُولُوا سَحَابٌ مَرْكُومٌ» وَإِيمُ اللَّهِ لَا يُجَامِعُ فِي هَذِهِ
 السَّاعَاتِ الَّتِي وَصَفْتُ فَيُرْزَقُ مِنْ جَمَاعِهِ وَلَدًا وَقَدْ
 سَمِعَ بِهَذَا الْحَدِيثِ فَيَرَى مَا يُحِبُّ. عمرو بن عثمان
 گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: آیا همبستری
 در برخی از ساعات مکروه است؟ فرمود: آری، در
 شبی که ماه بگیرد (خسوف) و روزی که خورشید
 بگیرد (کسوف)، و ما بین غروب آفتاب تا غایب
 شدن سرخی در آسمان، و ما بین طلوع فجر تا
 طلوع خورشید، و در هنگامی که باد سیاه یا سرخ و
 یا زرد می‌وزد، همچنین در موقع زلزله. رسول خدا
 صلی الله علیه و آله شبی با یکی از همسرانش در
 بستر بود که ماه گرفت حضرت بستر را ترک نمود،
 همسرش پرسید: آیا از من رنجیده شده‌اید؟ فرمود:
 نه، خدایت رحمت کند، خوش ندارم در حالی که این
 پدیده در آسمان پیش آمده، به خوشگذرانی بپردازم

و به راستی که خداوند ملامت فرموده و گوید: «إِنْ
يُرُوا كَسْفًا مِنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا يَقُولُوا سَحَابٌ مَرْكُومٌ...»
و به خدا سوگند اگر در چنین اوقاتی هر کس که این
حدیث را شنیده باشد، انعقاد نطفه نماید آن چه آرزو
کرده در چنین فرزندی نخواهد دید. این روایت
ضعیف السند است.

۶- مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ
مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ
مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ فِيمَا أَوْصَى
بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ
قَالَ: يَا عَلِيُّ لَا تُجَامِعْ أَهْلَكَ فِي أَوَّلِ لَيْلَةٍ مِنَ الْهِلَالِ -
وَلَا فِي لَيْلَةِ النُّصْفِ وَلَا فِي آخِرِ لَيْلَةٍ - فَإِنَّهُ يُتَخَوَّفُ
عَلَى وَلَدٍ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ الْخَبَلُ - فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ
السَّلَامُ وَلِمَ ذَاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ. فَقَالَ: إِنَّ الْجَنَّةَ
يُكْثِرُونَ غَشِيَانَ نِسَائِهِمْ فِي أَوَّلِ لَيْلَةٍ مِنَ الْهِلَالِ - وَ
لَيْلَةِ النُّصْفِ وَفِي آخِرِ لَيْلَةٍ - أَمَا رَأَيْتَ الْمَجْنُونِ
يُصْرَعُ فِي أَوَّلِ الشَّهْرِ - وَفِي وَسْطِهِ وَفِي آخِرِهِ. این
روایت، مرسله و ضعیف السند است.

۷- وَ عَنْهُمْ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ
شُمُونَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ مِسْمَعِ أَبِي
سَيَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ
اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَكْرَهُ لَأُمْتِي أَنْ يَغْشَى الرَّجُلُ

أَهْلُهُ فِي النُّصْفِ مِنَ الشَّهْرِ - أَوْ فِي غُرَّةِ الْهِلَالِ فَإِنَّ
مَرَدَّةَ الْجِنِّ وَالشَّيَاطِينِ، تَغْشَى بَنَى آدَمَ فَيَجِئُونَ وَ
يُخْبِلُونَ - أَمَا رَأَيْتُمْ الْمُصَابَ يُصْرَعُ فِي النُّصْفِ مِنَ
الشَّهْرِ وَ عِنْدَ غُرَّةِ الْهِلَالِ. ضَعِيفُ السَّنَدِ وَ مُضْمَرُهُ اسْت.

۸- مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ
السَّلَامُ لَا تُجَامِعْ فِي أَوَّلِ الشَّهْرِ وَ لَا فِي وَسْطِهِ وَ لَا فِي
آخِرِهِ - فَإِنَّهُ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَلَيْسَ لَهُ لِسِقْطِ الْوَلَدِ - ثُمَّ
قَالَ أَوْشَكَ أَنْ يَكُونَ مَجْنُونًا - أَلَا تَرَى أَنَّ الْمَجْنُونَ
أَكْثَرُ مَا يُصْرَعُ - فِي أَوَّلِ الشَّهْرِ وَ وَسْطِهِ وَ آخِرِهِ. وَ
امام صادق عليه السلام فرمود: در شب اول و شب
وسط و شب آخر هر ماه مجامعت مکن؛ زیرا هر
کس در این اوقات چنین کند، باید خود را آماده
سقط فرزند نماید و چنانچه سقط نشود، بعید نیست
که مجنون یا دیوانه به دنیا آید، آیا ندیده‌ای که دیوانه
در اول و وسط و آخر هر ماه دیوانگی اش تشدید
می‌شود. ضعیف السند و مضمرة است.

۹- وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ فِي وَصِيَّةِ النَّبِيِّ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: يَا عَلِيُّ
لَا تُجَامِعْ امْرَأَتَكَ فِي أَوَّلِ الشَّهْرِ وَ وَسْطِهِ وَ آخِرِهِ -
فَإِنَّ الْجُنُونَ وَ الْجُدَامَ وَ الْخَبِلَ يُسْرِعُ إِلَيْهَا وَ إِلَى
وَلَدِهَا. این روایت مضمرة است.

- ١٠- الْحُسَيْنُ بْنُ بِسْطَامٍ وَأَخُوهُ عَبْدُ اللَّهِ فِي طَبِّ الْأَيْمَةِ
عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَلْفٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْجَهْمِ
عَنْ سَعْدِ الْمَوْلَى قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
إِيَّاكَ وَالْجَمَاعَ فِي اللَّيْلَةِ الَّتِي يُهَلُّ فِيهَا الْهَلَالُ - فَإِنَّكَ
إِنْ فَعَلْتَ ثُمَّ رَزِقْتَ وَلَدًا كَانَ مَخْبُوطًا - قُلْتُ وَلِمَ
تَكْرَهُونَ ذَلِكَ قَالَ: أَمَا تَرَى الْمَصْرُوعَ أَكْثَرَهُمْ لَا
يُصْرَعُونَ إِلَّا فِي رَأْسِ الْهَلَالِ. ضَعِيفُ السَّنَدِ اسْت.
- ١١- وَعَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ النَّيْسَابُورِيِّ عَنِ النَّضْرِ بْنِ
سُوَيْدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَالِمٍ
قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِمَ تَكْرَهُونَ
الْجَمَاعَ - عِنْدَ مُسْتَهْلِ الْهَلَالِ وَفِي النِّصْفِ مِنَ الشَّهْرِ -
فَقَالَ: لِأَنَّ الْمَصْرُوعَ أَكْثَرُ مَا يُصْرَعُ فِي هَذَيْنِ الْوَقْتَيْنِ -
قُلْتُ قَدْ عَرَفْتُ مُسْتَهْلَ الْهَلَالِ فَمَا بَالُ النِّصْفِ مِنَ
الشَّهْرِ - قَالَ: إِنَّ الْهَلَالَ يَتَحَوَّلُ مِنْ حَالَةٍ إِلَى حَالَةٍ
يَأْخُذُ فِي النُّقْصَانِ - فَإِنْ فَعَلَ ذَلِكَ ثُمَّ رَزِقَ وَلَدًا كَانَ
مُقَلًّا فَقِيرًا ضَعِيلًا مُمْتَحِنًا. ضَعِيفُ السَّنَدِ اسْت.

- ١٢- الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ شُعْبَةَ فِي تَحْفِ الْعُقُولِ عَنِ النَّبِيِّ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا عَلِيُّ
لَا تُجَامِعْ أَهْلَكَ لَيْلَةَ النِّصْفِ وَلَا لَيْلَةَ الْهَلَالِ - أَمَا
رَأَيْتَ الْمَجْنُونُ يُصْرَعُ فِي لَيْلَةِ الْهَلَالِ - وَلَيْلَةِ النِّصْفِ
كَثِيرًا يَا عَلِيُّ - إِذَا وَلَدَ لَكَ غُلَامٌ أَوْ جَارِيَةٌ فَأَذْنُ فِي
أُذُنِهِ الْيُمْنَى - وَأَقِمَّ فِي الْيُسْرَى فَإِنَّهُ لَا يَضُرُّهُ الشَّيْطَانُ

اوقات و حالات نهی شده است و برای آن آثاری از قبیل دیوانگی فرزندی، سقط جنین و ... ذکر شده که در میان این روایات هم روایت ضعیف السند و هم صحیح وجود دارد و در پاورقی نتیجه بررسی سندی این روایات مطرح شده است.

صرف نظر از ضعف سند اکثر این روایات، آثار وضعی آنها قطعی نیست و در صورت صحت سندی برخی از این روایات، حداکثر در حد علت ناقصه است که می‌توان عواقب آن را با صدقه، توسل، دعا و راهکارهایی که در مباحث گذشته مطرح شد، برطرف نمود.

أَبْدَأُ. ضَعِيفُ السَّنَدِ وَ مَرْفُوعُهُ اسْتَحْرَامُ، مُحَمَّد

بْنِ حَسَنِ، وَسَائِلُ الشَّيْعَةِ، ج ۲۰، ص ۱۲۵

ج. محرمات

مواردی که نزدیکی در آنها حرام است:

- ۱- در حال احرام؛
 - ۲- زمان نفاس؛
 - ۳- در حال اعتکاف؛
 - ۴- دوران قاعدگی؛
 - ۵- در حال روزه واجب؛
 - ۶- زمانی که زن کمتر از نه سال داشته باشد؛
 - ۷- زمانی که طواف و نماز نساء در حج را به جا نیاورده باشد.^۱
- برای توضیح بیشتر این مطالب به رساله عملیه مراجع مراجعه شود.

^۱. ر.ک، موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیلة (ترجمه) ج ۱، ص: ۹۳ و

موسوی خمینی، سید روح الله، مناسک حج، ص ۱۱۷

د. وجوب غسل

در مسائل زناشویی، علاوه بر مطالبی که به عنوان مستحب مطرح شد و از جمله مقدمات جماع محسوب می شود، در صورت نزدیکی، غسل جنابت واجب می شود.

علت جنابت دو چیز است: ۱. خارج شدن منی و آنچه در حکم آن است، مانند رطوبت مشتبهی که قبل از استبراء به بول خارج می شود.

۲. جماع کردن، اگر چه منی خارج نشود؛ بنابراین اگر جماع صورت بگیرد، زن و مرد چه به ارگاسم برسند، چه نرسند، غسل جنابت بر هر دو واجب می شود.^۱

۱. موسوی خمینی، سید روح الله تحریر الوسیلة (ترجمه)، ج ۴۱، ص ۶۳ و

موسوی خمینی، سید روح الله، توضیح المسائل (محشّی)، ج ۱، ص: ۲۰۸

فصل سوم: دوران بارداری

در دستورات دین اسلام و روایاتی که از معصومین علیهم السلام به ما رسیده ، تاکید زیادی بر فرزند آوری شده است؛ همچنین مراقبت ها و رعایت احکام دوران بارداری اهمیت زیادی در سلامت روح و جسم فرزند دارد؛ بنابراین پیش از ورود به بحث، لازم است، ابتدا برخی از پرسش و پاسخ های متداول مربوط به بارداری، مطرح و بررسی شود.

برخی سوالات متداول زوجهای جوان بدین شرح است: ۱. جلوگیری از بارداری چه حکمی دارد؟

۲. آیا راهی برای جلوگیری از بارداری وجود دارد که حرام نباشد؟

۳. با توجه به راههای مختلف جلوگیری از بارداری، آیا می توان ملاک های حرمت را به دست آورد، به

نحوی که اگر راه جدیدی در آینده بیان شود، حکم آن نیز مشخص باشد؟

۴. با توجه به این که بچه دار شدن، حق طبیعی هر انسانی است؛ آیا جلوگیری از بارداری حکمی است که زن به تنهایی می تواند، برای آن تصمیم بگیرد یا این که رضایت و اجازه از شوهر هم لازم است؟

۵. در صورتی که زن در حاملگی، شک داشته باشد، آیا می تواند از دارویی استفاده کند که مانع استقرار نطفه در رحم شود؟ (مثل قرص های ضد بارداری)

۶. کسی که احتمال بارداری می دهد و از قرص ضد بارداری استفاده می کند، اگر بعد از خوردن این قرص ها دچار خونریزی یا لکه بینی شد، چه حکمی دارد؟

در پاسخ به این پرسشها می توان گفت: امروزه راه های گوناگونی برای جلوگیری از بارداری وجود دارد. از بین این راه ها، کاری که موجب عقیم شدن دائمی گردد، از نظر فقها

حرام است؛ به عنوان مثال نوع خاصی از بستن لوله‌ها که موجب عقیمی دائمی می‌شود؛ چنین کاری جایز نیست.

جلوگیری از بارداری، اگر موجب عقیمی دائم نشود، گاهی مستلزم لمس و نظر حرام است؛ مانند گذاشتن دستگاه IUD در این صورت هر چند فی‌نفسه این عمل اشکال ندارد؛ اما به دلیل این‌که مستلزم لمس و نظر حرام است؛ پس جایز نیست؛^۱ اما برخی از راه‌های جلوگیری هستند که مستلزم لمس و نظر حرام نیست، از جمله استفاده از قرص-های ضدبارداری؛ این کار در صورتی جایز است که ضرر قابل توجهی برای فرد نداشته باشد.

با توجه به مطالب فوق معلوم می‌شود ملاک حرمت یکی از این سه امر است:

^۱. لازم به ذکر است اگر جلوگیری از بارداری برای زن ضرورت داشته باشد، به جهت رفع ضرورت، این کار جایز است، هر چند مستلزم لمس و نظر باشد.

۱. عقیمی دائم؛

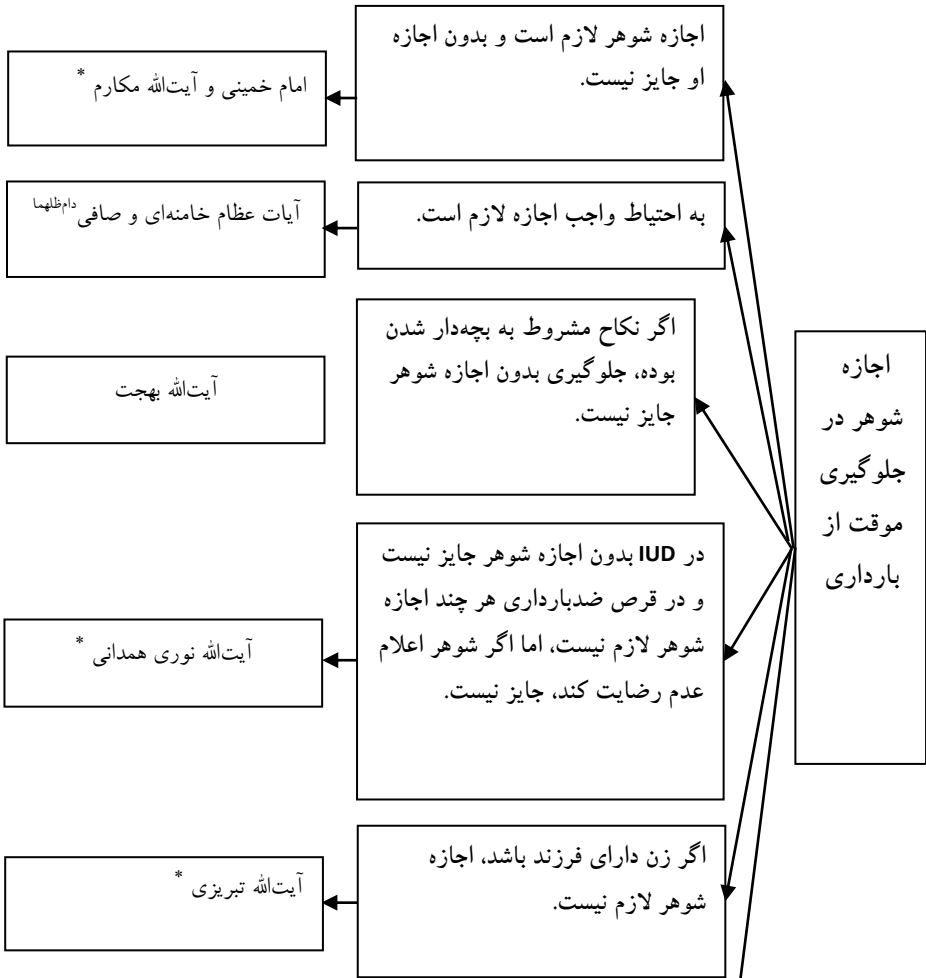
۲. لمس و نظر حرام؛

۳. ضرر قابل توجه.

هر کدام از راه‌های جلوگیری از بارداری که یکی از موارد فوق را داشته باشد، حرام است و تنها راه‌هایی جایز است که در آن عقیمی دائم، لمس و نظر حرام و ضرر قابل توجه نباشد.

در این جا سؤالی مطرح می‌شود: اگر زنی بخواهد به طور موقت جلوگیری از بارداری داشته باشد و این کار ضرر قابل توجهی برای وی ندارد، آیا برای جلوگیری، اجازه شوهر لازم است یا خیر؟ پاسخ فقها به این شرح است:

(آدرس در پیوست شماره ۱)



گفتار اول

بعد از پاسخ به سوالاتی که در مورد جلوگیری از بارداری مطرح شد در این گفتار به برخی از مراقبت های دوران بارداری اشاره می کنیم.

مراقبت های دوران بارداری

از روزهای ابتدایی دوران بارداری حالات زن تغییر پیدا می کند و زندگی جدیدی برای او آغاز می شود. او باید با تمام توان و تحمل مشکلات و سختی های دوران بارداری را تحمل کند و دوران تکامل جنین را پشت سر بگذارد.

یکی از سخت ترین حالات دوران بارداری «حالت ویار» است. ویار در اثر کمبود مواد غذایی و ایثار مادر به فرزند ایجاد می شود. جنین هراندازه که بزرگ تر می شود، از شیر

جان مادر بیش‌تر ارتزاق می‌کند، به گونه‌ای که بر استخوان-های مادر و اعصابش اثر می‌گذارد و در اواخر بارداری، خواب، خوراک و آرامش، استراحت و حتی راه رفتن و نشست و برخاست را برای مادر دشوار می‌سازد؛ اما مادر، با صبر و متانت تمام به عشق نوزادی که به زودی چشم به دنیا می‌گشاید، تمام این سختی‌ها و ناگواری‌ها را تحمل می‌کند.

خداوند در قرآن کریم در مورد این دوره می‌فرماید: «حَمَلَتُهُ أُمُّهُ وَهَنًا عَلَى وَهْنٍ؛ مادرش او را حمل کرد، در حالی که هر روز ضعفی بر ضعف او افزوده می‌شد.» (لقمان/۱۴)

در رساله حقوق امام سجاد علیه السلام نیز در این باره آمده است: «...مادر تو را در شکم خود حمل نمود؛ زمانی که هیچ کس دیگری را حمل نمی‌کند و تو را با شیرۀ جان‌ش تغذیه نمود؛ از چیزی که کسی به دیگری نمی‌دهد. با تمام

حواس و اعضای خویش از تو محافظت نمود؛ در حالی که بدین کار شاد و مسرور بود. چیزی را حمل می‌کرد که در آن برایش جز زحمت و رنج و سنگینی و اندوه نبود ...».

به واسطه این ایثار و تحمل رنج است که رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند:

«إِذَا حَمَلَتِ الْمَرْأَةُ كَانَتْ بِمَنْزِلَةِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ الْمُجَاهِدِ بِنَفْسِهِ وَ مَالِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛^۱ چون زن آبستن گردید، پاداشی همانند شخص روزه‌دار شب‌زنده‌داری که با جان و مال خویش در راه خدا جهاد می‌نماید، نصیب او خواهد شد».

^۱. اصفهانی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۱۰۶

بی شک تغذیه مناسب و آرامش مادر در مدت بارداری، تاثیر به سزایی در تربیت فرزند دارد. افزون بر این که مادر باردار، نیازمند محیطی سرشار از آرامش و محبت از جانب همسر و سایر اطرافیان است. یکی از مسائل مهم تأثیر گذار بر آرامش مادر، یاد خدا و تلاوت قرآن و توسل به ائمه اطهار علیهم السلام است؛ بنابراین لازم است که مادر باردار، برنامه منظمی برای تلاوت روزانه قرآن و دعاها داشته باشد.

گفتار دوم: احکام فقهی دوران بارداری

دوران بارداری به صورت طبیعی ۹ ماه طول می کشد در این مدت، مادر باردار مانند تمام افراد بالغ، مکلف به انجام وظائف شرعی از جمله نماز و روزه و... می باشد. از طرف دیگر با توجه به وضعیت خاص او ممکن است در دوران

بارداری، با مسائل مختلفی از جمله لکه بینی، حاملگی
 پوچ، بارداری خارج از رحم، سقط جنین، عدم توانایی در
 انجام روزه و یا نماز ایستاده و ... مواجه شود که از نظر
 شرعی، احکام متفاوتی دارد و قبل از هر گونه اقدام، ابتدا
 باید در جریان حکم شرعی این مسائل قرار گیرد؛ به همین
 مناسبت، در این گفتار احکام فقهی مورد نیاز در دوران
 بارداری، را مطرح می کنیم.

الف. شک در بارداری

وقتی عادت ماهانه عقب می افتد و احتمال بارداری، تقویت
 می شود، برخی افراد از راه هایی مانند قرص اورژانسی
 استفاده می کنند تا اگر نطفه منعقد شده باشد، از بین برود.

سؤالی که در این زمینه مطرح می‌شود این است که آیا این کار جایز است یا خیر؟ و اگر بعد از انجام این کار، زن دچار خونریزی شد، این خون چه حکمی دارد؟

از جهت فقهی تا وقتی یقین به بارداری نباشد، استفاده از این قرص‌ها مانعی ندارد. (آدرس در پیوست شماره ۲)

خونریزی پس از شک در بارداری

اگر خانمی احتمال حاملگی را بدهد؛ اما این مطلب قطعی نباشد و پس از آن دچار خونریزی شدیدی شود و احتمال بدهد سقط کرده، این خون چه حکمی دارد؟

از آن جا که اصل حاملگی مشکوک است، اگر خون زیاد هم باشد، حکم نفاس را ندارد. با توجه به این که شرایط حیض را دارد یا خیر، معلوم می شود؛ مثلاً اگر قبل از سه روز قطع شد یا در طول سه روز استمرار نداشت، استحاضه است و اگر واجد شرایط و صفات حیض بود، حیض محسوب می شود.

در مورد زنی که حاملگی اش مشکوک است و قرص اورژانسی استفاده می کند و دچار خونریزی می شود نیز



حکم همان است؛ یعنی این خون نفاس نیست. با توجه به شرایط و صفات، حیض یا استحاضه به شمار می‌آید.
(آدرس در پیوست شماره ۳)

ب. جنین ناقص الخلقه

یکی از معضلات زنان باردار، نگرانی آن‌ها از آینده جنینی است که در رحم دارند. گاهی احتمال بیماری یا ناقص الخلقه بودن یا ترس از آینده فرزند به جهت مشکلات اقتصادی، مسائل تربیتی و یا حتی آمدن طفلی بی‌گناه به دنیایی پر از خطر و تهدید، موجب می‌شود زنان باردار تصمیم به سقط جنین بگیرند و حتی به آن اقدام کنند.

۱. آیا سقط جنین حرام است؟ اگر قبل از دمیده شدن

روح باشد، چگونه؟

۲. اگر مادری احتمال قوی دهد و یا حتی یقین داشته

باشد که جنینش ناقص الخلقه است، آیا اجازه دارد اقدام به

سقط کند؛ به این دلیل که فرد ناقص تمام عمر از این نقص

عضو و بیماری رنج خواهد کشید؟

۳. اگر هنوز روح در جنین دمیده نشده باشد و یا حتی در مراحل ابتدایی شکل‌گیری باشد، آیا می‌توان او را از بین برد؟

۴. در صورتی که باقی ماندن جنین، تهدیدی برای سلامتی مادر باشد و باعث آسیبی به سلامت جسم یا روان مادر بشود، آیا می‌توان اقدام به از بین بردن جنین نمود؟

۵. اگر باقی ماندن جنین در رحم مادر، جان مادر را به خطر بیندازد و امر دائر باشد بین این‌که جنین باقی بماند و مادر در هنگام زایمان یا بعد از آن فوت شود و یا این‌که جنین سقط شود و جان مادر حفظ شود؛ آیا حفظ جان مادر اولییتی بر باقی ماندن جنین ندارد؟

۶. در مواردی که ذکر شد، آیا بین ماه‌های اول بارداری و ماه‌های بعد که روح دمیده می‌شود، فرقی هست؟

۷. اگر کسی اقدام به سقط جنین کند، آیا دیه دارد؟ مقدار دیه چقدر است؟

۸. پرداخت دیه به عهده چه کسی است؟ پدر، مادر یا فرد سقط کننده؟

۹. اگر والدین راضی به سقط باشند و به پزشک مراجعه کنند و پزشک اقدام به سقط نماید، دیه به چه کسی واجب است؟

۱۰. اگر در فرض خاصی سقط جنین جایز باشد، آیا باز هم دیه دارد یا این که دیه مختص مواردی است که سقط حرام است؟

۱۱. دیه سقط جنین به چه کسی پرداخت می شود؟

۱۲. اگر والدین خودشان در سقط جنین سهیم باشند و یا به انجام آن راضی باشند، آیا از دیه سهم دارند؟

۱۳. آیا سقط جنین علاوه بر دیه، كفاره هم دارد؟

۱۴. آیا وجوب كفاره، بین جنینی که در ماه های اول

است یا جنینی که روح در او دمیده شده، فرقی هست؟

۱۵. در صورت وجوب كفاره، مقدار آن چه قدر است و به چه کسی باید داده شود؟

۱۶. اگر نعوذ بالله زنی از حرام باردار شده باشد، آیا جایز است ولد الزنا را سقط کند؟

۱۷. اگر ولد الزنا سقط شود، آیا دیه دارد؟

۱۸. مقدار دیه ولد الزنا با دیه جنین حلال زاده تفاوت دارد یا خیر؟

۱۹. دیه سقط ولد الزنا به چه کسی داده می‌شود؟

۲۰. اگر جنین سقط شد، خون بعد از سقط جنین، نفاس محسوب می‌شود یا خیر؟

۲۱. آیا بر زنی که جنینش سقط می‌شود، غسل مسّ میت نیز لازم است؟

۲۲. آیا جنین سقط شده را می‌توان رها کرد یا باید غسل داد و کفن نمود؟

۲۳. آیا در لزوم غسل و دفن جنین سقط شده، فرقی بین سقط در ماه‌های اول بارداری و پس از آن وجود دارد؟ پاسخ این سوالات در ادامه مباحث خواهد آمد.

۱. عوامل سقط جنین

یک از عواملی که امروزه منجر به تصمیم و اقدام به سقط فرزند می‌شود، مشکلات اقتصادی و فشارهای ناشی از آن است. خانواده‌ای را تصور کنید که منزل شخصی نداشته و هر سال با اجاره نشینی از خانه‌ای به خانه دیگر نقل مکان می‌کنند، درآمد پدر خانواده ناچیز است و به سختی از پس مخارج همین افراد برمی‌آید، این خانواده به عنوان مثال دو فرزند دارند و مادر باردار شده، یکی از دغدغه‌های مهم پدر و مادر این خواهد بود که چگونه از پس مخارج آزمایش‌ها و مراجعات بارداری برآیند، هزینه‌های زایمان و پس از آن هزینه نگهداری و بزرگ کردن این فرزند را از کجا بیاورند؟

بعد از این تعداد جمعیت خانواده بیشتر شده و به سختی می-
توانند خانه اجاره کنند و مشکلاتی از این قبیل. اگر این زن
و شوهر از اعتقادات دینی قوی برخوردار نباشند، یکی از
راه‌هایی که ممکن است به آن اقدام کنند، سقط جنین است.
غافل از این‌که این عمل چه عواقب سوئی برای این زن و
شوهر، کل خانواده و حتی اجتماع خواهد داشت!

به راستی اگر به مادری بگویند، فرزندت را بکش! آیا حاضر
است تن به چنین کاری بدهد؟ مهر و عطوفت مادری آن‌قدر
قوی است که هر مادری سختی‌ها و بلاها را به جان می‌خرد
تا فرزندش در کمال آرامش و آسایش زندگی کند. چه
شب‌ها که تا سحر بر بالین کودکش بیدار نشسته و از او
پرستاری کرده است. مادر مهربان ایرانی که معتقد و مقید به
دستورات اسلام است، حاضر است خار به چشم خودش

برود؛ اما به پای کودکش نه، چه شده است که این جنین از مهر و عطوفت مادری محروم شده و حتی مادرش قاتل او می‌شود؟ اگر ایمان و اعتقاد ما به خداوند متعال تقویت شود و اگر باور داشته باشیم که روزی همه مخلوقات با رب العالمین است، هیچ گاه فردی از ترس فقر و نداری، اقدام به سقط نمی‌کند. این نگرانی و ترس از فقر وعده شیطان است.

۱

خداوند به صراحت می‌فرماید:

«وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَ
إِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْأً كَبِيرًا؛ از بیم تنگدستی
فرزندان خود را نکشید، مائیم که به آنها و شما

۱. «الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ

وَاسِعٌ عَلِيمٌ» بقره/۲۶۸

روزی می دهیم کشتن آنها همواره خطایی
بزرگ است. « (اسراء/۳۱)

متأسفانه کم نیستند والدینی که به دلیل مسائل اقتصادی یا
علل دیگر به داشتن یک یا دو بچه اکتفا می‌کنند و مانع
فرزندآوری بیشتر می‌شوند. صرف‌نظر از آسیب‌های متعدد
تک‌فرزندی (که در پیوست می‌آید) این والدین فراموش
کرده‌اند که فرزند، عطیه الهی است و مایه برکت و ازدیاد
نعمت است. در آینده این فرزندان صالح و متعهد هستند که
عصای پیری والدین بوده و گوشه‌ای از زحمات آنها را
جبران می‌کنند و بعد از فوت والدین، باقیات الصالحات آنها
خواهند بود.

اگر زوجین اعتماد و توکل خود را به خداوند متعال بالا
ببرند، خواهند دانست، پروردگار جهانیان که هیچ جنبنده‌ای

را بی‌رزق و روزی رها نمی‌کند، بی‌شک روزی این فرزند را هم مقدر کرده و می‌رساند و چه بسا با آمدن وی باب خیر و برکات بر خانواده باز شده و فشار سختی‌ها کاهش یابد.

آمارها نشان می‌دهد اکثریت قریب به اتفاق مادرانی که اقدام به سقط جنین خود کرده‌اند، خیلی زود از این کار پشیمان می‌شوند؛ اما پشیمانی و ندامت چیزی را جبران نمی‌کند. این مادران گاهی تنها به فاصله چند روز، متأثر از کار ناپسند خود، اشک حسرت می‌ریزند و غم و اندوه این کار تا سالیان سال و چه بسا تا آخر عمر همراه آن‌ها خواهد بود. اثر وضعی سقط و تبعات منفی آن دامن خانواده را می‌گیرد و مشکلات ناشی از آن همراه خانواده باقی می‌ماند و آن‌چه سخت‌تر است پاسخگویی به کودک بی‌گناهی است که در روز قیامت در پیشگاه عدل الهی سؤال خواهد کرد که گناه

من چه بود که این چنین مورد بی مهری قرار گرفتم و به دست کسی که قرار بود آغوش گرمش مأوا و سرپناه من باشد، کشته شدم؟ آن جاست که خطاب الهی تکرار می‌شود که «بأیِّ ذَنْبٍ قُتِلْتُ؟ به کدامین گناه کشته شدند؟» (تکویر/۹)

انگیزه‌هایی که منجر به تصمیم سقط و اقدام به کشتن عزیزترین فرد می‌شود، متفاوت است: گاهی دختر و پسری که به عقد یکدیگر در می‌آیند، در دوران عقد با یکدیگر رابطه زناشویی دارند و خانم باردار می‌شود. این دو همسر با خود فکر می‌کنند که بارداری قبل از عروسی رسمی، مایه بی‌آبرویی آنهاست و تصمیم به سقط می‌گیرند، غافل از آن- که با عقد، این پسر و دختر، همسر شرعی و قانونی یکدیگر هستند و هر استمتاع و ارتباطی بین آنها حلال و جایز است. خداوند متعال این زوج خوشبخت را لایق دانسته که

خیلی زود به آن‌ها هدیه‌ای آسمانی عطا کرده تا اولین غنچه زندگیشان را به تماشا بنشینند و از وجودش لذت ببرند. پدر و مادر باغبانانی هستند که دست مهربان الهی در باغ زندگی آن‌ها گل‌هایی را می‌آفریند و به این همراهی و همسفری برکت و زیبایی بیشتری می‌دهد. چه می‌شود که باغبان، اولین گل باغش را نشکفته پریز می‌کند؟

گاهی این گناه کبیره و قتل نفس، غضب خداوند را برای آن‌ها به دنبال می‌آورد و بعدها سالیان سال در حسرت هدیه‌ای دیگر از جانب خدای رحمان باقی می‌مانند؛ اما از قدیم گفته‌اند خود کرده را تدبیر نیست!

حتی اگر بعد از این باز هم صاحب فرزند شوند و بتوانند نقش پدر و مادری را برای فرزندانشان ایفا کنند، گناه قبل جبران نمی‌شود و هرگز اولین فرزند که از نعمت زندگی و حیات کنار پدر و مادر محروم شد، دوباره برنمی‌گردد.

بر همه تازه عروس و دامادها لازم است در چنین موقعیتی با والدین خود مشورت کنند و عجلولانه تصمیمی نگیرند که دیگر قابل جبران نباشد. بر پدر و مادرها هم لازم است که اقدام‌های حمایتی از فرزندان خود داشته باشند و آن‌ها را یاری کنند تا هرچه زودتر زندگی مشترک خود را به طور رسمی شروع کنند، فارغ از هر آداب و رسوم و هزینه‌های نابه جایی که شرع آن‌ها را تأیید نمی‌کند.

بارداری‌هایی که در ازدواج‌های موقت پیش می‌آید نیز یکی دیگر از مواردی است که معمولاً اقدام به سقط را به همراه دارد. ازدواج موقت در صورتی که با شرایط خود انجام شود، (برای مثال اگر زوجه دوشیزه است، با اذن پدر باشد) ازدواجی صحیح است و استمتاع و رابطه زناشویی حلال است. باید توجه شود، آنچه حلال است، هرگز موجب بی-آبرویی نمی‌شود؛ مگر این‌که فرد از آن حلال الهی سوء

استفاده کرده باشد. درست است که در عقد موقت، زن برخی از حقوق عقد دائم همچون نفقه و ارث را ندارد و زندگی مشترک بین زوجین ادامه نمی‌یابد؛ اما حقوق فرزند اعم از حق نفقه، حضانت، تربیت و ... همگی ثابت است و واضح است که زن و شوهر حق ندارند به دلیل موقت بودن عقد و این‌که در آینده از هم جدا می‌شوند، اقدام به سقط کنند. همچنان که در عقد دائمی، اگر زن و شوهر با یکدیگر اختلاف داشته و در آستانه طلاق باشند به بهانه این‌که فرزند جدید، فرزند طلاق خواهد شد و مشکلات زیادی بر سر راه اوست، نباید اقدام به سقط کنند. تبعاتی که پیش از این در مورد سقط جنین بیان شد (حرمت قتل نفس، آثار وضعی مترتب بر آن که هم به فرد، هم به خانواده و هم به کل اجتماع بر می‌گردد و ...) در تمام این موارد خواهد بود.

همواره باید این نکته را به خاطر داشت که «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» و هیچ جنبنده در زمین نیست؛ جز آن که روزیش بر خداست و خدا قرارگاه (منزل دائمی) و آرامشگاه (جای موقت) او را می داند، و همه احوال خلق در دفتر علم ازلی خدا ثبت است.» (هود/ ۶)

خداوند متعال که تمام کارهایش از روی حکمت است بهتر می داند این زن و شوهر آمادگی لازم جهت انجام وظایف مادری و پدری را دارند و بر آنها لازم است این عطیه الهی را به نحو احسن به ثمر برسانند. ترس از مشکلات احتمالی که در آینده برای این بچه پیش خواهد آمد، امری طبیعی است؛ اما اعتماد و توکل انسان مؤمن به خداوند متعال آن- قدر قوی است که بتواند آنچه را خدا صلاح دانسته با

آغوش باز پذیرا باشد و تلاش کند تا به نحوی عمل کند که ذات اقدس الهی از او راضی باشد.

گاهی والدین به دلیل مناسب نبودن محیط اجتماع و سختی تربیت فرزند شایسته، نگران از آینده فرزندان، سلامت روانی و جسمی خود را به خطر می اندازند و مشکلاتی را برای خود و فرزندانسان به دنبال می آورند. به همه پدر و مادرانی که دغدغه تربیت و اصلاح امور فرزندان را دارند؛ اما ترس از این دغدغه‌ها مانع ازدیاد نسل و فرزندآوری شده، باید گفت: تلاش و دعا از شما، صلاح و رستگاریشان با خدا.

اعتماد و توکل والدین به خداوند متعال، دعای آن‌ها در حق فرزند و طلب سعادت او از خدای مهربان و تلاش ارزشمندی که والدین انجام می‌دهند تا فرزندان صالح و شایسته‌ای را به ثمر برسانند، سه عنصری است که جمع آن‌ها در کنار هم آینده‌ای روشن را هم برای والدین و هم فرزندان به ارمغان خواهد آورد و خداوند متعال هرگز توکل

و دعا و تلاش بندگان مؤمن و متعهد خود را بی جواب نخواهد گذاشت.

عوامل متعددی موجب شده، کشور ما با تهدید جدی کاهش جمعیت و یا رشد منفی آن مواجه باشد. شواهد متقن و متعددی وجود دارد که اثبات می‌کند که کشورهای استعمارگر و قدرت‌های برتر جهان برای عملی کردن مقاصد خود، طرح کاهش جمعیت را در کل دنیا و به ویژه در کشورهای که با اهداف آن‌ها همگام نیستند، پیاده کرده و دنبال می‌کنند. (برای نمونه به پیوست جنگ جمعیتی مراجعه فرمایید).

گذشته از این عامل مهم، امواج و تشعشعات الکترو مغناطیسی، فشارهای روانی، آلاینده‌های زیست محیطی و به طور کلی تغییر سبک زندگی از عوامل مهم روند کاهش جمعیت است. بررسی این عوامل و تأثیر آن‌ها نیز خارج از توان این نوشتار است و به مختصری که در پیوست

تأثیر عوامل محیطی و سبک زندگی در ناباروری خواهد آمد، اکتفا می‌شود. هرچند دو عامل فوق، آسیب بسیار جدی برای افزایش جمعیت است و نباید از آن‌ها صرف نظر کرد؛ اما از آن‌جا که این دو عامل تا حدودی خارج از برنامه و عملکرد افراد عادی اجتماع است و نیاز به سیاست‌گذاری‌های کلان مسئولین دارد تا تبعات ناشی از آن به حداقل برسد، مناسب است به عامل اساسی که بیشتر جنبه فردی داشته و وظیفه خطیر تک تک افراد جامعه را بیش از پیش نشان می‌دهد، توجه بیشتری کرد تا با اجرای قوانین اسلامی، جامعه‌ای رو به رشد و توانمند داشته باشیم.

آنچه در این‌جا به عنوان عامل مهم در روند کاهش جمعیت مطرح است، کم شدن باورهای دینی افراد جامعه و توجه به عوامل سطحی و ناپایدار مادی و جایگزین شدن برخی ناهنجارها و ضد ارزش‌ها به جای و ارزش‌های گذشته است.

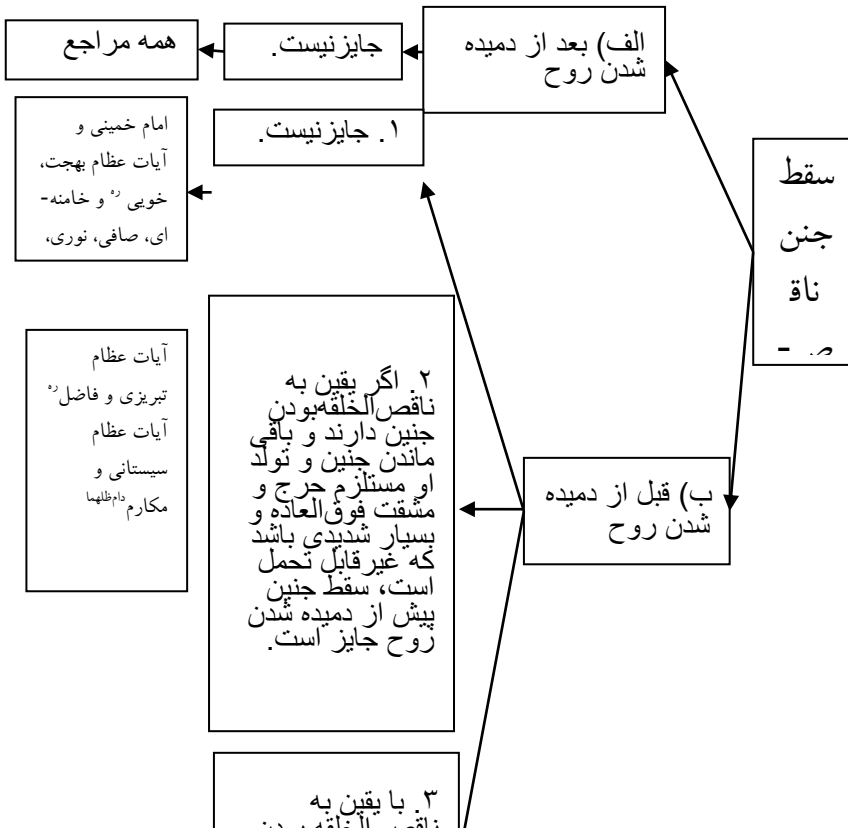
اگر در جامعه، ارزش‌های واقعی حاکم باشند و افراد از باور و اعتقادات قوی دینی برخوردار باشند، دیگر هرگز ترس از فقر مالی، داشتن فرزند، مستأجر بودن و نداشتن خانه شخصی، نداشتن شغل مناسب پدر خانواده، تحصیل و یا اشتغال مادر و سایر عواملی که امروزه انگیزه سقط، برای بسیاری از زنان باردار شده است، نمی‌تواند دلیل سقط فرزند شوند. پدر و مادر مؤمن و متعهد به خوبی می‌دانند که هرچقدر هم مشکلات اقتصادی، اجتماعی و یا خانوادگی داشته باشند، جنینی که خداوند به آن‌ها عطا کرده، عطیه الهی است که حق حیات و زندگی دارد، نباید به خاطر مشکلاتی که والدین با آن دست به گریبانند، این موجود دوست داشتنی و معصوم را قربانی کرد. اگر والدین به سبب اطاعت از امر الهی، در کنار تحمل همه سختی‌ها و مشکلات و با اراده قوی و پشتکاری آهنین و دلی لبریز از توکل و اطمینان به پروردگار، برای به دنیا آمدن فرزندان سالم و صالح تلاش کنند، به یقین خدای مهربان دست آن‌ها را می‌-

گیرد و با اعطای هدیه‌های آسمانی به آن‌ها برکت و نعمت را بر خانواده تمام کرده و والدین و فرزندان را به آینده‌ای روشن رهنمون می‌سازد.

۲. حکم سقط جنین ناقص‌الخلقه

گاهی بعد از معاینه‌ها و آزمایش‌هایی هم‌چون تست غربال-گری، پزشکان به این نتیجه می‌رسند که جنین ناقص‌الخلقه است و بعد از تولد مشکلاتی همچون عقب‌ماندگی ذهنی، نقص عضو و یا مشکلات مشابه را خواهد داشت. امروزه به لحاظ قانونی در برخی از این موارد مجوز سقط به مادر داده می‌شود و زن باردار می‌تواند با مراجعه به پزشک، اقدام به سقط جنین کند؛ اما از لحاظ فقهی به تصریح همه فقها اگر روح دمیده شده، سقط جایز نیست و اگر قبل از دمیده شدن روح باشد، باز هم برخی فقها حکم به عدم جواز سقط جنین می‌دهند. (آدرس در پیوست شماره ۲۶)







باید توجه داشت، اگر ناقص‌الخلقه بودن جنین در حد احتمال مطرح است و یا نظر پزشکان متخصص در این موضوع یکسان نیست و برای زن باردار اطمینان به ناقص‌الخلقه بودن جنینش حاصل نشده، سقط جنین جایز نیست. هم‌چنین موارد متعددی بوده که پزشکان نظر به نقص جنین داده‌اند؛ اما مادر اقدام به سقط نکرده و نوزادی سالم به دنیا آورده است.

گاهی پزشکان پس از آزمایش و بررسی‌های متعدد به این نتیجه می‌رسند که قلب یا مغز جنین تشکیل نشده است و به نظرشان این جنین زنده نمی‌ماند؛ در چنین مواردی معمولاً به مادر توصیه می‌شود که به سقط جنین اقدام کند. باید توجه داشت از نظر شرعی، سقط جایز نیست؛ حتی اگر مادر بداند این جنین زنده نمی‌ماند، نباید اقدام به سقط کند. حکم چنین جنینی، با حکم جنین ناقص‌الخلقه تفاوت دارد. در جنین ناقص‌الخلقه در شرایط خاصی قبل از دمیده شدن

روح، برخی فقها سقط را جایز می‌دانند؛ اما چنین جنینی به جهت این‌که زنده نمی‌ماند، تبعات جنین ناقص‌الخلقه را ندارد و سقط او جایز نیست.

البته هر چند از نظر پزشکی زمان تشکیل قلب جنین مشخص است؛ اما مواردی بوده که قلب بعد از آن زمان تشکیل شده است و چه بسا در آینده قلب جنین تشکیل شود.

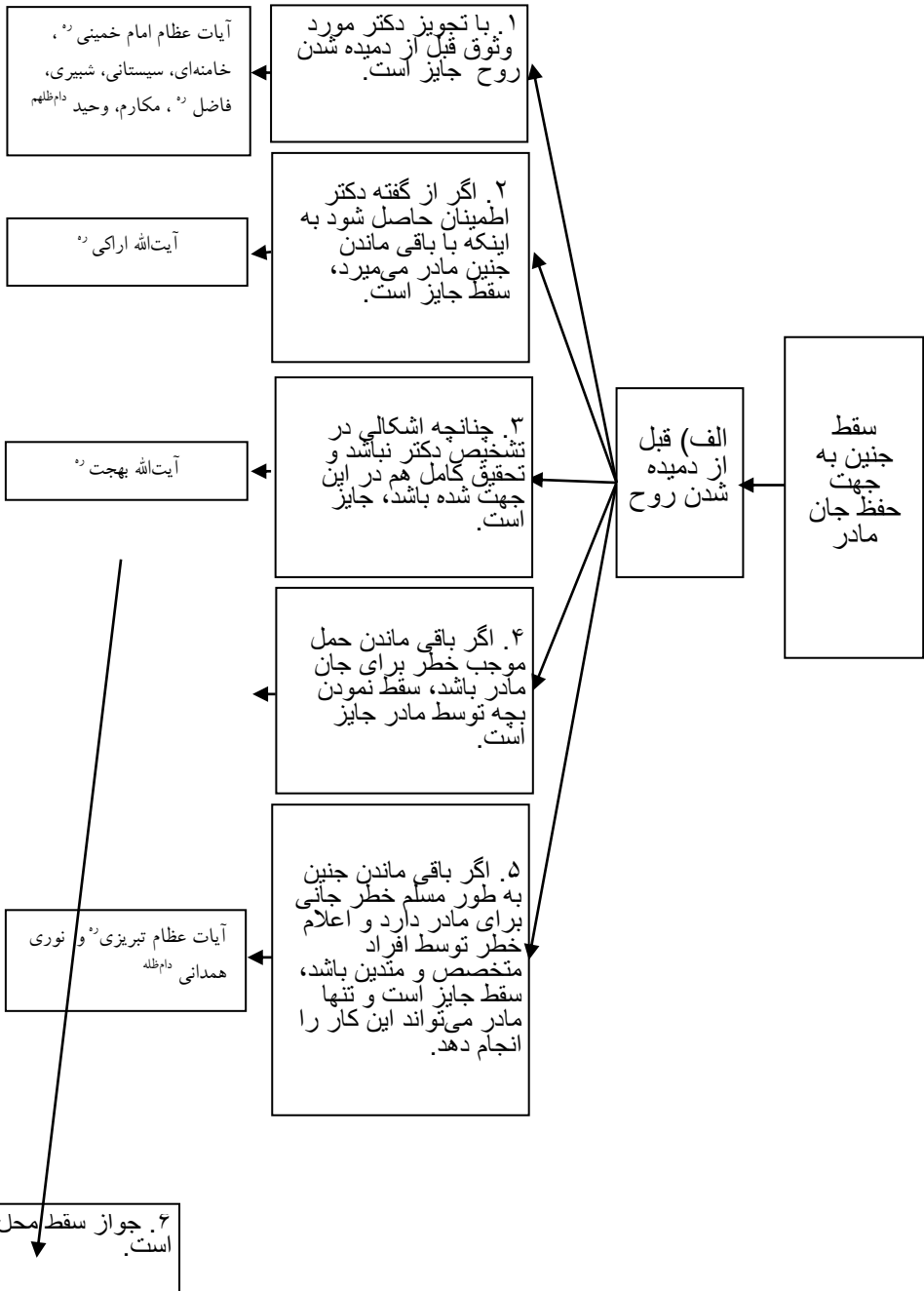
۱. سقط جنین به جهت حفظ حیات یا سلامت مادر

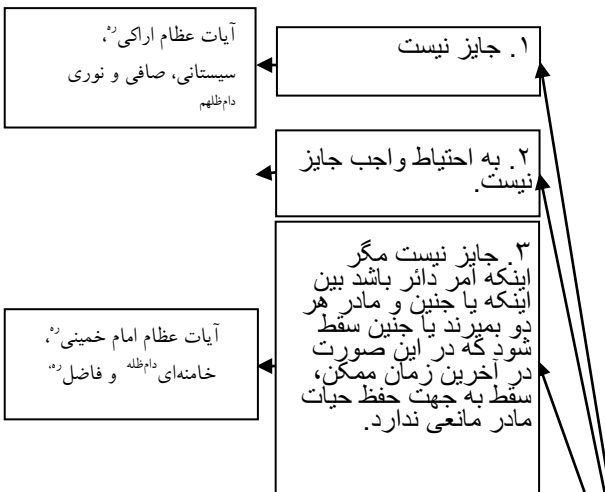
گاهی باقی ماندن جنین در رحم مادر، موجب تهدید حیات مادر است. پزشکان بعد از معاینه و آزمایش‌های متعدد به این نتیجه می‌رسند که ادامه بارداری موجب مرگ مادر می‌شود و به تعبیر واضح‌تر حفظ حیات مادر وابسته به سقط جنین است. در چنین صورتی آیا اقدام به سقط جنین جایز است یا خیر؟

باید توجه داشت، محل بحث در جایی است که پزشکان
 مجرب و مورد اطمینان چنین نظری داده‌اند که باقی ماندن
 جنین در رحم او منجر به مرگ مادر می‌شود. این موضوع،
 گاهی قبل از دمیده شدن روح در جنین معلوم می‌شود و
 گاهی بعد از دمیده شدن روح معمولاً در
 حدود چهار ماهگی جنین می‌میرد. (آدرس در



پیوست شماره ۲۷)





آیت الله وحید خراسانی دام‌ظله

آیات عظام خوئی، مکارم دام‌ظله

آیت الله بهجت ره

آیت الله تبریزی ره

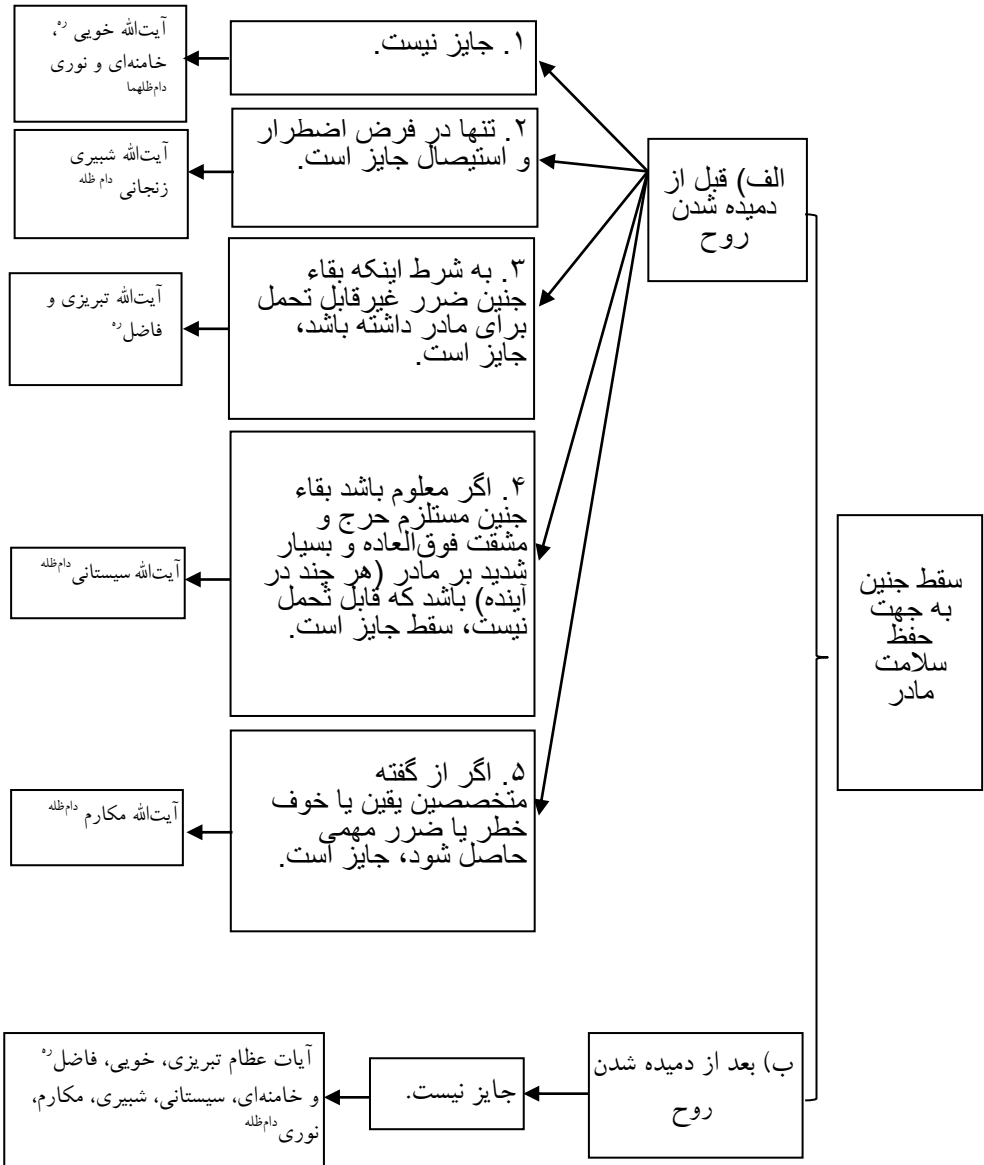
۶. اگر باقی ماندن جنین در رحم مادر منجر به هلاکت مادر می‌شود تنها بر مادر جایز است که با استعمال دارو یا امثال آن جنین را سقط کند.

۷. اگر باقی ماندن جنین

آیت الله خراسانی دام‌ظله

طبق نظر آیات عظام، خویی و تبریزی -رحمه هما الله- در صورتی که سقط جایز باشد، تنها شخص مادر است که اجازه دارد، اقدام به این عمل نماید؛ برای مثال با خوردن دارویی سبب شود، جنین بمیرد و بعد دکتر با کورتاژ و ... جنین را خارج نماید.

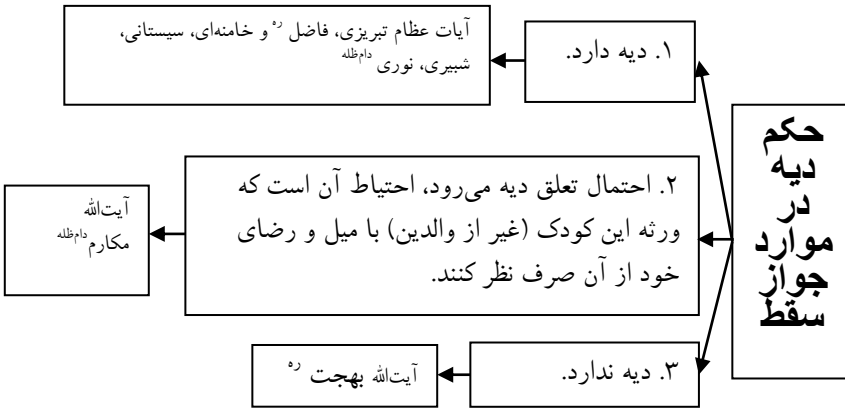
گاهی باقی ماندن جنین موجب مرگ مادر نمی‌شود؛ اما برای سلامتی مادر خطر دارد. برای مثال ممکن است باعث نقص عضو، از دست دادن بینایی، تشدید بیماری و ... گردد. در این صورت هم برخی مراجع بین دمیده شدن روح و قبل از آن تفاوت گذاشته‌اند. (آدرس در پیوست شماره ۲۸)



۲. ديه سقط جنين

در مواردی که سقط جنین جایز نیست، اگر سقط انجام شود، شخص مرتکب گناه کبیره شده و معصیت کار است؛ علاوه بر این، ديه هم بر او واجب می شود (مقدار ديه در مباحث بعدی خواهد آمد)؛ اما در مواردی که سقط جایز است، اگر مادر اقدام به سقط جنین کند آیا ديه دارد یا خير؟ (آدرس

در پیوست شماره ۲۹)



۳. مقدار دیه در سقط جنین

در مباحث قبلی گذشت که سقط جنین علاوه بر عدم جواز، به نظر بسیاری از فقها وجوب دیه را هم به دنبال دارد. مقدار دیه سقط جنین با توجه به این‌که جنین در چه مرحله‌ای از مراحل رشد باشد، متفاوت است.

برای اطلاع مادران عزیز از سیر طبیعی بارداری و مراحل تشکیل جنین و تغییرات آن در ماه‌های مختلف بارداری، خلاصه‌ای از آن مراحل بیان خواهد شد.

فراگیری و دانستن این مطالب ارزشمند، ضمن آن که معلومات بانوان عزیز را افزایش می‌دهد، هشدار است برای آنان که دانسته یا نادانسته اقدام به سقط جنین نموده و مرتکب گناه قطع نسل می‌گردند.

خداوند متعال در آیات ۱۲ تا ۱۴ سوره مبارکه مؤمنون می-فرماید:

«وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ * ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ * ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا

فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ
 فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ؛ به یقین انسان را از
 عصاره‌ای از گل آفریدیم؛ سپس او را نطفه‌ای
 در جایگاهی استوار قرار دادیم. آن‌گاه نطفه را
 به صورت علقه درآوردیم؛ سپس آن را مضغه
 گردانیدیم و آن‌گاه مضغه را استخوان‌هایی
 ساختیم. بعد استخوان‌ها را با گوشتی پوشاندیم؛
 آن‌گاه جنین را در آفرینشی دیگر پدید آوردیم.
 آفرین باد بر خدایی که بهترین آفرینندگان
 است.»

همان طور که قرآن می‌فرماید، جنین انسان مراحل زیادی را
 طی کرده و در هر یک از این مراحل، حق حیات دارد و
 پس از دمیده شدن روح، جان دارد و صاحب زندگی است.



چگونه است که مادری، به بهانه‌های مختلف از جمله ترس، فقر و صدها اندیشه خام شیطانی و حساب‌نشده اقدام به سقط یک موجود جان‌دارِ مظلوم و بی‌زبان می‌کنند که نه قدرت دفاع از خود دارد و نه می‌تواند فریاد بزند که مادر جان! پدر جان! - من زندگی‌ام را دوست دارم - من حق حیات دارم.

به نقل از امام صادق علیه السلام، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

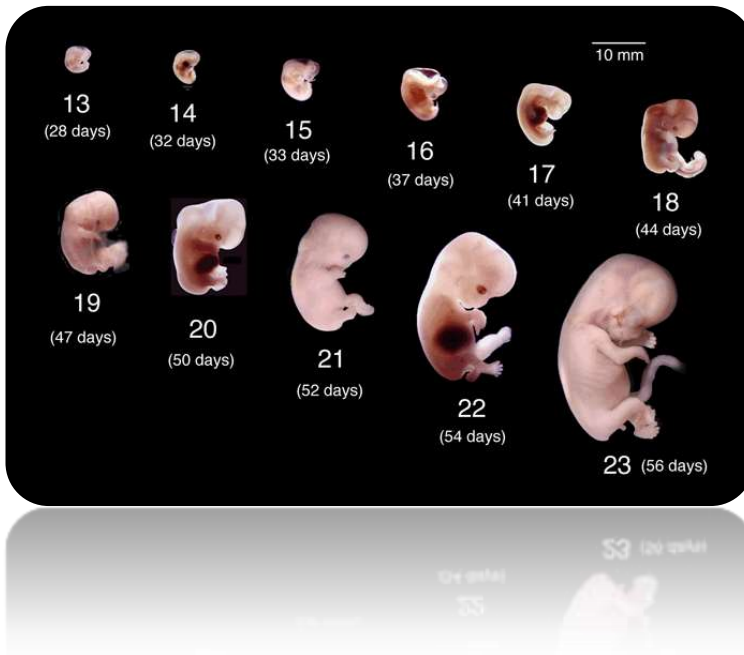
ضمن تأکید بر ازدواج و فرزنددار شدن، فرمودند: مگر نمی‌دانید در قیامت به آمار و تعداد شما، حتی کودکان سقط شده

بر دیگر امت‌ها می‌بالم؛ البته ناگفته پیداست اگر کودکی به طور غیرعمدی سقط شود، گناهی بر مادرش نیست؛ و پیامبر در این باره فرمودند: کودک سقط شده در ورودی بهشت می‌ایستد و تلاش پی‌گیر دارد تا پدر و مادرش را به بهشت آورد. خدا نیز به خاطر فضل و رحمت بر وی، به فرشته فرمان می‌دهد که پدر و مادرش را به بهشت ببرد. فرزندان، امانت الهی و نعمت و نشانه‌های خدا هستند و پدر و مادر نسبت به سلامتی و رشد و تربیت آنان مسؤول‌اند؛ هرچند این فرزندان، جنینی در رحم مادر باشد.



مراحل مختلف رشد جنین از نظر قرآن عبارتند از: نطفه که شروع شکل گیری جنین در رحم است؛ پس از آن علقه؛ یعنی خون بسته شده و سپس مضغه؛ مضغه به معنای گوشتی شبیه گوشت جویده شده است که در قرآن برای آن دو وصف «مخلقه» و «غیرمخلقه» را آورده؛ به معنی دارای خلقت کامل و یا خلقت ناقص؛ یعنی در برخی اقسام مضغه،

کیفیت و خصوصیت کامل هست و در برخی دیگر نیست. مرحله بعد، مرحله عظام به معنای استخوان است. در این مرحله غضروف سازی و استخوان سازی پیش می‌رود تا جایی که استخوان‌ها کامل می‌شود. همزمان با استخوان سازی، عضلات نیز شکل می‌گیرد و به تعبیر قرآن «فکسونا العظام لحما» استخوان با گوشت پوشیده می‌شود؛ پس از این مرحله، زمان دمیده شدن روح است که قرآن از آن به «خلقتی دیگر» تعبیر می‌کند، وقتی روح دمیده شد، جنین با انسان کامل فرقی ندارد و سقط کردن او قتل نفس محترمه محسوب می‌شود.



با توجه به مراحل مختلف رشد جنین، مقدار دیه سقط متفاوت می‌شود. از نظر بیش‌تر مراجع، مقدار دیه با توجه به مراحل مختلف رشد جنین به این شرح است:

۱- نطفه: ۲۰ مثقال شرعی طلای سکه‌دار؛

۲- علقه: ۴۰ مثقال شرعی طلای سکه‌دار؛

۳- مضغه: ۶۰ مثقال شرعی طلای سکه‌دار؛

۴- اگر دارای استخوان شده؛ ولی هنوز گوشت او را نپوشانده: ۸۰ مثقال شرعی؛

۵- اگر گوشت استخوان را پوشانده؛ اما هنوز روح دمیده نشده: ۱۰۰ مثقال شرعی؛

۶- اگر روح در او دمیده شده دیه سقط او به اندازه دیه یک انسان کامل است؛ یعنی اگر پسر است: ۱۰۰۰ مثقال و اگر دختر است: ۵۰۰ مثقال شرعی دیه دارد.

آیات عظام تبریزی و فاضل می‌فرمایند: در همه صورت‌ها عوض یک مثقال طلا، ده درهم نقره کافی است. نظر آیت‌الله

مکارم شیرازی در مورد مقدار دیه هم همین نظر است با این تفاوت که ایشان مقدارهای مذکور را به احتیاط واجب بیان کرده‌اند.

آیات عظام خویی و وحید مدت زمان نطفه را تا ۴۰ روز، علقه را تا ۸۰ روز و مضغه را تا ۱۲۰ روز می‌دانند و قائل‌اند دیه در بین این مراتب به همین حساب تقسیم می‌شود؛ هر دو روز یک دینار. (آدرس در پیوست شماره ۳۰)

آیت‌الله سیستانی مقدار دیه را به این شرح بیان می‌کنند:

نطفه: ۱۰۵ مثقال نقره؛

علقه (خون بسته شده): ۲۱۰ مثقال نقره؛

مضغه (گوشت پیچیده شده): ۳۱۵ مثقال نقره؛

استخوان داشته باشد: ۴۲۰ مثقال نقره؛

اعضا و جوارحش کامل باشند؛ اما روح دمیده نشده: ۵۲۵
مثقال نقره؛

اگر روح دمیده شده و پسر است: ۵۲۵۰ مثقال نقره؛

اگر روح دمیده شده و دختر است: ۲۶۲۵ مثقال نقره است.

(آدرس در پیوست شماره ۳۰)

لازم به ذکر است برخی مراجع (آیات عظام؛ امام، رهبری،
خویی، وحید) تعبیر دینار کرده‌اند. برخی دیگر از مراجع
(آیات عظام؛ اراکی، بهجت، تبریزی، صافی، فاضل،
گلپایگانی و نوری) تعبیر به مثقال شرعی کرده‌اند و از آن‌جا
که هر یک دینار برابر با یک مثقال شرعی؛ یعنی ۱۸ نخود
طلا است، قول این مراجع در حقیقت یکی است.

مثقال شرعی، کم‌تر از مثقال معمولی است. هر ۲۰ مثقال شرعی برابر با ۱۵ مثقال معمولی می‌باشد. به همین جهت تعبیر آیت‌الله مکارم شیرازی که دیه را ۱۵ مثقال معمولی بیان کرده، مراجع که ۲۰ مثقال شرعی گفته‌اند،

تفاه
وست (شماره ۳۰)



۵. پرداخت کننده دیه

در حکم وجوب دیه به سبب سقط، فرقی ندارد شخص با علم و اختیار و به تعبیری عمداً اقدام به سقط کند یا این‌که

کاری کند که منجر به سقط شود. به عنوان مثال اگر شخصی با زن باردار تصادف کند و در اثر این تصادف زن و جنین او از دنیا بروند، بر آن فرد هم پرداخت دیه مادر واجب می-شود و هم دیه جنین.

حال سؤال این است که پرداخت دیه بر چه کسی واجب است؟ به عنوان مثال اگر مردی همسرش را وادار به سقط جنین کند و زن از روی ناچاری به شخصی مراجعه کرده و آن فرد با تزریق آمپول جنین را سقط کند، دیه بر چه کسی واجب است؟ واضح است که در مثال فوق، مردی که سبب سقط شده، گناهکار است و آثار و عواقب شوم سقط جنین دامن او را می‌گیرد؛ اما از آن‌جا که پرداخت دیه به عهده مباشر سقط است (یعنی فردی که سقط جنین به دست او

واقع شده) در مثال مذکور، فردی که آمپول را به زن باردار تزریق کرده، مباشر سقط بوده و دیه بر او واجب است.



آیات عظام؛ فاضل و مکارم، تذکر می دهند: اگر فرد مباشر نداند که این آمپول یا دارو سبب سقط جنین است، در این صورت دیه به عهده دستوردهنده است و آیت الله مکارم ادامه می دهند: اگر درخواست سقط از مادر و تزریق از پدر باشد، دیه بر عهده هر دو است؛ هر کدام به مقداری که در این کار

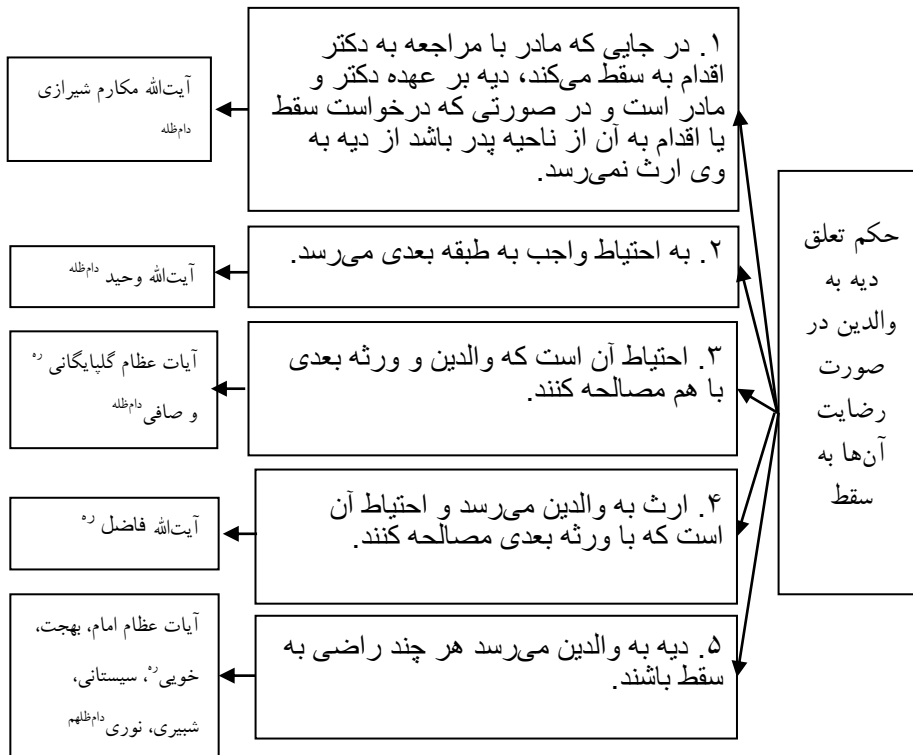
سهیم بوده اند. (آدرس در پیوست شماره ۳۱)

۴. گیرنده دیه

دیه سقط جنین به ورثه جنین می‌رسد و از آن‌جا که والدین در طبقه اول ورثه هستند، تا وقتی پدر یا مادر باشند، دیه به شخص دیگر نمی‌رسد. البته باید توجه داشت اگر وارث، مباشر سقط است، از دیه ارث نمی‌برد. بنابراین اگر زن باردار خودش اقدام به سقط کند، مثلاً قرص یا دارویی بخورد که منجر به سقط شود، واجب است دیه پردازد و از آن‌جا که خودش مباشر سقط است، دیه به او نمی‌رسد و به پدر بچه می‌رسد.

حال سؤالی مطرح می‌شود و آن این‌که اگر وارث مباشر سقط نباشد، اما به سقط جنین راضی باشد، در این صورت آیا از دیه ارث می‌برد یا خیر؟ مثلاً اگر پدر و مادر راضی به

سقط هستند و با مراجعه به پزشک این کار را انجام می-
دهند، با توجه به این که دیه به عهده مباشر است، دکتر باید
دیه دهد، آیا پدر و مادر که راضی به سقط بودند و اقدام
آنها موجب شد تا دکتر جنین را سقط کند، از دیه ارث می-
برند؟ (آدرس در پیوست شماره ۳۲)



گاهی فرد مباشر سقط، توان مالی پرداخت دیه را ندارد یا این‌که نمی‌خواهد دیه بپردازد؛ مثل جایی که خود والدین به پزشک مراجعه کردند و از او خواسته‌اند جنین را سقط کند، آیا در چنین مواردی راهی برای مباشر وجود دارد که از پرداخت دیه معاف شود؟

از آن جا که دیه حق مالی است و به ورثه جنین می‌رسد، اگر بعد از سقط، ورثه، فرد مباشر را «بری الذمه» کنند؛ یعنی دیه‌ای را که به عهده اوست به او ببخشند، تکلیف پرداخت دیه از مباشر ساقط می‌شود. البته باید توجه داشت با حلالیت طلبیدن از ورثه و بری الذمه شدن مباشر توسط آن‌ها، تنها جنبه مالی این قضیه رفع می‌شود و گناه کبیره سقط جنین با حلالیت طلبیدن از ورثه مرتفع نمی‌شود.

پ. کیفیت وضو و نماز در بارداری

زن باردار همانند سایر افراد نسبت به اعمال عبادی خود مکلف بوده و با انجام عبادات خود بر طبق وظیفه‌ای که دارد هم واجب الهی را امتثال می‌کند و هم در پرتو عمل به فرامین الهی از آرامش روانی بهره‌مند می‌شود که بر سلامت خود و جنینش تأثیر مثبتی دارد. علاوه بر این، پابندی وی

به انجام عبادات به صورت نیکو و شایسته، بر دینداری
فرزندش در آینده نیز مؤثر است. تلاوت قرآن در طول
بارداری، انس با ادعیه، توسل به اهل بیت علیهم السلام، پابندی
به نماز اول وقت و دقت در اجتناب کامل از محرّمات،
همگی از اموری هستند که مسیر رشد و سعادت را برای
فرزندى که در آینده به دنیا می‌آید، هموار می‌سازد؛ بنابراین
به تمام زنان باردار توصیه می‌شود: بیش از سابق مراقبت
سلامت روح و روان خود باشند؛ چرا که آلوده شدن آنها
به گناه بر ضمیر پاک جنینی که در رحم دارند، تأثیر منفی
می‌گذارد. همچنان که تقوا و پرهیزکاری آنها در این نه ماه،
عاملی در گرایش بیشتر فرزندشان به مسائل معنوی و
مذهبی خواهد بود.

اکنون جای طرح این پرسش‌ها است که:

۱. آیا تکلیف زن باردار نسبت به نماز با سایرین تفاوت

دارد؟

۲. اگر زن حامله نیاز به استراحت مطلق داشته باشد،

تکلیف او برای وضو و نمازش چیست؟

۳. در چه صورتی زن حامله می‌تواند نمازش را نشسته

بخواند؟

۴. در صورتی که شخص نتواند به شکل مستقل قیام یا

رکوع و سجده نماز را به جا آورد، آیا در نحوه انجام افعال

نماز، ترتیب خاصی معتبر است؟ اگر ترتیب خاصی مطرح

است، این ترتیب چگونه است؟

۵. در چه صورتی وظیفه فرد، ادای نماز به صورت

خوابیده است؟

۶. نحوه رکوع و سجده کسی که قادر به رکوع و سجده

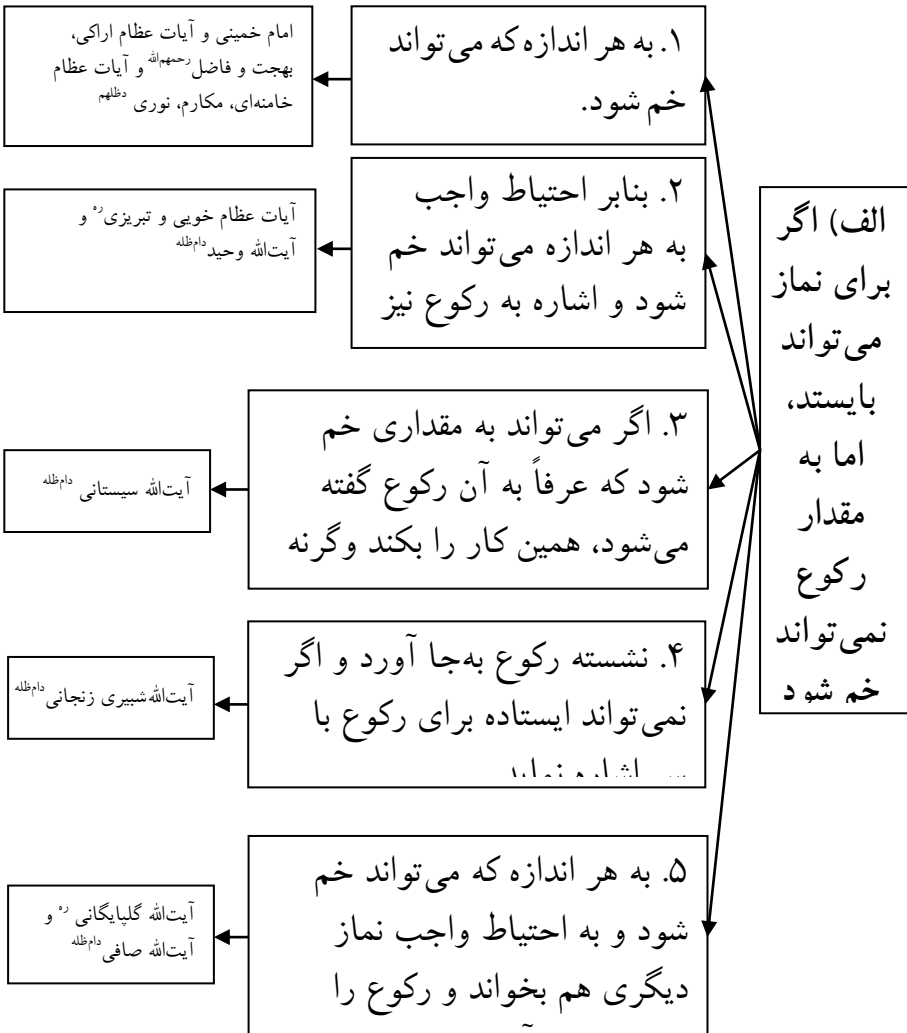
معمولی نیست، به چه صورت است؟

۷. در جایی که وظیفه فرد انجام سجده به شکل اشاره‌ای است، آیا لازم است، مهر را بر پیشانی خود بگذارد؟

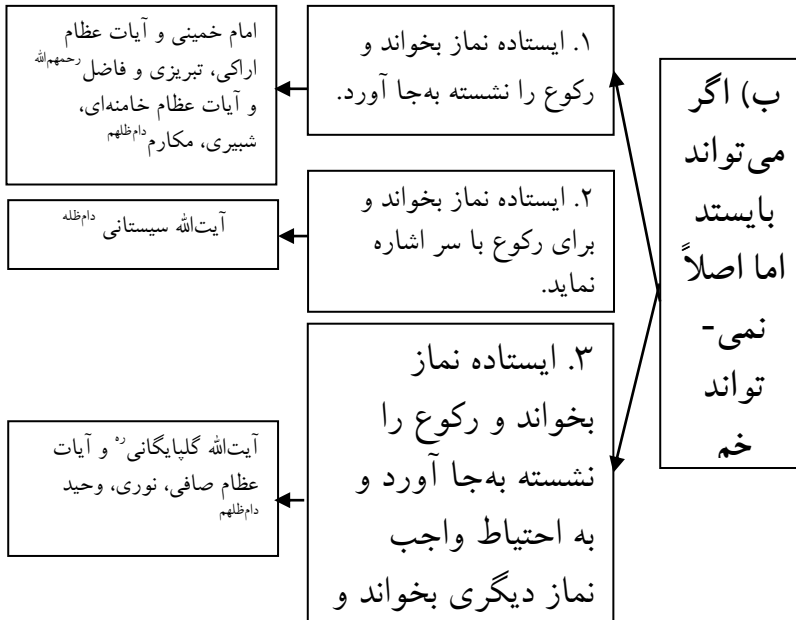
پاسخ: برخی از زنان در دوران بارداری نیاز به استراحت دارند که معمولاً از آن به «استراحت مطلق» تعبیر می‌شود. گاهی تصور می‌شود لازمه استراحت مطلق این است که این زن برای وضو و نماز هم نباید از جا برخیزد و به عنوان مثال تیمم بدل از وضو انجام دهد و نمازش را نشسته یا خوابیده بخواند. لازم است توجه شود در بیش‌تر موارد استراحت مطلق، کافی است خانم باردار بیش‌تر ساعات روز را در استراحت باشد و حرکت او بدون انجام فعالیت سنگین، ضرری ندارد؛ بنابراین بلند شدن او از جا و وضو و نماز لازم است. حتی در موارد نادری که پزشک توصیه می‌کند خانم استراحت کامل داشته باشد، اگر بلند شدن از

جا به مقدار کم، مشکلی ایجاد نمی‌کند، باز هم وظیفه دارد نمازش را به طور معمول به جا آورد. تنها در صورتی وظیفه زن باردار نسبت به نماز تغییر می‌کند که از جهت پزشکی، اجازه بلند شدن از جا را نداشته باشد و یا این که خم شدن او برای رکوع و سجده ضرر داشته باشد؛ در این صورت وظیفه او نسبت به وضو هم چنان باقی است و باید برای او آب بیاورند و در جای خود وضو بگیرد؛ اما نسبت به نماز تا آن جا که ممکن است، افعال نماز را به طور کامل به جا آورد و در جایی که معذور است، فقها صورت‌های مختلفی را مطرح کرده‌اند که به این شرح است: (آدرس در پیوست

الف) نمی‌تواند به قصد رکوع خم شود



ب) اصلاً نمی‌تواند خم شود



نکته: اگر نتواند رکوع نشسته را هم به‌جا آورد، باید نمازش را ایستاده بخواند و برای رکوع با سر اشاره کند و اگر نتوانست با چشم اشاره کند و ذکر رکوع را بگوید.

(ج) اصلاً نمی‌تواند بایستد

اگر زن باردار اصلاً نمی‌تواند بایستد، باید نماز را نشسته بخواند؛ البته اگر می‌تواند به مقدار تکبیرة الاحرام بایستد، باید تکبیرة الاحرام را ایستاده بگوید و همچنین اگر می‌تواند قبل از رکوع بایستد و رکوع را ایستاده به جا آورد، باید بایستد و از حال ایستاده به رکوع رود و اگر نتواند، باید رکوع را هم نشسته به جا آورد. (آدرس در پیوست شماره ۵)

اگر برای ایستادن و رکوع مشکلی ندارد و فقط برای سجده معذور است، چند حالت متصور است:

الف) می‌تواند بنشیند؛ ولی نمی‌تواند پیشانی را به زمین برساند.

به نظر همه مراجع باید به قدری که می‌تواند، خم شود. مهر را بر چیز بلندی گذاشته و پیشانی را بر آن قرار دهد؛

طوری که بگویند، سجده کرده است؛ ولی باید کف دست‌ها،
زانوها و انگشتان پا را به طور معمول بر زمین بگذارد.

(ب) می‌تواند بنشیند، ولی اصلاً نمی‌تواند خم شود (آدرس



نکته: باید توجه داشت که در بیش‌تر موارد فرد، از ایستادن عاجز نیست، اما تکرار نشستن و برخاستن برای او مشکل است. در چنین مواردی فرد نمی‌تواند نمازش را نشسته بخواند، بلکه باید نماز را ایستاده بخواند، اگر می‌تواند به صورت معمول رکوع کند و اگر نمی‌تواند به ترتیب، مطابق وظیفه فرد معذور از رکوع، عمل کند و برای سجده از آن‌جا که فرض این است: فقط تکرار نشستن و برخاستن برای او مشکل است، روی صندلی بنشیند و مهر را بر سطحی قرار دهد و روی آن سجده کند. لازم به ذکر است تا حد امکان محل سجده، بلندتر از محل نشستن نباشد؛ یعنی به مقداری که می‌تواند خم شود، سطح سجده را پایین ببرد. (آدرس در

پیوست شماره ۷)

نکته دیگری که باید به آن دقت شود، این است که اگر فرد می‌تواند بخشی از نماز را ایستاده بخواند، مثلاً یک یا دو رکعت را ایستاده بخواند، نباید از ابتدا نماز را نشسته بخواند؛

بلکه لازم است اول ایستاده بخواند و هر زمان که نتوانست
بقیه را نشسته ادامه دهد. (آدرس در پیوست شماره ۸)

ج) اصلاً نمی‌تواند بنشیند

در مواردی که لازم است زن باردار استراحت مطلق داشته
باشد، به نحوی که ایستادن و نشستن به مقدار نماز حتی با
تکیه دادن به جایی برای او مضر است، واجب است نمازش
را به همان شکل خوابیده بخواند. در مرحله اول اگر می-
تواند به پهلو بخوابد باید، به پهلوئی راست بخوابد به طوری
که جلوی بدن او رو به قبله باشد و اگر ممکن نیست، به
پهلوی چپ بخوابد به طوری که جلوی بدنش رو به قبله
باشد و اگر این هم ممکن نیست، به پشت بخوابد به طوری
که کف پای او رو به قبله باشد. (آدرس در پیوست شماره

۹)

اما در مورد رکوع و سجده‌اش در صورتی که می‌تواند، باید
با اشاره سر این کار را انجام دهد؛ یعنی به قصد رکوع سر را

کمی خم کند، ذکر رکوع را بگوید؛ سپس به قصد برخاستن از رکوع، سر را به حال عادی برگرداند و سجده را نیز با اشاره سر انجام دهد؛ یعنی به قصد سجده سر را خم کند، ذکر بگوید و به قصد برخاستن از سجده سر را به حال عادی برگرداند.





اگر امکان اشاره با سر را نیز ندارد، باید برای رکوع و سجده، با چشم اشاره کند؛ یعنی به قصد رفتن به رکوع چشم‌ها را ببندد، ذکر رکوع را بگوید و به قصد برخاستن از رکوع چشم‌ها را باز کند.

اما در جایی که سجده را با اشاره انجام می‌دهد، آیا قرار دادن پیشانی بر مهر نیز لازم است یا خیر؛ نظرات فقها به این

شرح است. (آدرس در پیوست شماره ۱۰)

آیت‌الله مکارم شیرازی دام‌ظله	۱. در صورت امکان باید پیشانی را بر مهر قرار دهد.
آیت‌الله گلپایگانی ^۲ و آیت‌الله صافی دام‌ظله	۲. به احتیاط واجب پیشانی را بر مهر قرار دهد.
امام خمینی و آیات عظام اراکی، مکارم شیرازی، آیت‌الله عظام	۳. به احتیاط واجب مهر را بر پیشانی قرار دهد.



نکته: طبق نظر آیت‌الله صافی، بنابر احتیاط واجب اگر می-
تواند، سایر اعضای سجده را نیز باید بر زمین قرار دهد و
طبق نظر آیت‌الله شبیری در مواردی که فرد معذور است و
رکوع یا سجده را با اشاره چشم انجام می‌دهد، باید پس از
بهبودی، نماز را دوباره بخواند.

ت. روزه زن باردار

در مطالب گذشته، تکلیف زن باردار نسبت به وضو و نماز معلوم شد. وظایف او نسبت به روزه چیست؟

۱. آیا در ماه مبارک رمضان، روزه بر زن باردار واجب است؟

۲. در صورتی که زن باردار توان روزه گرفتن را داشته باشد؛ اما روزه برای جنین او ضرر داشته باشد، چه وظیفه‌ای دارد؟

۳. آیا در ضرری که مجوز افطار است، علم شرط است یا این که صرف احتمال ضرر کفایت می‌کند؟ حرف پزشک در این موضوع تا چه حد مؤثر است؟

۴. در صورتی که زن باردار نتواند روزه بگیرد، آیا قضای آن روزه‌ها بر او واجب است یا خیر؟ آیا علاوه بر قضا تکلیف دیگری نیز دارد؟

۵. آیا در حکم افطار روزه، فرقی بین ماه‌های اول بارداری و ماه‌های آخر آن وجود دارد؟

۶. اگر زن باردار به دلیل ضرر داشتن روزه، ماه رمضان را روزه نگرفت و تا سال بعد نیز قضای روزه برای او ممکن نبود، چه حکمی دارد؟

۱. روزه زن باردار در صورت ضرر برای جنین یا خودش

اگر روزه برای خود زن باردار ضرر داشته باشد، یا برای جنینش ضرر داشته باشد، روزه بر او واجب نیست؛ البته تکلیف دیگری، هم چون قضا و کفاره بر او واجب است که در بیان اختلاف اقوال فقها به آن می‌پردازیم.

گاهی خود زن باردار، علم یا گمان به ضرر دارد و گاهی پزشک متخصص بیان می‌کند، روزه برای خانم یا جنین وی، ضرر دارد. از نظر فقهی هرچند حرف پزشک به خودی خود

حجت نیست؛ اما اگر زن از حرف پزشکی، علم به ضرر داشتن روزه پیدا کند و یا حتی احتمال ضرر بدهد و از این احتمال برای او ترس ایجاد شود، روزه بر او واجب نیست.

(آدرس در پیوست شماره ۱۱ و ۱۲)

حکم بارداری که

روزه برای جنینش

بعداً روزه را قضا کند و باید به
ازای هر روز یک مد طعام کفاره
دهد.

آیات عظام امام خمینی
اراکي، بهجت، تبریزی،
خویی رحمهم الله و آیات
عظام خامنه‌ای، سیستانی،
مکارم، نوری، وحید
دام‌ظلمهم

بعداً روزه را قضا نماید و به
احتیاط واجب برای هر روز یک
مد طعام کفاره دهد.

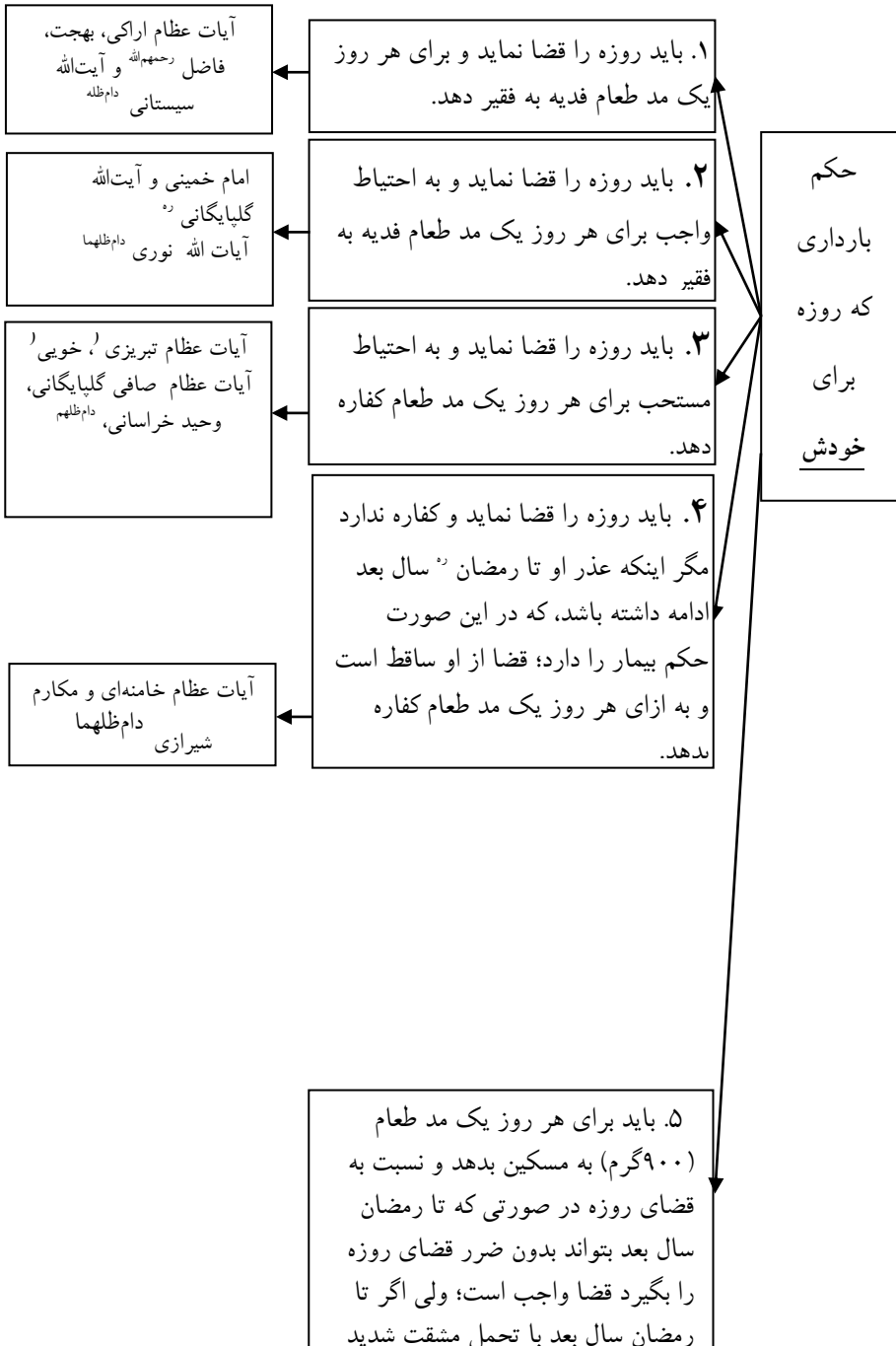
آیت الله صافی دام‌ظله
آیت الله گلپایگانی)

باید روزه را قضا نماید و خوب
است یک مد طعام کفاره دهد،
اما واجب نیست.

آیت الله فاضل لنکرانی)

باید برای هر روز یک مد طعام
(۹۰۰ گرم) به مسکین بدهد و
نسبت به قضای روزه در
صورتی که تا رمضان سال بعد
بتواند بدون ضرر قضای روزه را
بگیرد قضا واجب است ولی اگر
تا رمضان سال بعد با تحمل
مشقت شدید بتواند قضا را
بگیرد قضا لازم نیست و باید
علاوه بر کفاره، مد طعام دیگر
به مسکین بدهد و اگر تا رمضان
بعد روزه برای او ضرر داشته
باشد قضای روزه‌ها لازم نیست.

آیت الله شبیری
دام‌ظله
زنجان



آیت الله شبیری زنجانی -
دام ظلّه



لازم به ذکر است، بیش تر مراجعی که پرداخت کفاره را بر زن باردار لازم می‌دانند، بین حامله‌ای که زایمانش نزدیک است و حامله‌ای که در ماه‌های اول بارداری است، تفاوتی نگذاشته‌اند؛ اما آیت‌الله سیستانی -دام‌ظله- می‌فرمایند: حکم پرداخت کفاره اختصاص به زن حامله‌ای دارد که وقت زایمان او نزدیک است، مثل این‌که وارد ماه نهم حاملگی شده است و شامل زن حامله‌ای که زایمان او نزدیک نیست؛ نمی‌شود و آیت‌الله وحید خراسانی -دام‌ظله- تعلق کفاره را مختص به حامله‌ای می‌داند که روزه برای جنینش ضرر دارد، با این توضیح که اگر وقت زایمانش نزدیک است به فتوی و اگر ماه‌های اول بارداری است، به احتیاط واجب

کفاره دارد. (آدرس در پیوست شماره ۱۳)

۲. کفاره تأخیر

در بسیاری از موارد که زنان باردار در ماه رمضان روزه نمی‌گیرند، تا رمضان سال بعد هم امکان قضا کردن روزه را ندارند یا به دلیل این‌که شیرده هستند و روزه برای نوزادشان ضرر دارد و یا این‌که همچنان روزه برای خودشان ضرر دارد. در فرض اول که روزه برای نوزاد ضرر دارد، به نظر اکثر مراجع قضا از مادر ساقط نمی‌شود و به نظر آیت‌الله شبیری در سال‌های بعد قضا لازم نیست؛ اما باید برای هر روز دو مد طعام به مسکین بدهد. حال از نظر مراجع دیگر که قضا ساقط نمی‌شود، سؤال این است که آیا با توجه به تأخیر روزه قضا تا رمضان سال بعد، کفاره تأخیر هم واجب می‌شود یا خیر؟ (آدرس در پیوست شماره ۱۴)

آیت‌الله تبریزی، آیات عظام خامنه‌ای و مکارم دام‌ظله‌هم	۱. کفاره تأخیر ندارد.
آیت‌الله بهجت، آیات عظام صافی و وحید دام‌ظله‌هم	۲. به احتیاط واجب کفاره تأخیر هم دارد.
آیت‌الله فاضل لنکرانی، آیات عظام سیستانی و نوری همدانی دام‌ظله‌هم	۳. باید کفاره تأخیر هم بپردازد.

اما در فرض دوم که تأخیر روزه قضا تا رمضان سال بعد به دلیل ضرر داشتن روزه برای مادر است، چند نظر وجود دارد.

آیات عظام خامنه‌ای و مکارم شیرازی دام‌ظله‌هم	۱. در چنین فرضی فرد در حکم بیمار است. قضا واجب نیست، فقط یک مد طعام کفاره ۱۰۰۰.
آیت‌الله شبیری زنجانی دام‌ظله	۲. قضا واجب نیست و باید برای هر روز ۲ مد طعام کفاره دهد.
آیت‌الله فاضل لنکرانی	۳. قضا واجب است، ولی کفاره تأخیر ندارد.
آیت‌الله بهجت و آیات عظام صافی و وحید دام‌ظله‌هم	۴. قضا واجب است به احتیاط واجب کفاره تأخیر هم بپردازد.



س. رابطه زناشویی با زن باردار

اکنون که وظیفه زن باردار نسبت به عباداتش معلوم شد، جای پاسخ به این پرسش است که آیا از نظر فقه به سبب بارداری رابطه شوهر با همسر باردارش محدودیت پیدا می کند یا خیر؟

و آیا شوهر می‌تواند زنش را در طول ۹ ماه بارداری طلاق دهد؟

از نظر شرعی زن و شوهر در هر زمانی می‌توانند رابطه زناشویی داشته باشند. ایام خاصی مانند عادت ماهانه و هم-چنین نفاس است که آمیزش با زن حرام است؛ بنابراین از نظر فقهی آمیزش شوهر با همسر باردارش منعی ندارد (آدرس در پیوست شماره ۱۵). البته مضر بودن یا عدم ضرر با توجه به شرایط بارداری مادران متفاوت است و مادران بارداری می‌توانند از راهنمایی پزشک متخصص در این زمینه بهره‌مند شوند.

ش. طلاق زن باردار

گاهی گمان می‌شود اگر زنی حامله است، طلاق او صحیح نیست و باید صبر کنند تا زن زایمان کند، بعد می‌توان او را طلاق داد. این گمان صحیح نیست. طلاق در حاملگی اشکالی ندارد و صحیح است و زن تا پایان حاملگی و وضع حمل، در عده می‌ماند و نفقه او بر شوهرش واجب است، هرچند طلاق بائن باشد.

طلاق در حال حیض یا نفاس زن صحیح نیست؛ البته اگر زنی حامله باشد و در ایام حاملگی عادت ماهانه شود، در آن زمان هم طلاق او صحیح است. (آدرس در پیوست

ص. حاملگی پوچ (ساک خالی از جنین)

حاملگی پوچ به حاملگی ای اطلاق می‌شود که در آن تخمک لقاح‌یافته درون رحم لانه‌گزینی می‌کند؛ اما هیچ جنینی درون ساک حاملگی رشد نمی‌کند.



علائم اولیه حاملگی رخ می‌دهد، قاعدگی به تأخیر می‌افتد، تست حاملگی مثبت است؛ حتی سونوگرافی در ماه‌های اولیه نشان از تشکیل کیسه حامل جنین (ساک حاملگی) در دیواره رحم می‌دهد، اما طی دو ماه اول بارداری، ختم

حاملگی با دردهای شکمی، لکه‌بینی و خون‌ریزی اتفاق می‌افتد؛ چرا که حاملگی از نوع پوچ است.

برای تشکیل جنین باید مراحل تقسیم سلولی در زمان‌های خاص انجام گیرد که شامل ایجاد یک مجموعه ۵۸ سلولی به دنبال تقسیمات متعدد می‌شود که در سلول اولیه تخم ایجاد شده و ساختار جفت و بخش‌های مختلف یک جنین را تشکیل می‌دهد.

اگر اختلالاتی در کروموزوم‌های سلول‌های تشکیل‌دهنده جنین ایجاد شود، این سلول‌ها از مسیر تقسیم سلولی خارج می‌شود تا جایی که روند بارداری صرفاً به تشکیل کیسه اولیه جنینی ختم می‌شود که در سونوگرافی اولیه قابل

مشاهده است، در حالی که اثری از جنین در داخل آن دیده نخواهد شد.

معمولاً در ادامه، دردهای شکمی و لکه‌بینی ایجاد شده و حاملگی با وقوع خونریزی سقط می‌شود. البته همیشه حاملگی پوچ به طور خود به خود سقط نمی‌شود و گاهی با مداخله پزشکی، مانند تجویز دارو و یا کورتاژ برای خروج محصولات حاملگی نیاز است.^۱

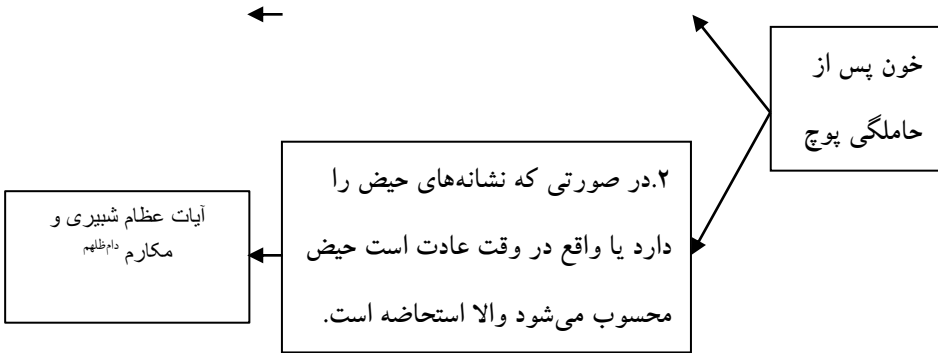
در هر حال این‌که خون بعد از ختم حاملگی پوچ، حکم نفاس را دارد یا خیر، نظر فقها بدین شرح است: (آدرس در

پیوست شماره ۱۹)

آیت الله صافی دام‌ظله

۱. از اقسام حمل محسوب شده و خون پس از آن حکم نفاس را دارد.

^۱. برگرفته از سایت جام‌جم سر: www.jamejamsar.ir



ض.مراجعه زن باردار به پزشک مرد

به طور معمول زنان باردار در طول دوران بارداری تحت مراقبت پزشک قرار می‌گیرند و روند رشد جنین با انجام معایناتی نظیر آزمایش خون، سونوگرافی و ... کنترل می‌شود.

با توجه به این‌که این معاینات معمولاً مستلزم لمس و نظر پزشک است، این بخش در پی پاسخ به پرسش‌های زیر است:

۱. آیا زن باردار می‌تواند، برای معاینات بارداری به پزشک مرد مراجعه کند؟
۲. در چه صورتی برای زن جایز است که به دکتر مرد مراجعه کرده و تحت معاینات او قرار بگیرد؟

۳. اگر ضرورت، اقتضای مراجعه زن به پزشک مرد را داشت، آیا می‌توان گفت که پزشک، محرم است و یا این‌که همچنان بر زن رعایت پوشش و حجاب لازم است؟

۴. محدوده جواز نگاه یا لمس پزشک مرد چه مقدار است؟

۵. در مراجعه به پزشک زن در چه صورتی نگاه به عورت زن جایز است؟

۶. آیا در موارد ضرورت، نگاه مستقیم به عورت جایز است و یا این‌که باید مراتبی رعایت شود؟

۷. در اتاق زایمان که زن پوشش لازم را ندارد، در آن حالت نگاه چه کسانی به زن باردار جایز و نگاه چه کسانی حرام است؟

۸. حاملگی پوچ چیست؟ خونی که زن بعد از خاتمه حاملگی پوچ می‌بیند نفاس است یا خیر؟

۹. اگر بارداری خارج از رحم صورت گیرد، با توجه به این که این حاملگی باقی نمی ماند و سقط می شود، خون بعد از سقط آن چه حکمی دارد؟

دوران بارداری به جهت اهمیت و حساسیت خاصی که دارد، نیاز به مراقبت ویژه دارد و معمولاً زنان در این دوران تحت نظر پزشک هستند. هر چند صرف مراجعه زن به پزشک مرد حرام نیست؛ اما لمس یا نگاه پزشک به بدن زن نامحرم حرام است، مگر در موارد ضرورت. امروزه به برکت نظام جمهوری اسلامی، بیش تر پزشکان متخصص زنان و زایمان، خانم می باشند و اساساً سال ها است که تحصیل در این رشته مختص بانوان است؛ با این وجود هنوز تعداد کمی پزشک مرد متخصص زنان داریم. با توجه به کثرت پزشکان زن در این رشته و مهارت و تخصص آنها، معمولاً ضرورتی که

مجوز نگاه یا لمس بدن نامحرم توسط پزشک مرد باشد، به وجود نمی‌آید.

با توجه به حرمت لمس و نظر به نامحرم، در صورتی که پزشک زن و مرد متخصص برای درمان بیمار وجود داشته باشد، معاینه و لمس غیر هم‌جنس حرام است.

در عین حال گاهی در شرایط خاص، مثل نبود پزشک زن یا اورژانسی بودن مراجعه به پزشک و دسترسی نداشتن در آن زمان خاص به پزشک هم‌جنس، زنان ناچار می‌شوند به پزشک مرد مراجعه کنند. در چنین فضایی اگر مرد برای معالجه زن نامحرم ناچار باشد به او نگاه کرده یا به بدنش دست بزند، باید به مقدار ضرورت اکتفا کند و اگر با نگاه کردن بتواند معالجه کند، نباید به بدن دست بزند و اگر با دست زدن بتواند معالجه کند، نباید نگاه کند و در صورت امکان لازم است از دست زدن مستقیم خودداری کند و با

دست‌کش تماس داشته باشد. هم‌چنان که در مورد نگاه، فقط به موضعی که ضرورت دارد، جایز است نگاه کند و نگاه به سایر مواضع بدن زن جایز نیست و از نظر زمانی هم باید به مقدار ضرورت اکتفا شود. (آدرس در پیوست شماره ۱۷)

مراجعه به پزشک مرد برای انجام سونوگرافی نیز مصداقی از همین بحث است. اگر پزشک زن وجود دارد، خانم باردار نباید برای سونوگرافی به مرد مراجعه کند. اگر پزشک زن نیست یا نوبت‌دهی او زمان زیادی را می‌طلبد و زن باردار در وضعیت اورژانسی یا خطر است و نمی‌تواند تا آن زمان صبر کند، می‌تواند به پزشک مرد مراجعه کند و لازم است پزشک از نظر لمس و نگاه به مقدار ضرورت اکتفا کند.

در برخی موارد پزشک برای معاینه زن باردار ناچار است به عورت او نگاه کند؛ باید توجه داشت از آن‌جا که نگاه به عورت حتی توسط پزشک هم‌جنس حرام است، تنها در

صورتی که این کار ضرورت داشته باشد و از راه دیگری نتوان معاینه را انجام داد، دکتر می‌تواند به عورت بیمار خود نگاه کند و البته در این صورت هم باید به مقدار ضرورت بسنده شود و حتی به نظر بیش‌تر مراجع اگر پزشک می‌تواند با نگاه در آینه معالجه را انجام دهد، باید همین کار را کرده، از نگاه مستقیم به عورت خودداری کند. (آدرس در پیوست

شماره ۱۸)

در زایمان طبیعی هم که پزشک یا ماما از باب ضرورت و دفع ضرر و خطر ناچارند به عورت زن نگاه کنند، نگاه جایز است؛ اما باید توجه داشت حکم جواز نگاه، مخصوص کسانی است که حضور و نگاهشان به این موضع لازم است.

ط. بارداری خارج از رحم

حاملگی خارج از رحم به حالتی گفته می‌شود که تخمک لقاح یافته، در جایی به غیر از دیواره داخلی رحم مستقر می‌شود و شروع به رشد می‌کند. ۹۸ درصد از حاملگی‌های خارج از رحم درون لوله‌های فالوپ (لوله‌های رحمی) اتفاق می‌افتد. با این حال امکان دارد در نقاط دیگری مثل تخمدان، گردن رحم و حفره شکمی نیز رخ دهد.

بارداری خارج از رحم ممکن است به پاره شدن لوله فالوپ و یا لزوم برداشتن تخمدان و لوله فالوپ منجر شود.



در بارداری خارج از رحم اگر جنین به داخل رحم منتقل نشود و بیرون رحم باقی بماند، قابلیت رشد ندارد و معمولاً در ۴ یا ۵ هفتگی از بین می‌رود. این جنین گاهی به طور طبیعی و گاهی با خوردن دارو یا نهایتاً با کورتاژ و یا عمل جراحی خارج می‌شود.^۱

۱. برگرفته از سایت تبیان.



با توجه به این که این جنین در مراحل اولیه رشد است، حکم خون بعد از سقطش از نظر مراجع متفاوت است که در بحث خون پس از سقط جنین در ماههای اول بارداری به آن پرداخته شده است. (آدرس در پیوست سقط جنین در

ماههای اول بارداری)

ظ.خونریزی زن باردار

در این قسمت نیز حکم خونهایی که زن باردار می بیند، بیان خواهد شد:

۱. آیا زن حامله حیض می شود؟
۲. آیا در شرایط تحقق حیض، تفاوتی بین زن حامله و سایر زن ها وجود دارد؟
۳. لکه بینی هایی که زن های حامله به طور پراکنده می بیند، چه حکمی دارد؟



۴. اگر زن حامله‌ای ابتدای حاملگی خونریزی نداشته باشد؛ ولی بعداً دچار خونریزی شود، آیا این تأخیر خونریزی، موجب تغییر حکم خون‌ها می‌شود؟

۵. خون‌هایی که زن نزدیک زایمان می‌بیند، چه حکمی دارد؟ اگر متصل به زایمان باشد، آیا نفاس است؟

۶. اگر زن باردار دچار خونریزی شود و همین خونریزی منجر به سقط جنین گردد، این خون چه حکمی دارد؟

۷. خون هم‌زمان با درد زایمان، از نظر فقهی با خون-هایی که در ایام حاملگی دیده می‌شود، تفاوت دارد یا خیر؟

۸. آبی که بر اثر پاره شدن کیسه جنین از زن خارج می‌شود، چه حکمی دارد؟

ع. خونریزی در طول ماههای بارداری

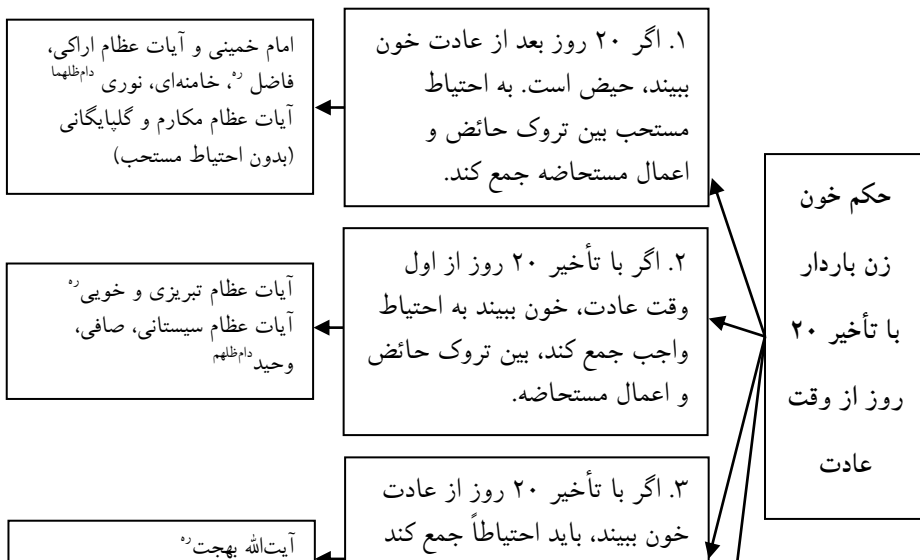
در برخی موارد، زنان باردار دچار لکه‌بینی یا خونریزی می‌شوند. هر چند بیش‌تر زنان در ایام بارداری عادت ماهانه نمی‌شوند؛ اما موارد اندکی وجود دارد که زن باردار عادت می‌شود. از نظر فقهی نیز امکان حائض شدن زن باردار وجود دارد.

الف) گاهی خون، واجد شرایط حیض است و حداقل تا سه روز ادامه دارد؛ هر چند ممکن است خارج نشود؛ اما در طول سه روز باطن همیشه آلوده است؛ چنین خونی شرط استمرار را دارد و حیض است؛ البته از نظر مراجعی که داشتن صفات حیض را معتبر می‌دانند، لازم است این خون واجد صفات حیض هم باشد. این حکم مربوط به خانمی است که صاحب عادت وقتی نیست. صاحب عادت وقتی نیست که اگر خون دیدنش با فاصله کمتر از ۲۰ روز از وقت



عادت باشد، مثل سایر زن‌ها محسوب می‌شود و بارداری او تأثیری در حکم حیضش ندارد؛ اما اگر صاحب عادت وقتیه با تأخیر ۲۰ روز از عادت خون ببیند، از نظر برخی فقها حکم متفاوتی دارد. که بیان خواهد شد: (آدرس در پیوست

شماره ۲۰)





ب) گاهی خونریزی زن حامله شرایط حیض را ندارد، مثلاً لکه‌بینی منقطع است و یا کم‌تر از سه روز طول می‌کشد یا در طول سه روز استمرار ندارد، به نظر بیشتر فقها این خون، حیض نیست و اگر از زخم و یا دمل نباشد، محکوم به استحاضه است. (آدرس در پیوست شماره ۲۱)

از نظر آیت‌الله شبیری، برای زن حامله شرط حداقل سه روز مطرح نیست. با توجه به این‌که ایشان توالی را هم شرط نمی‌دانند؛ بنابراین خونریزی‌های منقطع حامله در صورتی که واجد صفات حیض باشد، محکوم به حیض است.

(پیوست شماره ۲۱)

البته همان‌طور که گذشت، زنی که صاحب عادت وقتیه است، در صورتی که در وقت خود خون نبیند و با تأخیر ۲۰



روز از آخر عادت خونی ببیند، استحاضه است و حیض

محسوب نمی‌شود. (پیوست شماره ۲۱)

غ.خون نزدیک به زایمان

گاهی زنان باردار، نزدیک به زایمان دچار خونریزی یا لکه‌بینی می‌شوند، این خون هم مثل خون ایام بارداری است و حتی اگر متصل به زایمان باشد تا وقتی جزئی از بچه خارج نشده، نفاس محسوب نمی‌شود. بنابراین طبق همان قیود و شرایطی که در بحث خونریزی زن باردار گفته شد، حکم این خون نیز معلوم می‌شود که اگر واجد شرایط حیض باشد، حیض است و اگر فاقد شرایط حیض باشد، استحاضه است. البته در صورتی که زن بداند این خون از زخم است، حکم حیض و استحاضه را ندارد؛ یعنی حدث محسوب

نمی‌شود و فقط نجس است؛ بنابراین بین حیض قبل از زایمان و خون نفاس، فاصله شدن اقل طهر (۱۰ روز پاکی) معتبر نیست. البته به نظر آیات عظام اراکی، فاضل و مکارم، در صورتی که بین خون قبل از زایمان و نفاس، ۱۰ روز فاصله نشود، به احتیاط واجب در خون قبل از زایمان بین تروک حائض و اعمال مستحاضه جمع کند. (آدرس در

پیوست شماره ۲۲)

ک. خون هم‌زمان با درد زایمان

همان‌طور که بیان شد، تا وقتی جزیی از بچه از رحم مادر خارج نشده، خونی که زن می‌بیند، نفاس نیست؛ بنابراین اگر زن هم‌زمان با درد زایمان خون ببیند، نفاس نبوده، نماز بر او واجب است؛ مگر این‌که حیض محسوب شود؛ یعنی تا سه



روز خون استمرار داشته باشد و زن زایمان نکند^۱. خون هم‌زمان با درد زایمان، از نظر اکثر مراجع، حکم خون نزدیک به زایمان را دارد که در عنوان قبل مطرح شد.

آیات عظام سیستانی و نوری نسبت به این خون نظر متفاوتی دارند:

آیت‌الله سیستانی می‌فرماید: اگر می‌داند خون زایمان است، حکم زخم را دارد و اگر قبل از درد زایمان، خون می‌بیند و یا در حال درد زایمان است؛ اما نمی‌داند خون مربوط به زایمان است یا خیر، در صورتی که واجد شرایط حیض

^۱. هم‌چنان که گذشت از نظر آیت‌الله شبیری در حامله ادامه داشتن خون حیض تا سه روز شرط نیست.



باشد، حیض است؛ اما اگر شرایط را نداشت، استحاضه است. (آدرس در پیوست شماره ۲۳)

آیت‌الله نوری می‌فرمایند: اگر زن می‌داند خون زایمان یا مقدمات آن است، استحاضه محسوب می‌شود، هر چند سه روز طول بکشد. (آدرس در پیوست شماره ۲۳)

با توجه به آنچه گذشت، خون سابق بر زایمان نفاس نیست. اگر قبل از گذشت سه روز، زایمان صورت گیرد (که در بیش‌تر موارد هم همین‌طور است)، این خون به نظر اکثر مراجع، حکم استحاضه را دارد و بر زن واجب است با کسب طهارت مناسب حالش، نمازش را به‌جا آورد. اگر امکان وضو یا غسل ندارد، تیمم انجام دهد و اگر ایستادن ضرر یا



خطر دارد، با رعایت مراتب نماز افراد معذور، باید نمازش را نشسته یا خوابیده به جا آورد.

در هر صورت اگر نمازش را نخواند، باید بعداً قضای آن را به جا آورد.

گ. پاره شدن کیسه جنین و خروج آب

معمولاً قبل از زایمان به سبب پاره شدن کیسه آب، مایعی از زن خارج می شود؛ از نظر همه فقها این مایع پاک است؛ مگر این که آلوده به خون باشد. (آدرس در پیوست شماره ۲۴)

ل. شک در سقط جنین و حکم خون بعد از آن

اگر زن باردار، دچار خونریزی شود و شک کند که آیا جنین او سقط شده است یا خیر، در چنین صورتی بنا را بر



این می‌گذارد که جنین سقط نشده و خون، نفاس محسوب نمی‌شود و با توجه به صفات و شرایط آن، حکم حیض یا استحاضه را پیدا می‌کند؛ ولی اگر بعداً معلوم شد که جنین سقط شده بود، این خون‌ریزی پس از سقط جنین، حکم خون پس از سقط در ماه‌های اول بارداری را دارد و قبلاً گذشت که به نظر امام خمینی، مقام معظم رهبری و برخی دیگر از مراجع، نفاس است و برخی نظر متفاوتی دارند.

گفتار سوم: تغذیه دوران بارداری و راهکار پسر شدن فرزند

الف. توجه به حلال بودن غذا

با توجه به اهمیت سلامت نوزاد و همچنین تأثیر لقمه حرام بر آلوده شدن روح و روان انسان و حتی ایجاد مشکلات جسمی، این بخش به پرسش‌هایی در این زمینه، پاسخ می‌دهد:

۱. زن باردار تا چه حد نسبت به بررسی حلال بودن تغذیه خود مسؤولیت دارد؟
۲. آیا خوردن غذایی که زن باردار به حلال بودن آن شک دارد، جایز است؟
۳. آیا توصیه‌هایی وجود دارد که بتوان با عمل به آن‌ها عوارض حرمت احتمالی غذا را رفع و یا کم کرد؟

۴. آیا می‌توان با خوردن غذاهای خاصی، احتمال پسر شدن یا دختر شدن جنین را بیشتر کرد؟
۵. آیا تغییر مزاج و تغذیه، برای تعیین جنسیت جنین، جایز است؟

از آن‌جا که اسلام، آیین سعادت انسان است و توجه خاصی به کمال معنوی و روحی انسان دارد، علاوه بر جهت‌گیری-های معنوی و برنامه‌های عبادی، به جزیی‌ترین ابعاد زندگی نیز توجه دارد و با تنظیم و ارائه برنامه‌های خاص، هدف والای معنوی و الهی را در تمام امور زندگی تعمیم می‌بخشد؛ یکی از این ابعاد «تغذیه» و «لقمه حلال» است.



توجه به این امر، به ویژه در ایام بارداری که روح و روان مادر ارتباط مستقیمی با جنین دارد، از امور اجتناب ناپذیر زندگی یک بانو است.

آداب معنوی غذاخوردن، به ویژه لقمه حلال از دو جهت در تأمین سلامت نقش دارد:

تأثیر متقابل نفس و بدن یا جسم و جان، امری غیرقابل انکار است. این مهم، مبنای نظر صدرالمتألهین، ملاصدرای شیرازی است که قائل به اتحاد نفس و بدن بود؛ یعنی هرچه

روح انسان در پرتو پیوندها و توجهات معنوی - الهی پرورش یابد و مراقبت بیشتری در تغذیه و حلال بودن آن نماید و سعه وجودی پیدا کند، بدن وی نیز در برابر ناملازمات، قوی و مقاوم‌تر خواهد شد و می‌تواند دوره سلامت بیشتری داشته باشد و بالعکس، هرچه در سلامت بدن و تغذیه سالم و بدون شبهه آن کوشش نماید؛ روح او در طی درجات عالی توانمندتر خواهد بود و شایسته الطاف الهی و قرب پروردگار می‌گردد.

علاوه براین رعایت آداب معنوی و توجه به حلال بودن لقمه، آرامش و نشاط خاصی به انسان می‌بخشد که به صورت طبیعی روند جذب و استفاده بهینه از غذاها را مطلوب‌تر می‌سازد.

اطمینان از حلال و طیب بودن غذا، از نظر آیات و روایات، اهمیت فراوانی دارد؛ از جمله خداوند متعال می‌فرماید:

«وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ؛ لُقْمَه حرام و

ناپاک را وارد زندگی خود نکنید.» (بقره/۱۸۸)

یا کلام زیبای نبوی که می‌فرمایند: هرکس غذای حلال بخورد، فرشته‌ای بالای سرش بایستد و برایش آمرزش بخواهد تا از خوردن فارغ شود.^۱ نیز می‌فرمایند:

«العبادة سبعون جزء افضلها طلب

الحلال؛^۲ عبادت ۷۰ جزء دارد که مهم‌ترین و با

فضیلت‌ترین آن طلب حلال است.»

در حدیث معراج آمده:

^۱. الدعوات، ص ۲۵

^۲. محجة البیضاء، ج ۳، ص ۵

«ای احمد اگر خوردن و آشامیدن پاک باشد،

در حفظ و حمایت من هستی.»^۱

کتاب تربیت فرزند، اثر آیت الله مظاهری، حاوی غنی ترین مطالب در خصوص تأثیر لقمه حلال است.

علاوه بر این قصد و نیت خوردن باید قوت یافتن برای خدمت در مسیر الهی باشد:

امیر مؤمنان علی علیه السلام از خداوند چنین درخواست می-کند: «قُوْ عَلِیْ خِدْمَتِکَ جَوَارِحِیْ وَاشْدَدْ عَلِی الْعَظِیْمَهِ جَوَانِحِیْ؛ پروردگارا! اعضا و جوارح مرا برای گزاریات نیرومند ساز و دلم را بر عزم و همّت محکم کن» (دعای کمیل)

^۱. ارشادالقلوب، ص ۲۰۳

امام سجاد علیه السلام نیز در دعاهاى ماه مبارك رمضان مى-
فرمایند:

«خدايا مرا براى به پا داشتن و انجام تکالیفت

قوى گردان.»

گفتن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» در آغاز و حمد و سپاس
خدا در پایان غذا و نیز غذا خوردن در کنار اعضاى خانواده
و بستگان و ... از جمله مواردی است که تأثیر غذا را در
بدن و سلامتی آن افزون می‌سازد.

به جهت تأثیر زیاد لقمه حلال بر سلامت روح و احساس
مسئولیتی که هر مادری نسبت به جنین خود دارد، این
پرسش مطرح می‌شود که اگر حلال بودن غذایی مشکوک
باشد، آیا خوردن آن برای زن باردار جایز است یا خیر؟

در فقه اسلامی، اصل بر حلال بودن غذای مسلمانان است؛ بنابراین خوردن غذای مشکوک حرام نیست؛ گرچه رعایت احتیاط برای زن باردار به دلیل اهمیت زیادی که در تأثیر لقمه حلال است، امری پسندیده است.

ب. غذاهای سفارش شده در دوران بارداری

در برخی روایات نسبت به تغذیه زنان باردار از بعضی خوراکی‌ها زیاد سفارش شده است، از آن جمله:

۱- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: «به زنان باردار خویش «کُندر» بخورانید؛ زیرا وقتی بچه در شکم مادرش با کُندر تغذیه شود، قلبش محکم شده و عقلش زیاد می‌گردد؛ پس اگر آن فرزند پسر باشد، فردی شجاع و بی‌باک خواهد بود و

اگر دختر باشد، به واسطه اندامی که پیدا می‌کند، پیش شوهرش عزیز و محبوب می‌شود».^۱

۲- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: «هر زن آبستنی که «خریزه» بخورد فرزندش خوش‌رو و خوش‌خلق خواهد شد».^۲

۳- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: «به زنان باردار خویش «به» بخورانید که آن اخلاق فرزندان شما را نیکو می‌گرداند».^۳ و در روایت دیگر آمده است: «زن باردار

۱. همان، باب ۳۴ از ابواب احکام الاولاد، ح ۱، ج ۲۱، ص ۴۰۵.

۲. مستدرک الوسائل، باب ۷۹ از ابواب احکام الاولاد، ح ۱۴، ج ۱۵، ص ۲۱۴.

۳. همان، باب ۲۳، ح ۲، ص ۱۳۵.

«به» بخورد؛ زیرا به واسطه آن فرزند بهترین بو و زیباترین رنگ را پیدا می‌کند».^۱

تأثیر میوه «به» در فرزند به گونه‌ای است که روایت شده: زمانی حضرت صادق علیه السلام چشمش به پسر زیبایی افتاد؛ پس چنین گفت: «بایستی پدر این بچه «به» خورده باشد».^۲

۴- امام رضا علیه السلام: «خوردن «انار» فرزند را زیبا می‌گرداند».^۳

^۱. وسائل الشیعة، همان، باب ۳۲، ح ۱، ص ۴۰۲

^۲. همان، ح ۲؛ و نیز در این زمینه مراجعه شود به بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۸۱، ح ۱۷ و ۱۸ و ۱۹.

^۳. بحار الأنوار، ج ۱۰۱، صص ۸۲-۸۳، ح ۳۲.

۵- امام علی علیه السلام: «چیزی بهتر از خرماى تازه «رطب» برای تغذیه و مداوای زن باردار وجود ندارد، خداوند متعال به حضرت مریم چنین گفت: تکانی به این درخت نخل بده تا رطب تازه بر تو فرو ریزد^۱...».

متخصصان دانش تغذیه می‌گویند: قند فراوان موجود در خرما از سالم‌ترین قندها است. آن‌ها در این ماده خوراکی چندین ماده حیاتی و انواع مختلفی از ویتامین را کشف نموده‌اند. در خرما «کلسیم» که عامل مهم استحکام استخوان است و نیز «فسفر» که از عناصر تشکیل دهنده مغز و مانعی در برابر ضعف اعصاب و خستگی است و همچنین «پتاسیم» وجود دارد که نقش به سزایی در جلوگیری از زخم معده دارد.

^۱. سورة مریم (۱۹): آية ۲۵. بحار الأنوار، همان، ص ۱۱۰، ح ۱۷.

با توجه به آنچه گفته شد، خرما یک منبع غذایی مقوی به حساب آمده و مصرف آن برای زنان باردار و نیز زنانی که تازه زایمان نموده‌اند و نیاز شدید به غذای نیروبخش دارند، لازم و ضروری است؛ در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است: «... خداوند عزّ و جلّ می‌گوید: به عزت و جلال و بلندی مرتبه‌ام سوگند زن در روزی که زایمان کرده خرما نمی‌خورد، مگر این که فرزندش، خواه پسر و خواه دختر فردی بردبار و شکیبا خواهد شد».^۱

پسر یا دختر شدن نوزاد

توصیه‌هایی وجود دارد که عمل به آن‌ها احتمال پسر یا دختر شدن جنین را بالا می‌برد. گاهی پرسش می‌شود، انجام

^۱. وسائل الشیعة، همان، باب ۳۳، ح ۱، ص ۴۰۳.

این توصیه‌ها اشکالی ندارد و به نحوی دخالت در کار خداوند متعال محسوب نمی‌شود؟ پاسخ این است که این کار منع شرعی ندارد؛ حتی دعاهایی نیز در این باب وارد شده است. بی‌شک تقدیر همه امور به دست خداوند است و شایسته است، اگر شخصی این توصیه‌ها را انجام می‌دهد، توجه داشته باشد که آنچه خدا برای او مقدر می‌کند، خیر و صلاح اوست و راضی به رضای الهی باشد.

در روایتی آمده است که فردی از کم فرزندی به امام باقر^{علیه السلام} شکایت کرد و این‌که در پی فرزند، به دنبال کنیزان و زنان آزاد رفته؛ ولی فرزند دار نشده و هم اکنون ۶۰ سال از او می‌گذرد. حضرت فرمودند: «در پی نماز واجب، نماز عشا و نماز صبح ۷۰ بار «سبحان الله» بگو و ۷۰ بار استغفار کن «استغفر الله» و آن را با فرموده خداوند عز و جل

«اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا. يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا. وَ يُمَدِّدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا» تمام کن و سپس در شب سوم با همسرت هم‌بستر شو، به اذن الهی دارای پسری سالم می‌شوی.

متن روایت چنین است: «عن زرارة، عن أبي جعفر عليه السلام قل في كل يوم إذا أصبحت و أمسيت سبحان الله سبعين مرة، و تستغفر عشر مرات، و تسبح تسع مرات، و تختتم العاشرة بالاستغفار، يقول الله اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا. يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا. وَ يُمَدِّدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا»، فقالها الحاجب فرزق ذرية كثيرة...»^۱

۱. کاشانی، فیض، محمد محسن ابن شاه مرتضی، الوافی، ج ۲۳، ص ۱۳۰۶

در روایت دیگری آمده است که فردی به حضرت امام صادق علیه السلام از این که پسری ندارد، شکایت کرد. حضرت فرمود: هر گاه با زنت هم‌بستری داشتی، نیت کن و بگو خدایا اگر به من فرزند پسر دهی، اسم او را محمد می‌گذارم. آن فرد، این کار را انجام داد و پسر دار شد.

«و عن أبي عبد الله عليه السلام أنه شكا إليه رجل أنه لا يولد له، فقال له أبو عبد الله ع "إذا جامعته فقل: اللهم إنك إن رزقتني ذكرا سميته محمد"، قال: ففعل ذلك فرزق.»^۱

علاوه بر رعایت مطالب فوق، کارشناسان تغذیه راهکارهایی از جمله، استفاده از غذاهایی با طبع گرم ارائه می‌دهند که در دختر یا پسر شدن حمل بی‌تاثیر نیست. خوانندگان عزیز می‌توانند در این مساله به متخصصین امر مراجعه کنند.

^۱. همان

فصل چهارم: بعد از تولد تا پایان شیر دهی

مادر، بعد از اتمام دوران بارداری و از لحظه تولد نوزاد، با مسائل متفاوتی از جمله زایمان و حکم خونریزی بعد از آن مواجه است. در بسیاری از موارد خونریزی بعد از زایمان قریب به یک ماه یا بیشتر طول می کشد که؛ هر مرحله احکام خاص خود را داراست. در این فصل احکام فقهی زایمان از جمله: محاسبه نفاس، محاسبه استحاضه، محرّمات زن نفساء و استمرار خونریزی تا یک ماه و بیشتر و ... را مطرح می کنیم.

گفتار اول: آسان شدن زایمان

لحظه تولد نوزاد یکی از شیرین ترین لحظات زندگی مادر است. مادر بعد از ۹ ماه چشم انتظاری، بار خود را بر زمین می‌گذارد؛ باری که بنا به فرموده قرآن کریم، ۹ ماه با مشقت، آن را حمل کرده است: «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَ وَضَعَتْهُ كُرْهًا؛ مادر با رنج و زحمت بار حمل او کشید و باز با درد و مشقّت وضع حمل نمود.» (احقاف / ۱۵)

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در روایتی طولانی، در مورد ثواب بارداری و زایمان می‌فرماید: زمانی که زنی باردار می‌شود به منزله روزه دارو مجاهد فی سبیل الله است و زمانی که حمل خود را به دنیا می‌آورد، برای او اجری است که عظمت و بزرگی آن قابل درک نیست.

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: ...إِذَا حَمَلَتِ الْمَرْأَةُ - كَانَتْ بِمَنْزِلَةِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ - الْمُجَاهِدِ بِنَفْسِهِ وَ مَالِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ - فَإِذَا وَضَعَتْ كَانَ لَهَا مِنَ الْأَجْرِ مَا لَا تَدْرِي مَا هُوَ لِعَظَمِهِ فَإِذَا أَرْضَعَتْ كَانَ لَهَا بِكُلِّ مَصَّةٍ...»^۱

برنامه معنوی برای زایمان آسان

برای آسان شدن زایمان قبل از همه چیز باید مادر از نظر روانی آمادگی داشته باشد. حمایت روانی مادر از جانب همسر و اطرافیان برای زایمان آسان مؤثر است. همچنین انجام ورزش‌های مناسب دوران بارداری از جمله شنا و

^۱. اصفهانی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص: ۱۰۶

پیااده روی که با مشورت پزشک صورت می‌گیرد، به زایمان آسان کمک می‌کند؛ همچنین امیر المؤمنین علیه السلام برای آسان شدن زایمان می‌فرماید:

« من دو آیه از کتاب منزل خداوند می‌شناسم که وقتی وضع حمل زن مشکل شد، برایش در پوست آهوئی نوشته می‌شود و آن را بر کمرش می‌بندد: "بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا، إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا" (هفت مرتبه). يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُم، إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ، يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَ تَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَ تَرَى النَّاسَ سُكَارَى وَ مَا هُمْ بِسُكَارَى وَ لَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ" (یک مرتبه)»

این دو آیه بر ورقه‌ای نوشته می‌شود و با نخ‌ی از کتان نتابیده بر ران چپ او بسته می‌شود. وقتی فرزندش را به دنیا آورد همان ساعت آن را باز کن و در این کار سستی مکن.

و نیز نوشته می‌شود: "حیّ ولدت مریم و مریم ولدت حیّ، یا حیّ اهبط الی الارض السّاعة باذن الله تعالی" ^۱.

این دعا یا به ضمیمه دو آیه قبل است یا دعا مستقلی است که برای سختی وضع حمل می‌نویسند و ظاهر کلام حضرت این است که این دعا مستقل باشد.

در تفسیر البرهان به نقل از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمده است که اگر سوره انشقاق را بنویسید و زنی که زایمان برای او سخت است، آن را همراه داشته باشد و یا این سوره را بخواند، فرزندش به آسانی و به سرعت به دنیا می‌آید.

^۱. هلالی، سلیم بن قیس، أسرار آل محمد علیهم السلام / ترجمه کتاب سلیم، ص:

«و قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: من أدمن قراءتها أعاده الله أن يعطيه كتابه من وراء ظهره، وإن كتبت و وضعت على المتعسرة ولدت عاجلا سريعا، وإن قرئت عليها كانت سريعة الولادة».^۱

زایمان، شکوه خلقت

بالاخره نه ماه انتظار به پایان رسید؛ فرشته‌ای کوچک قدم به این جهان گذاشت، با هزاران امید و آرزو که برایش دارید. اکنون او به سان غنچه‌ای نوشکفته در دستان شماست؛ عطیه‌ای الهی که باید با تربیت نیکو و شایسته شما،

^۱. بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۶۱۶

آینده‌ای روشن برایش رقم بخورد و باقیات صالحاتی باشد که حتی بعد از مرگ به وجودش مباحثات کنید.

پس از همان روز نخست باید به خدا توکل کرد و با توسل به اهل بیت علیهم السلام، توفیق تربیت شایسته‌اش را خدا خواست.

این فرشته کوچک هدیه ارزشمندی است که با هیچ‌کدام از نعمت‌های این دنیا قابل مقایسه نیست. مگر نه این است که پیامبر فرمودند: «اگر زن حامله شود، به سان روزه دار شب زنده‌داری است که با جان و مال خود در راه خدا جهاد می‌کند و چون زایمان کند، پاداشی دارد که از بس بزرگ است، نمی‌داند آن پاداش چیست. و چون شیر می‌دهد در برابر هر مکیدن برای او مشابه یک آزاد سازی از فرزندان اسماعیل است و چون از شیر دادن فارغ گردد، فرشته‌ای بر پهلوی او

می‌زند و می‌گوید از نو آغاز به کار کن که بخشیده شده-
ای.»^۱

مادر عزیز! وجود این عطیه الهی را که قبل از آمدنش برای
شما مغفرت و رحمت به ارمغان آورده است، غنیمت شمار و
با محبت، عطش جاننش را سیراب کن. این هدیه الهی که به
یمن وجودش، توفیق مادر شدن یافتی، خیر و برکتی منحصر
به فرد برای شما و خانواده به ارمغان آورده است. شما نیز او
را هدیه‌ای منحصر به فرد بدان و شکر این نعمت را با تلاش
بیشتر در جهت تربیت دینی او به جا آور. او امانتی ارزشمند
در دست شماست؛ آن‌گونه تربیتش کن که شایسته پذیرش
امانت بی‌بدیل الهی باشد، امانتی بزرگ از جنس خلیفه
الهی.

^۱. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۵۱

در بیشتر موارد زنان هنگام زایمان و یا حتی کمی قبل از آن دچار خونریزی می‌شوند و این خون تا مدت‌ها، گاهی حدود یک ماه یا بیشتر ادامه پیدا می‌کند. قبلاً گذشت که خون قبل از زایمان و یا حتی هم‌زمان با درد زایمان، نفاس نیست و از زمانی که جزیی از بچه خارج می‌شود، نفاس آغاز خواهد شد؛ اما درباره این‌که اگر خون بعد از زایمان ادامه پیدا کند، پرسش‌هایی مطرح است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱. خونی که زن در هنگام زایمان یا بعد از آن می‌بیند، چه حکمی دارد؟

۲. اگر خون بعد از زایمان زود قطع شود و یا ادامه پیدا کند، در تعداد روزهای نفاس تاثیری دارد؟

۳. حداکثر ایام نفاس چند روز است و آیا در محاسبه این ایام فرقی بین زنان صاحب عادت و غیر آنها وجود دارد؟

۴. اگر صاحب عادت عددیه بداند خونس از ده روز تجاوز می‌کند، چه وظیفه‌ای دارد؟

۵. اگر در بین ایام نفاس زن مدتی را پاک باشد، این پاکی چه حکمی دارد؟
۶. آیا در نفاس بودن خون پس از زایمان، فرقی بین زایمان طبیعی و سزارین وجود دارد؟
۷. اگر جنین در ماههای اولیه بارداری سقط شود، آیا خون پس از سقط، نفاس است؟
۸. اگر جنینی به صورت قطعه قطعه خارج شود و خارج شدن کامل این جنین مدتها طول بکشد و زن کل این مدت خونریزی داشته باشد، خونها چه حکمی دارند؟
۹. در ایام نفاس انجام چه کارهایی بر زن حرام است؟
۱۰. بعد از گذشت حداکثر ایام نفاس، خونها چه حکمی دارند؟ آیا می تواند آنها را حیض قرار دهد یا این که وظیفه دیگری دارد؟
۱۱. استحاضه بر چند قسم است و با چه ملاکی می توان اقسام استحاضه را تشخیص داد؟

۱۲. زن‌ها در هر کدام از اقسام استحاضه چه وظایفی دارند؟ چه کنند تا نمازشان صحیح باشد؟

۱۳. در صورتی که خون بعد از زایمان، یک ماه یا بیشتر ادامه پیدا کند، زن چه روزهایی را می‌تواند حیض قرار دهد؟
۱۴. آیا در حیض بعد از زایمان بین زن صاحب عادت

وقتی و غیر وقتی تفاوتی هست؟

۱۵. اگر خون بعد از نفاس فاقد اوصاف حیض باشد، آیا ممکن است حکم حیض پیدا کند؟

۱۶. آیا در چهلمین روز بعد از زایمان، غسل خاصی بر زن واجب است؟

۱۷. آیا غسل دادن نوزاد در روز هفتم یا چهارم یا هر روز دیگری وجوب دارد؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها و پرسش‌های دیگر در مطالب ذیل همراه ما باشید.

گفتار دوم: احکام فقهی زایمان

محاسبه نفاس

اگر هم‌زمان با درد زایمان، زن دچار خون‌ریزی یا لکه‌بینی شود، این خون حکم نفاس را ندارد. اگر این وضعیت در وقت نماز باشد، بر زن لازم است تا حد امکان طهارت مناسب حالتش را کسب کند و نمازش را بخواند و اگر به هر دلیلی نماز نخواند، قضای این نماز بر او واجب است.

از لحظه‌ای که اولین جزء بچه خارج می‌شود، خون نفاس است؛ ولی محاسبه ایام نفاس از زمان خارج شدن کامل بچه است. البته آیت‌الله مکارم شیرازی این حکم را در جایی می‌دانند که بین خروج اولین جزء و خارج شدن کامل بچه، مدت‌زمان طولانی فاصله نشود که در معمول زایمان‌ها هم

به همین صورت است؛ اما اگر این زمان طولانی شود، ایشان
 قائل به احتیاط هستند که تفصیل آن در بحث خروج تکه-
 تکه اجزاء جنین گذشت. (آدرس در پیوست شماره ۳۸)

۱. مقدار نفاس در عدم تجاوز خون از ۱۰ روز

اگر خون نفاس بیش از ۱۰ روز طول نکشد؛ یعنی قبل از
 اتمام ده روز یا روز دهم بعد از زایمان، زن از خون پاک
 شود، در این صورت همه خون‌ها نفاس است؛ چه افرادی که
 عادت مشخصی ندارند؛ مثل مضطربه و ناسیه و چه صاحب
 عادت وقتی یا عددیه؛ البته آیت‌الله سیستانی در خصوص
 صاحب عادت عددیه‌ای که خون‌ریزی‌اش بیش‌تر از عدد
 عادت طول کشیده؛ ولی از روز دهم بیش‌تر نشده، می-
 فرمایند: تا عدد عادت نفاس است و به احتیاط واجب در

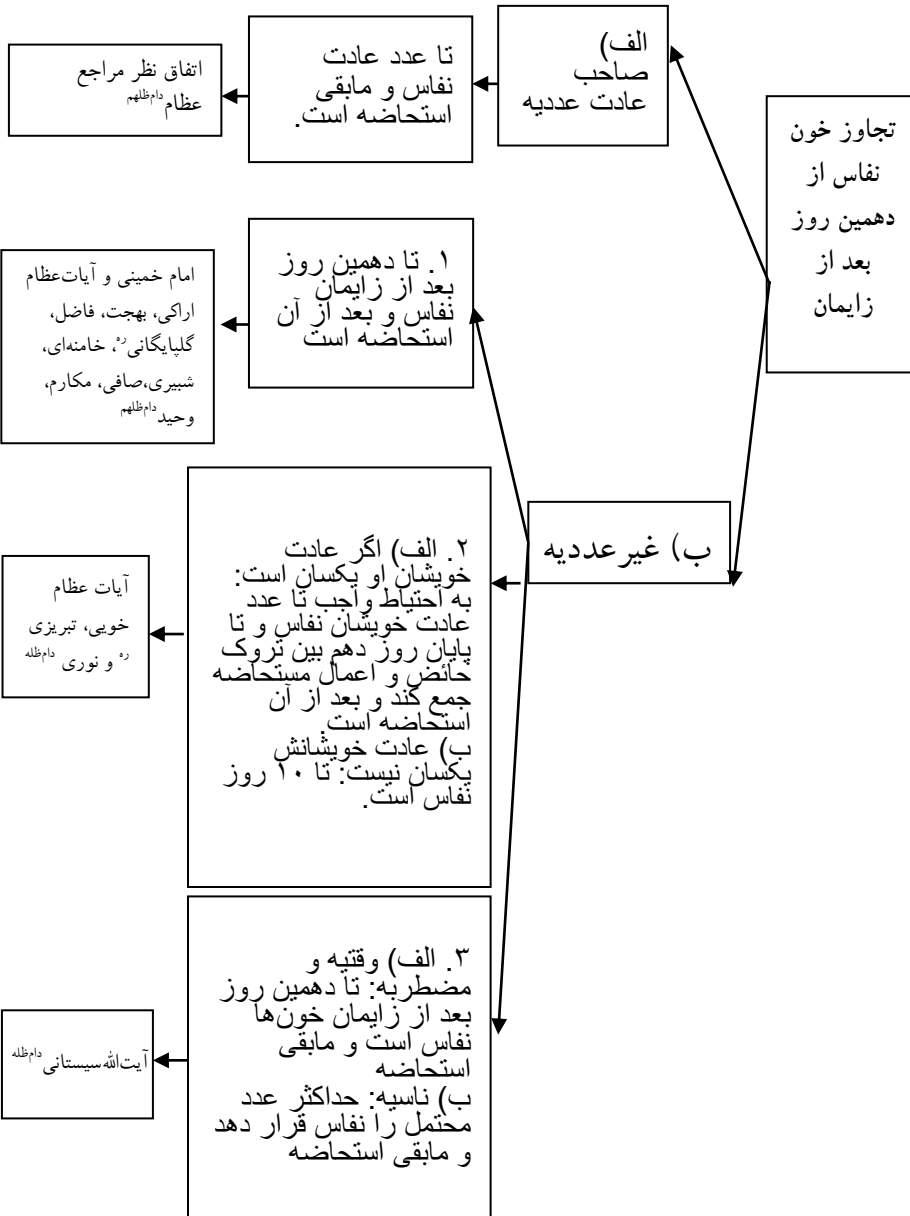
روزهای بعد بین تروک نفساء (که همان محرّمات حائض است) و اعمال مستحاضه جمع کند. (آدرس در پیوست

شماره ۳۹)

۲. مقدار نفاس در تجاوز خون از ۱۰ روز

اگر خون نفاس بیش‌تر از ده روز طول بکشد در این صورت فقها بین صاحب عادت عددیه و غیر او تفاوت قائلند.

(آدرس در پیوست شماره ۴۰)



وظیفه فعلی زن در تجاوز خون نفاس از عدد عادت

در مباحث قبلی معلوم شد اگر صاحب عادت عددیه بیش تر از ۱۰ روز خون ببیند، فقط به تعداد عدد عادتش نفاس است.

اکنون این پرسش مطرح می شود که صاحب عادت عددیه اگر به تعداد عدد عادت خون دید و پاک نشد، از هم اکنون (قبل از روز دهم) غسل کند و نماز بخواند یا این که تا روز دهم صبر کند؟ اگر از ۱۰ روز گذشت غسل کند و عبادات روزهای قبلی را که بیش از عدد عادت بوده، قضا نماید؟

در پاسخ باید دو صورت از هم تفکیک شود:

الف) صاحب عادت می داند که خون او از ده روز تجاوز می کند، در چنین صورتی نباید تا روز دهم منتظر بماند؛ بلکه

لازم است تا روز عدد خود را نفاس قرار دهد و بعد از آن غسل کرده، نماز بخواند.

ب) شک دارد قبل از ده روز پاک می شود یا خورش از ده روز تجاوز می کند، در این صورت اکثر فقها حکم به ترک عبادت در یک تا دو روز بعد از عادت می دهند و پس از آن نظرات متفاوت است. (آدرس در پیوست شماره ۴۱)

۱. به احتیاط مستحب یک یا دو روز بعد از عادت ترک عبادت کند و بعد از آن تا روز دهم می تواند ترک عبادت کند یا کارهای مستحاضه را انجام دهد. (امام خمینی^{ره}، آیات عظام سیستانی و نوری^{دام ظلّه}). از نظر آیت الله سیستانی، احتیاط مستحب یک روز است.



۲. به احتیاط واجب یک روز بعد از عادت، ترک عبادت کند و تا روز دهم مخیر است بین ترک عبادت یا انجام کارهای مستحاضه. (آیت الله وحید خراسانی ^{دام ظلّه})

۳. باید یک روز بعد از عادت، ترک عبادت کند و تا روز دهم ترک عبادت خوب است. (آیت الله اراکی ^{ره})

۴. باید یک روز ترک عبادت کند و بعد از آن تا روز دهم ترک عبادت جایز است. (آیات عظام تبریزی و خویی ^{ره})

۵. به احتیاط تا دو روز ترک عبادت کند و بعد از آن تا روز دهم بین تروک حائض و اعمال مستحاضه جمع کند. (آیات عظام گلپایگانی ^{ره} و صافی ^{دام ظلّه})

۶. به احتیاط مستحب تا روز دهم ترک عبادت کند. (آیت - الله شبیری زنجانی ^{دام ظلّه})

۷. به احتیاط واجب تا روز دهم ترک عبادت کند. (آیت الله

مکارم شیرازی دام ظلّه)

۸. به احتیاط واجب تا روز دهم بین تروک حائض و اعمال

مستحاضه جمع کند. (آیت الله فاضل °)

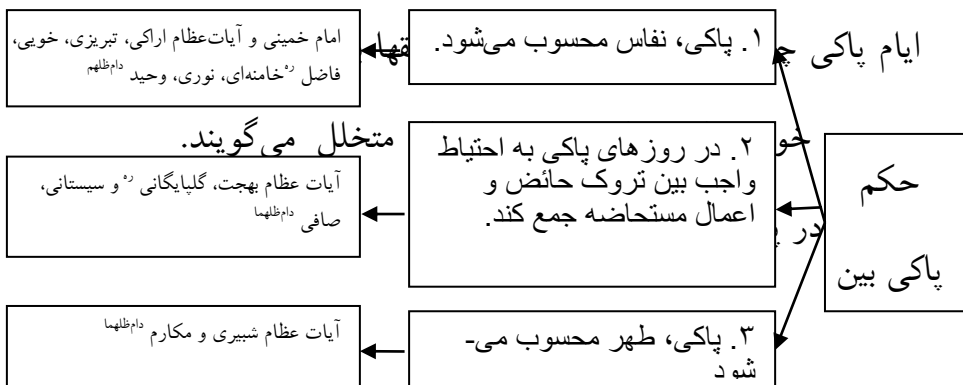
حکم پاکی در بین خون های نفاس

اگر در بین خون ریزی، زن مدتی را پاک باشد، به عنوان

مثال بعد از زایمان چند روز خون دیده بعد یکی دو روز

پاک بوده و مجدداً خون دیده و این خون دوم هم ادامه

نفاس اوست؛ یعنی هنوز از شروع زایمانش ده روز نگذشته،





باید توجه داشت این حکم در مورد پاکی بین دو خونی است که هر دو نفاس محسوب می شود؛ اما اگر پاکی، سابق بر خون نفاس باشد؛ یعنی زن هنگام زایمان پاک باشد و خونریزی اش بعد از آن (گذشت چند ساعت یا چند روز) شروع شود، این پاکی حکم نفاس را ندارد و از نظر همه فقها طهر محسوب می شود.

همچنین اگر پاکی در انتهای نفاس باشد؛ مثلاً بعد از زایمان کم‌تر از ۱۰ روز خون ببیند، چند روز پاک باشد و بعد از گذشت دهمین روز بعد از زایمان مجدداً خون ببیند، با توجه به این‌که خون واقع در دهه دوم استحاضه است، پاکی نقاء متخلل محسوب نمی‌شود و به نظر همه فقها طهر است.

خون بعد از سزارین

اگر زنی سزارین شود و با عمل جراحی بچه خارج شود خونی که از رحم زن خارج می‌شود، به نظر اکثر مراجع نفاس است؛ به جز آیت الله وحید که می‌فرمایند: بنابر احتیاط واجب، کارهایی که بر نفساء حرام است، ترک نماید و عباداتش را با وظایف مستحاضه به‌جا آورد و همچنین آیت‌الله تبریزی که این خون را نفاس نمی‌دانند و می‌فرماید:

اگر خون شرایط حیض را دارد و واجد صفات است یا در وقت عادت زن است حیض است. (آدرس در پیوست شماره

۴۳)

نفاس جنینی که تکه تکه خارج می شود

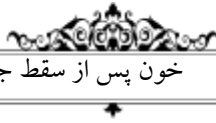
گاهی جنین به صورت تکه تکه سقط می شود. یعنی جزئی از آن خارج می شود و بعد از گذشت چند روز، جزء دیگری خارج می شود و یا مثلاً جنین سقط شده، بعد از مدتی با سونوگرافی معلوم می شود، اجزایی از جنین در رحم باقی مانده و با کورتاژ خروج کامل صورت می گیرد. پرسش این است که در چنین فرضی، اگر زن خونریزی داشته باشد،



آیا کل مدت نفاس است، حتی اگر یک ماه طول بکشد یا حکم دیگری دارد؟

پاسخ مراجع به این پرسش: (آدرس در پیوست شماره ۴۴)

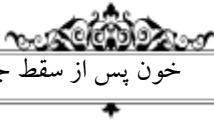
۱. خون هم‌زمان با خروج اولین جزء، نفاس است؛ اما محاسبه بعد از انفصال کامل آغاز می‌شود؛ بنابراین اگر بین خروج جزء اول و انفصال کامل حتی بیش از ۱۰ روز فاصله شود، کل مدت نفاس است؛ چه خون‌ریزی داشته باشد و چه پاک باشد؛ مگر این‌که بین دو خون ۱۰ روز یا بیش‌تر پاک باشد که در این صورت این پاکی‌ها نفاس نیست و زن طاهر محسوب می‌شود. (امام خمینی و آیات عظام اراکی، فاضل^{ره} و خامنه‌ای، نوری دام‌ظلهما)



۲. همان نظر امام، تنها با این تفاوت که اگر بین دو خون کم‌تر از ۱۰ روز پاک باشد، به احتیاط واجب بین تروک حائض و اعمال مستحاضه جمع کند. (آیات عظام بهجت و گلیایگانی^(۵))

۳. هر جزیبی نفاس مستقل دارد؛ بنابراین بعد از خروج هر جزء، حداکثر تا ۱۰ روز خون‌ها نفاس است و اگر بین خروج دو جزء، بیش از ۱۰ روز فاصله باشد، حداکثر تا ۱۰ روز نفاس جزء اول است و بعد از آن نفاس نیست، تا جزء بعدی خارج شود. (آیت‌الله خویی^(۶))

۴. مانند نظر آقای خویی است، با این تفاوت که، در صورتی خون بعد از خروج یک جزء نفاس محسوب می‌شود که آن جزء غیرقابل اعتنا (مثل انگشت) نباشد و اگر قبل از گذشت



۱۰ روز از خروج یک جزء، بین خون‌ریزی روزهایی را پاک باشد، به احتیاط واجب بین تروک حائض و اعمال مستحاضه جمع کند. (آیت‌الله سیستانی^{دام‌ظله})

۵. بعد از خروج جزء اول حداکثر تا ۱۰ روز، خون‌ها نفاس است و پس از آن تا دهمین روز بعد از انفصال کامل (خروج کامل اجزاء) در روزهای خون‌ریزی بین تروک حائض و اعمال مستحاضه جمع کند و روزهای پاکی در هر صورت طهر است. (آیت‌الله مکارم شیرازی^{دام‌ظله})



۶. هر جزئی نفاس مستقل دارد و بعد از خروج هر جزء، حداکثر تا ده روز خون‌ها نفاس است (البته عددیه در صورت تجاوز خون از ده روز، به تعداد عدد عادت نفاس قرار می‌دهد) و پاکی بین خون‌ها همواره طهر محسوب می‌شود. (آیت الله شبیری زنجان‌ی (دام‌ظله))

۷. از خروج جزء اول تا حداکثر نفاسِ آخرین جزء، بنابر احتیاط بین تروک نفساء و اعمال مستحاضه جمع کند؛ در ایام پاکی نیز بنابر احتیاط بین تروک نفساء و اعمال زن طاهر جمع کند؛ مگر این‌که بیشتر از ده روز پاک باشد که در این صورت طاهر محسوب می‌شود. (آیت الله وحید خراسانی (دام‌ظله))

خون پس از سقط جنین در ماه‌های اول بارداری

خونی که زن بعد از زایمان می‌بیند نفاس است؛ هم‌چنین اگر جنینی که خلقتش کامل شده سقط شود و زن خونی ببیند، آن خون نفاس است. حال پرسش این است که اگر جنینی در مراحل اولیه رشد و قبل از کامل شدن خلقت، سقط شود، آیا خونی که زن می‌بیند نفاس محسوب می‌شود یا خیر؟ به عبارت دیگر، آیا برای نفاس بودن خون، لازم است خلقت بچه کامل باشد یا چنین شرطی معتبر نیست. نظر فقها در این موضوع به این شرح است: (آدرس در پیوست شماره ۴۵)

۱. لازم نیست خلقت بچه تمام باشد؛ بلکه اگر خون بسته‌ای از رحم زن خارج شود و معلوم باشد اگر در رحم می‌ماند، انسان می‌شد، خون بعد از آن نفاس است. (امام خمینی و آیات عظام اراکی، بهجت، فاضل^ه و خامنه‌ای، صافی، نوری دام‌ظلم)



۲. در صورتی که از نظر عرف صدق زاییدن می‌کند، خون نفاس است. (آیات عظام تبریزی، خویی^۲ و شبیری و وحید دام‌ظلهما)

و اگر صدق زاییدن نمی‌کند حکم به نفاس مشکل است. (آیت‌الله خویی^۳)

و اگر صدق زاییدن نمی‌کند یا شک داریم زائیدن صدق می‌کند یا خیر محکوم به نفاس نیست. (آیت‌الله وحید دام‌ظله)

۳. در خون بعد از سقط نطفه، علقه یا مضغه باید احتیاط کند به جمع بین تروک حائض و اعمال مستحاضه. (آیت‌الله مکارم دام‌ظله)

۴. خون بعد از سقط علقه و مضغه، نفاس نیست. (آیت‌الله سیستانی دام‌ظله)

محرمات زن نفساء

زن نفساء از جهت محرمات، مانند زن حائض است؛ بنابراین تمام کارهایی که انجام آن‌ها بر حائض حرام است، در ایام نفاس نیز حرام است. این کارها عبارتند از:

۱. عبادت‌هایی که مشروط به طهارت هستند؛ از جمله نماز، روزه، طواف و اعتکاف؛
 ۲. مسّ آیات قرآن و اسماء متبرکّه؛
 ۳. دخول در مسجدالحرام و توقف در سایر مساجد؛
 ۴. خواندن سوره‌های سجده دار؛
- تلاوت تمام آیات این سوره حرام است. (آیات عظام: امام ره، بهجت، فاضل و نوری دام ظلّهم)



– فقط تلاوت آیه سجده‌دار حرام است. (آیات عظام:

شبی‌ری و وحید دام‌ظلم)

– تلاوت آیه سجده‌دار به فتوی‌های سایر مراجع، بنابر احتیاط

واجب حرام است. (آیات عظام: تبریزی، خوئی، گلپایگانی

رحمهم الله، خامنه‌ای، سیستانی، صافی و مکارم دام‌ظلم)

همچنین طلاق، در حال نفاس باطل می‌باشد. (آدرس در

پیوست شماره ۴۶)

استمرار خون بعد از زایمان تا یک ماه

اکثر زن‌ها بعد از زایمان، مدتی نسبتاً طولانی، خون می‌بینند. باید توجه داشت کل این خون‌ها نفاس نیست؛ بلکه همان‌طور که پیش از این گذشت، اگر زن صاحب عددیه بوده، به مقدار عدد عادتش نفاس است و اگر غیر عددیه بوده، به نظر مشهور تا ده روز نفاس است.

حکم خون در دهه اول بعد از نفاس

از پایان نفاس تا ده روز (تقریباً دهه دوم بعد از زایمان) قطعاً خون‌ها استحاضه است؛ حتی اگر در ایام عادت زن باشد و واجد صفات حیض باشد. (احکام استحاضه در مباحث بعدی خواهد آمد)

اقسام استحاضه

با توجه به مباحث قبلی معلوم شد بعد از پایان نفاس تا ده روز قطعاً خون‌ها استحاضه است و بعد از آن نیز ممکن است خون استحاضه باشد؛ بنابراین لازم است اقسام استحاضه و احکام آن بیان شود.

از نظر اکثر فقها استحاضه به سه قسم قلیله، متوسطه و کثیره تقسیم می‌شود و آیت‌الله مکارم شیرازی استحاضه را به دو قسم قلیله و کثیره تقسیم کرده‌اند.

نحوه تشخیص نوع استحاضه

برای تشخیص نوع استحاضه، لازم است زن پنبه‌ای را در ابتدای فرج (واژن) قرار دهد و کمی صبر کند (به اندازه یک ریزش خون) بعد با توجه به این‌که خون چه مقدار در پنبه

نفوذ داشته است، حکم استحاضه معلوم می‌شود. لازم به ذکر است با نوار بهداشتی نمی‌توان نوع استحاضه را تشخیص داد.

اکثر مراجع، استحاضه را به سه قسم قلیله، متوسطه و کثیره تقسیم می‌کنند و اقسام استحاضه را به این صورت تعریف می‌کنند: (آدرس در پیوست شماره ۴۷)

تعریف
استحاضه
قليله

۱. استحاضه قلیله آن است که خون فقط روی پنبه‌ای را که زن داخل فرج می‌گذارد، آلوده کند و در آن فرو نرود.

آیات عظام اراکی^۱، بهجت^۲، تبریزی^۳، خویی^۴، گلپایگانی^۵، فاضل^۶، سیستانی، شبیری، صافی، وحید دام‌ظلم

۲. استحاضه قلیله آن است که خون پنبه‌ای را که زن داخل فرج می‌گذارد آلوده کند؛ اما از طرف دیگر پنبه ظاهر نشود

آیات عظام امام خمینی^۱، خامنه‌ای، نوری همدانی دام‌ظلم

۳. استحاضه قلیله آن است که خون پنبه را که زن داخل فرج می‌گذارد آلوده کند (خواه در پنبه فرو رود یا خیر) ولی به پارچه زیر آن نرسد.

آیت‌الله مکارم شیرازی دام‌ظلم

۱. استحاضه متوسطه آن است که خون در پنبه فرو رود اما به دستمال زیر آن نرسد.

آیات عظام: تبریزی^۱، خویی^۲، فاضل^۳، سیستان، صافی، وحید دام‌ظلم

تعریف
استحاضه
ضه

۲. خون در پنبه نفوذ کند و از پشت آن ظاهر شود اما به پارچه زیر پنبه نرسد.

امام خمینی^{ره}، خامنه‌ای
دام‌ظله

آیات عظام اراکی،
بهجت، نوری دام‌ظله

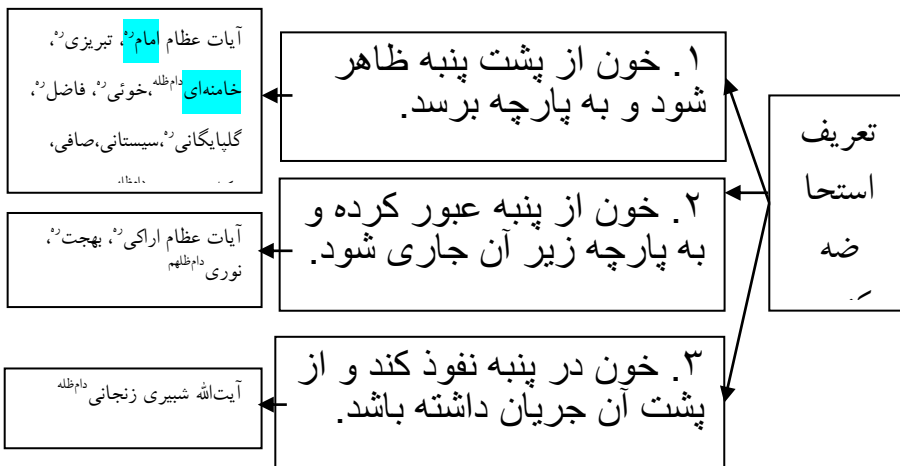
آیت‌الله شبیری دام‌ظله

۳. خون در پنبه نفوذ کند و از پشت آن ظاهر شود
اما به زیر پنبه جاری نشود.

۴. خون در پنبه نفوذ کند اما از پشت آن جریان
نداشته باشد. خواه از پشت پنبه ظاهر شود و به
دستمال برسد، خواه نرسد.

نکته: آیت‌الله مکارم شیرازی استحاضه متوسطه را در حکم

قلیله می‌دانند.



وظیفه مستحاضه برای نماز

همان‌طور که معلوم شد انجام عبادات بر مستحاضه واجب است و اگر مستحاضه به وظایف خودش عمل کند، عباداتی که در این ایام به جا می‌آورد، صحیح است و بعد از پاک شدن نیاز به قضا ندارد.

وظایف مستحاضه قلیله

مستحاضه قلیله لازم است برای هر نماز این وظایف را

انجام دهد: (آدرس در پیوست شماره ۴۸)

۱. تطهیر ظاهر فرج، اگر آلوده شده باشد؛

۲. تطهیر یا تعویض پنبه‌ای که در ابتدای واژن برای

جلوگیری از خروج خون قرار می‌دهد؛

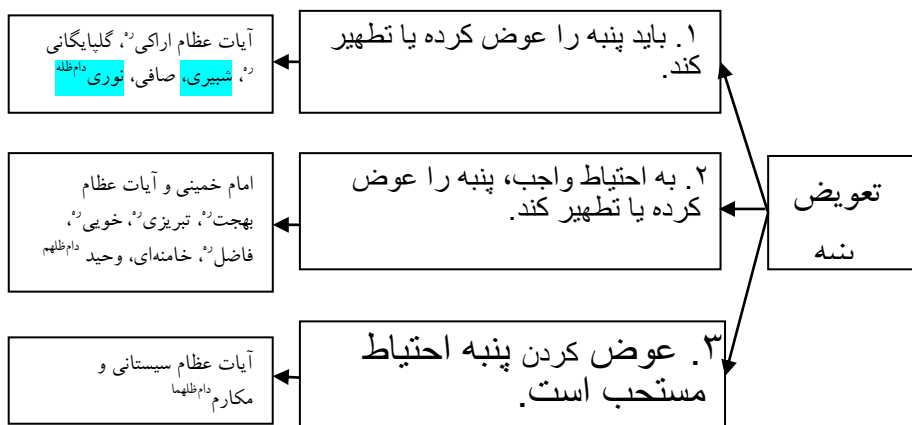
۳. وضو برای هر نماز.

نسبت به تطهیر ظاهر فرج بین فقها اختلافی وجود ندارد و

همه می‌فرمایند: اگر ظاهر فرج آلوده شده، باید آن را تطهیر

کند.

در مورد تطهیر یا تعویض پنبه، اقوال فقها به این شرح است:



در مورد وضو همه مراجع قائلند، باید برای هر نماز یک وضو بگیرد؛ بنابراین با وضوی نماز ظهر نمی‌تواند نماز عصر را بخواند و باید وضوی جدایی بگیرد.

و آیت‌الله مکارم می‌فرمایند برای هر نماز یک وضو بگیرد؛ اما اگر بین نماز ظهر و عصر یا مغرب و عشاء فاصله نیندازد، تکرار وضو برای نماز عصر و عشاء لازم نیست.

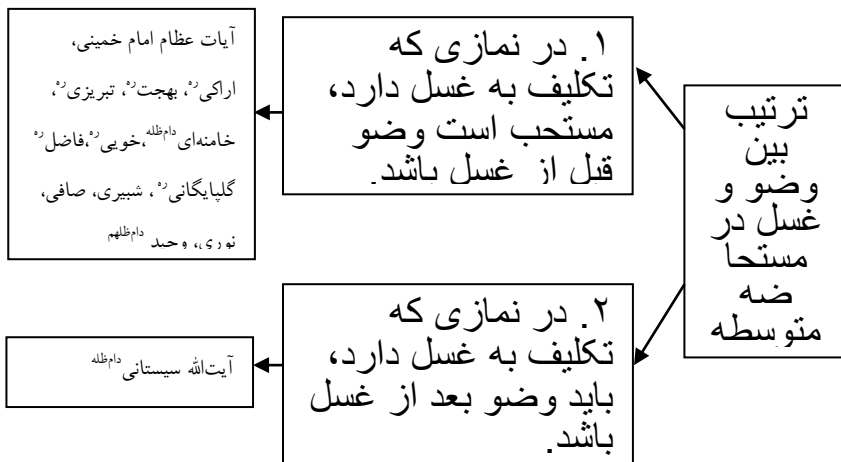
وظایف مستحاضه متوسطه

مستحاضه متوسطه علاوه بر انجام اعمال مستحاضه قلیله (تطهیر ظاهر فرج، تعویض پنبه و وضو برای هر نماز) لازم است برای اولین نماز بعد از متوسطه شدن غسل کند و در صورت استمرار استحاضه متوسطه از فردا، هر روز برای نماز صبح غسل به جا آورد. (آدرس در پیوست شماره ۴۹)

انجام روزانه یک غسل در استحاضه متوسطه به نظر اکثر مراجع، واجب است. آیت الله سیستانی انجام غسل برای مستحاضه متوسطه را احتیاط واجب می‌داند و آیت الله شبیری انجام غسل را مستحب می‌دانند و از نظر آیت الله مکارم هم از آن جا که استحاضه متوسطه در حکم قلیله است، نیاز به غسل ندارد.

باید توجه داشت که مستحاضه متوسطه در صورت استمرار خون، لازم است روزانه یک غسل به جا آورد و این غسل در روز اول متوسطه شدن برای اولین نماز و در روزهای بعد برای نماز صبح واجب است و اگر به هر دلیلی برای نماز صبح غسل را به جا نیاورد، تکلیف غسل به نماز ظهر منتقل می‌شود و به همین ترتیب.

نکته دومی که باید به آن توجه شود این است که اگر مستحاضه متوسطه استحاضه‌اش به کثیره تبدیل شود، لازم است بعد از این تغییر غسل استحاضه به جا آورد و اگر استحاضه‌اش به قلیله تبدیل شود به نظر مشهور فقهاء بعد از این تغییر نیز لازم است غسل نماید.



وظایف مستحاضه کثیره

مستحاضه کثیره علاوه بر انجام وظایف مستحاضه قلیله، باید برای هر نماز غسل کند و البته در صورتی که بین نماز ظهر و عصر جمع کند، یک غسل برای هر دو کافی است؛ همچنین در صورت جمع بین نماز مغرب و عشاء، یک غسل برای هر دو کافی است و اگر بخواهد بین این دو نماز (ظهر

و عصر یا مغرب و عشاء) فاصله بیندازد باید برای هر کدام جداگانه غسل کند. لازم به ذکر است در صورتی که تکرار غسل‌ها برای فرد ضرر داشته باشد، به مقداری که ضرر ندارد، باید غسل کند و در مواقعی که ضرر دارد، وظیفه‌اش به تیمم منتقل می‌شود؛ یعنی باید تیمم بدل از غسل استحاضه کثیره به جا آورد. در مورد این که مستحاضه کثیره علاوه بر غسل نیاز به وضو هم دارد یا خیر، نظر مراجع متفاوت است که به تفصیل به وظایف مستحاضه کثیره از نظر

مراجع پرداخته می‌شود. (آدرس در پیوست شماره ۵۰)

۱) تطهیر ظاهر فرج اگر آلوده شده (اتفاق)

آیات و احادیث

۱. باید پنبه را عوض کند

آیات عظام اراکی، گلپایگانی ره
و شبیری زنجان، صافی -
گلپایگانی، نوری همدانی دام ظلهم

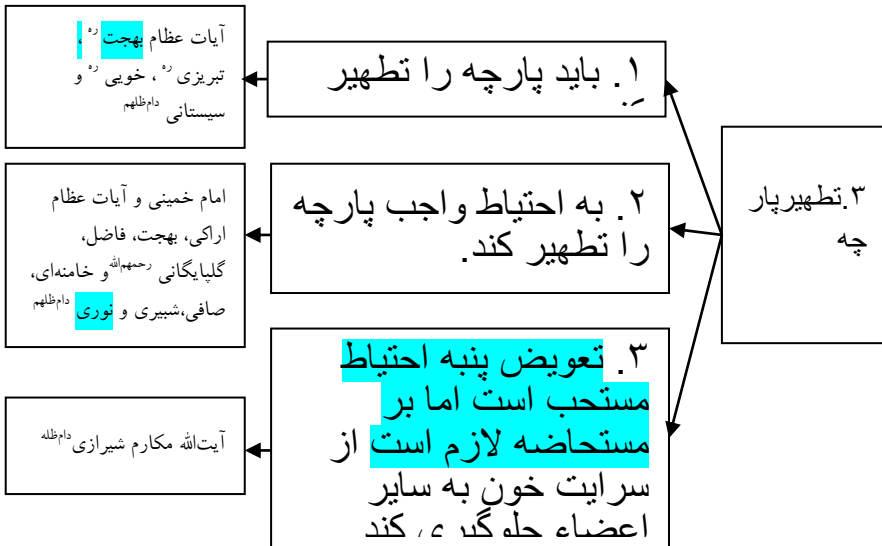
۲. به احتیاط واجب پنبه را عوض کند.

آیات عظام امام خمینی، بهجت،
تبریزی، خامنه‌ای، خویی،
فاضل رحمه الله و سیستانی،
وحید دام ظلهم

۳. تعویض پنبه احتیاط
مستحب است اما بر
مستحاضه لازم است از
سرایت خون به سایر
اجزای بدن جلوگیری کند

آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه

۲) تعویض
پنبه



۴. غسل

در صورت جمع بین
ظهرین و عشائین روزانه
سه غسل و در صورت عدم
جمع روزانه ۵ غسل

امام خمینی ر و سایرین

الف) اگر بروز خون بر
پنبه مستمر است در
صورت جمع بین ظهرین و
عشائین روزانه سه غسل و
در صورت عدم جمع
روزانه ۵ غسل

آیت الله سیستانی دام ظلّه

ب) اگر بروز خون بر پنبه
منقطع است برای نماز اول
غسل کند و بعد از آن تا
وقتی خون مجدداً بر پنبه
نیامده تکرار غسل لازم
نیست. اما اگر خون آمد (چه
در بین نماز و چه در اثناء

۵.
وضو

۱. وضو لازم نیست.

(غسل مکفی از وضو است) اگر

می‌خواهد وضو

بگیرد در مورد

ترتیب وضو و غسل
دو نظر است:

الف) باید قبل از غسل
وضو بگیرد.

ب) مخیر است قبل یا

آیات عظام تبریزی، خوبی ره و
سیستانی، نوری، وحید دام‌ظله

آیت‌الله مکارم شیرازی
دام‌ظله

۲. به احتیاط واجب
باید وضو بگیرد.

آیات عظام بهجت ره

۳. وجوب وضو محل
تأمل است به احتیاط
رجاء قبل از غسل
وضو بگیرد و برای
نماز دوم در حین
گفتن اقامه وضو
بگیرد که منافعی با

آیات عظام گلپایگانی ره و صافی دام‌ظله

۴. باید وضو بگیرد و
بهتر است قبل از
غسل باشد.

امام خمینی و آیات عظام اراکی و
فاضل رحمه‌الله، خامنه‌ای و شبیری
دام‌ظله

سایر وظایف مستحاضه

از آنجا که خون استحاضه حدث است، لازم است مستحاضه بعد از کسب طهارت بلافاصله مشغول نماز شود و بین کسب طهارتش (چه تکلیف وضو داشته باشد و چه غسل) و نماز فاصله‌ای نیندازد.

اگر به هر دلیلی مستحاضه، بین کسب طهارت و نماز فاصله بیندازد، طهارتی که کسب کرده کافی نیست و لازم است مجدداً کسب طهارت کند؛ مگر این‌که از طهارت اول تا نماز پاک باشد، یعنی خون حتی در فضای فرج هم وجود نداشته باشد.

علاوه بر این بر مستحاضه لازم است تحفظ کند؛ یعنی پنبه-ای را در ابتدای مجرای خون به گونه‌ای قرار دهد که مجرا

مسدود شده و جلوی خروج خون را بگیرد و اگر مستحاضه متوسطه یا کثیره باشد و قرار دادن پنبه برای جلوگیری از خون کافی نباشد، لازم است علاوه بر آن با پارچه‌ای خود را ببندد به نحوی که خون از او خارج نشود. اگر مستحاضه در تحفظ کوتاهی کند و به همین دلیل خون از او خارج شود، عبادتش صحیح نیست و لازم است دوباره کسب طهارت کرده و عبادت را به جا آورد.

البته لازم به ذکر است، تحفظ در صورتی بر مستحاضه واجب است که برای او ضرر نداشته باشد. اگر مستحاضه می‌داند تحفظ ضرر دارد یا خوف از ضرر دارد، تحفظ واجب نیست؛ به عنوان مثال زنی که تازه زایمان کرده و در موضع فرج بخیه دارد و می‌ترسد تحفظ کند زخم او آسیب

ببیند، تکلیف به تحفظ ندارد و کافی است از سرایت خون به بدن و لباسش جلوگیری کند.

تعیین حیض پس از نفاس

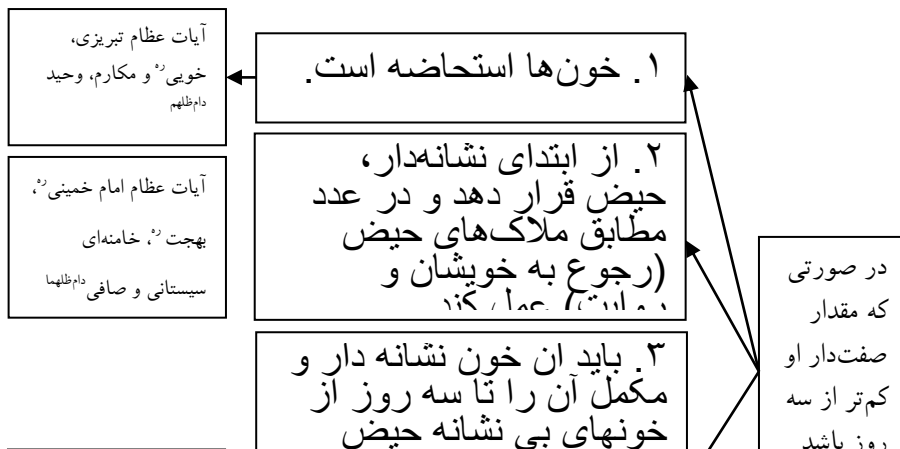
پس از سپری شدن ده روز استحاضه، می‌تواند حیض ببیند که البته با توجه به اینکه زن صاحب عادت وقتی است یا خیر، و همچنین خون‌ها واجد صفات است یا نه، حکم این مدت معلوم می‌شود.

تعیین حیض بعد از نفاس در غیر صاحب عادت وقتی

اگر زن صاحب عادت وقتی نباشد، باید به صفات حیض مراجعه کند. اگر خون‌ها واجد صفات حیض است، حیض قرار می‌دهد؛ البته مشروط به این که مقدار صفت‌دار بین سه تا ۱۰ روز باشد و اگر همه خون‌ها فاقد صفات حیض است، استحاضه است؛ طبق نظر همه مراجع همین حکم است؛ البته آیت‌الله سیستانی در این مورد می‌فرماید: اگر عادت وقتی

ندارد، باید حیض خود را چنانچه ممکن است با نشانه‌های آن تعیین کند و اگر ممکن نیست؛ مثل آن‌که همه خونی را که می‌بیند یکسان باشد و یک ماه یا چند ماه به همین صفت ادامه پیدا کند، باید در هر ماه، عدد عادت بعضی از خویشاوندان خود را برای خویش حیض قرار دهد و اگر این امر هم ممکن نیست، عددی را که مناسب خود می‌داند، انتخاب نماید (با توضیحی که در فصل حیض بیان شده).

(آدرس در پیوست شماره ۵۲)



←

←

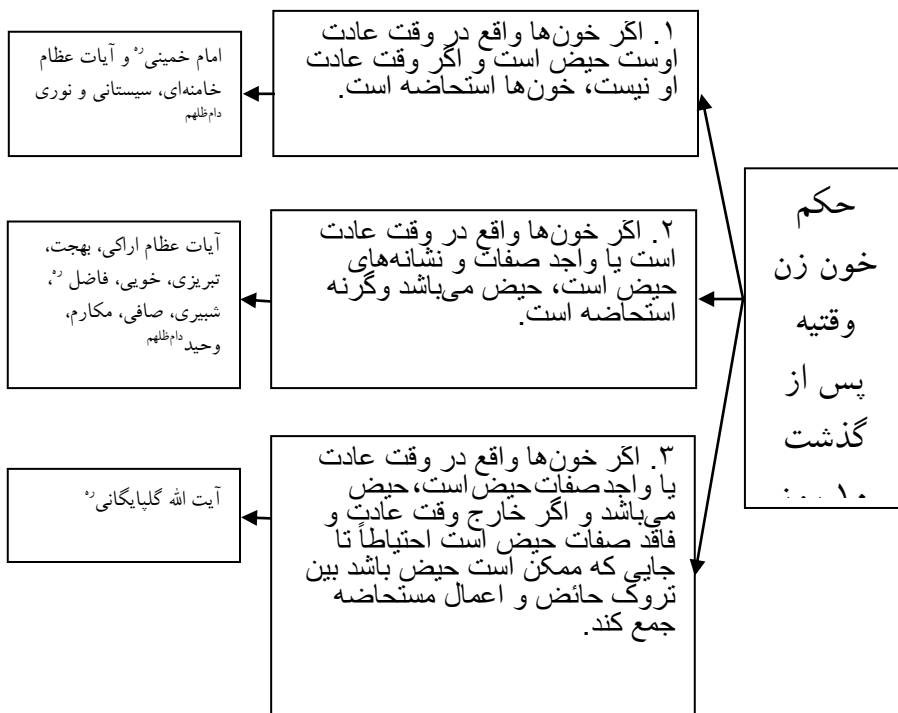
باید توجه داشت حکم بیان شده (این که به تعداد روزهای
صفت دار حیض قرار دهد) در مورد غیر عددیه است. زنی که
صاحب عادت عددیه است، در صورتی که دهه سوم قسمتی
از خونهایش واجد صفات حیض باشد، باید از ابتدای
صفت دار به تعداد عادتش حیض قرار دهد. البته آیات عظام

تبریزی و خویی در بحث تجاوز خون عددیه از ۱۰ روز در صورتی که مقدار صفت دار کمتر از ۱۰ روز باشد، قائل اند باید به مقدار صفت دار حیض قرار دهد؛ هر چند کم تر یا بیش تر از عدد عادت باشد و اگر مقدار صفت دار بیش از ۱۰ روز است، به تعداد عدد عادت حیض قرار دهد و همچنین آیت الله وحید می فرمایند: اگر عددیه بیش از ۱۰ روز خون ببیند و مقدار صفت دارش کمتر یا بیشتر از عدد عادت باشد، در تفاوت بین عدد عادت و خون صفت دار به احتیاط واجب بین تروک حائض و اعمال مستحاضه جمع

کند. (آدرس در پیوست شماره ۵۳)

تعیین حیض بعد از نفاس در صاحب عادت وقتیه

(آدرس در پیوست شماره ۵۱)



عدم لزوم غسل در روز چهارم

برخی از زنان بعد از نفاس از خون پاک نمی‌شوند و

آلودگی‌شان تا یک ماه و بیش‌تر ادامه دارد، گاهی تصور

می‌شود روز چهارم زن باید غسل خاصی بکند. با توجه به
مباحث قبلی معلوم شد بیش‌تر این خون‌ها استحاضه است و
روز چهارم غسل خاصی ندارد. اگر ایامی به عنوان حیض
محسوب شود باید بعد از آن غسل حیض کند. خون‌های
دیگر که استحاضه است؛ در صورت متوسطه یا کثیره بودن
باید غسل استحاضه کند. در هر حال اگر شک در انجام
وظیفه خود دارد، خوب است بعد از پاک شدن به نیت
مافی‌الذمه غسل کند.

گفتار سوم

واجبات و مستحبات بعد از تولد فرزند

در میان آیات و روایات، دستورالعمل‌های بسیاری برای تربیت فرزند وارد شده است. رعایت برخی از این امور واجب و برخی مستحب است که در ادامه به مواردی اشاره می‌شود.

واجب

الف: ختنه کردن

ختنه به معنای بریدن قسمتی از پوست آلت تناسلی، و از امور واجب است. ختنه پسر با بریدن پوست غلاف گونه پوشاننده سر آلت، در حدّی که حشفه آشکار گردد و ختنه دختر (خفص) با بریدن مقداری از پوست تاج گونه قسمت بالای مخرج بول محقق می‌شود.^{۷۳}

بر پسری که قبل از بلوغ ختنه نشده، پس از بلوغ ختنه واجب است؛ چنان که بر کافر تازه مسلمان ختنه واجب می‌باشد؛ لیکن بنابر قول مشهور، ختنه کردن کودک بر ولیّ او واجب نیست؛ امّا ختنه کردن نوزاد در هفتمین روز ولادت مستحب است. ختنه از نوزادی که ختنه شده به دنیا آمده ساقط است؛ لیکن مستحب است جهت اجرای سنت، تیغ را بر ختنه گاه او بکشند.^{۷۴}

گاه پرسشی مطرح می‌شود که آیا ختنه کردن دختران واجب است یا خیر؟

^{۷۳}. جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، سید محمود هاشمی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۳، ص ۴۳۳

^{۷۴}. خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیلة (ترجمه) ج ۳، ص ۵۵۳ و خمینی، سید روح الله، توضیح المسائل (محشّی - امام

خمینی)، ج ۲، ص ۹۵۳

در پاسخ می‌توان گفت آن‌چه از منابع فقه و حدیث شیعه و اهل سنت در مورد ختنه دختران و زنان برمی‌آید، این است که:

ختنه کردن دختران و زنان نزد علمای شیعه به اجماع و اتفاق واجب نیست؛ ولی حکم به استحباب آن کرده‌اند.

نزد علمای اهل سنت نیز مشهور عدم وجوب است و «ابن قدامه» در «مغنی» تصریح کرده که قول اکثر اهل علم، عدم وجوب است.

علاوه بر آن در روایات شیعه تصریح به عدم وجوب شده است، مرحوم صاحب وسائل احادیث متعددی در این زمینه دارد، از جمله در خبر ابو بصیر از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «أما السنة فالختان على الرجال و ليس على النساء» و در همان باب روایات دیگری نیز نقل می‌کند؛ در کتب حدیث عامه در مسند احمد حنبل نیز عدم وجوب آن در مورد زنان از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است.^{۷۵}

زمان ختنه کردن

اگرچه اصل ختنه کردن واجب است اما؛ با توجه به روایات مطرح شده، مستحب است کودک را در روز هفتم ختنه کنند؛ روایات زیادی در این مورد وارد شده که در آن به تاثیر ختنه در رشد کودک، دعا هنگام ختنه کردن و... اشاره شده است که در ادامه به چند نمونه اشاره می‌شود:

^{۷۵}. حرعاملی، وسائل الشیعه، جلد ۱۵، صفحه ۱۶۶، باب ۵۶، ابواب احکام اولاد و مکارم شیرازی، ناصر، استفتاءات جدید

(مکارم)، ج ۲، ص ۳۷۴

عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «قال رسول الله صلى الله عليه وآله: طهّروا أولادكم يوم السابع، فإنّه أطيّب و أظهر و أسرع لنبات اللحم، و إنّ الأرض تنجس من بول الأغلف أربعين صباحاً»^{٧٦}

رسول اکرم صلى الله عليه وآله فرمودند: فرزندانان را روز هفتم ختنه کنید و این بهتر و پاکیزه تر است و در رشد کودک تاثیر دارد و همانا زمین چهل روز از بول فرد ختنه نشده، نجس می ماند. این روایت بیانگر فوریت ختنه و استحباب این امر است. روایت دیگری به همین مضمون وارد شده است.^{٧٧}

البته جایز است ختنه کودک را از روز هفتم به تاخیر اندازند، در روایت علی بن یقطين آمده است: سألت أبا الحسن عليه السلام عن ختان الصبيّ لسبعة أيّام من السنّة هو أو يؤخّر، و أيّهما أفضل؟ قال: لسبعة أيّام من السنّة و إنّ آخر فلا بأس؛^{٧٨} در مورد ختنه کودک، از امام ع پرسیدند که ختنه در روز هفتم و تاخیر انداختن، کدام افضل است؟ حضرت فرمودند روز هفتم مستحب است ولی اگر تاخیر بیندازند اشکالی ندارد.»

با توجه به روایات می توان اینگونه نتیجه گرفت که اگرچه ختنه کردن واجب است اما با توجه به روایات، ختنه کردن کودک در روز هفتم مستحب است اما می توانند آن را تا بلوغ به تاخیر اندازند؛ ولی اگر تا بلوغ به تاخیر انداختند، واجب است که این کار را انجام دهند.

^{٧٦}. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية)، ج ٦، ص ٣٤.

^{٧٧}. قول الصادق علیه السلام فی خبر مسعدة بن صدقة: «اغتثوا أولادکم لسبعة أيّام، فإنّه أظهر و أسرع لنبات اللحم، و إنّ الأرض لتکره بول الأغلف». همان

^{٧٨}. شیرازی، قدرت الله انصاری و پژوهشگران مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، موسوعة أحكام الأطفال و أدلتها، ج ١، ص

یکی از امور مستحب در ختنه، دعا کردن هنگام ختنه است. در روایت آمده است که هنگام ختنه کودک این دعا را بخوانند:

«اللهم هذه سنتك و سنة نبيك صلواتك عليه و آله و اتباع منّا لك و لنبيك بمشيئتك و بإرادتك و قضائك لأمر أردته و قضاء حتمته و أمر أنفذته، فأذقته حرّ الحديد في ختانه و حجامته لأمر أنت أعرّف به منّي، اللهم فطهره من الذنوب، و زد في عمره، و ادفع الآفات عن بدنه، و الأوجاع عن جسمه، و زده من الغنى و ادفع عنه الفقر فإنك تعلم و لا نعلم.»^{۷۹}

مستحبات

یکی از امور مستحبی که بعد از تولد فرزند وارد شده، گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد است. بنا به فرموده روایات این مسأله تاثیر بسزایی در محفوظ ماندن نوزاد از شیطان و جلوگیری از ترس و وحشت او دارد. اگرچه روایات بسیاری، در این باب وارد شده است اما در دامه به چند نمونه از روایات اشاره می شود.

الف. اذان و اقامه

اذان گفتن در گوش راست و گفتن اقامه در گوش چپ نوزاد، بعد از ولادت مستحب است و این مسأله مورد اتفاق علماست.^{۸۰}

یکی از سنتهایی که از رسول اکرم ص وارد شده، اذان و اقامه گفتن در گوش نوزاد است. در روایتی از اسماء آمده که حضرت زهرا علیها السلام فرموده است: «لَمَّا حَمَلْتُ بِالْحَسَنِ علیه السلام و ولدته

^{۷۹}. در روایت آمده است: «قال علی علیه السلام: و لا بأس بأن لا تختتن المرأة، فأما الرجل فلا بدّ منه» حضرت فرمودند اشکالی ندارد که دختر را ختنه نکنند؛ ولی مرد حتما باید ختنه شود. حرعاملی، وسائل الشیعة ۱۵: ۱۶۹ باب ۵۹ ح ۱، رک، شیرازی، قدرت الله انصاری و پژوهشگران مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، موسوعة أحكام الأطفال و أدلتها، ج ۱، ص ۲۱۶.

^{۸۰}. یزدی، محمد کاظم، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۴۶۵ و جمع من المحققین، موسوعة احکام الاطفال و ادلتها، ج ۱، ص ۱۷۷، ص ۱۷۸.

جاء النبي ﷺ صلى الله عليه وآله فقال: يا أسماء هلمّي ابني، فدفعته إليه في خرقة صفراء، فرمى بها النبي ﷺ صلى الله عليه وآله و آذن في أذنه اليمنى و أقام في أذنه اليسرى - إلى أن قال: - قالت أسماء: فلما كان بعد حول ولد الحسين عليه السلام جاءني و قال: يا أسماء هلمّي بابني، فدفعته إليه في خرقة بيضاء، فأذن في أذنه اليمنى و أقام في اليسرى...^{٨١}

اسما می گوید: حضرت فاطمه علیها السلام می فرمایند: زمانی که امام حسن علیه السلام را باردار بودم و او را به دنیا آوردم رسول خدا ﷺ صلى الله عليه وآله آمدند و به اسما گفتند پسر مرا بیاور و اسما او را در حالی که در پارچه زرد رنگی بود آورد. رسول خدا ﷺ صلى الله عليه وآله لباس زرد را کنار زد و در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه گفت - حدیث ادا مه دارد تا اینکه - اسما گفت زمانی که امام حسین علیه السلام به دنیا آمد رسول خدا ﷺ صلى الله عليه وآله آمدند و گفتند: ای اسما فرزندم را بیاور و من او را به ایشان دادم در حالی که در پارچه سفیدی بود و رسول خدا ﷺ صلى الله عليه وآله در گوش راست او اذان و در گوش چپ او اقامه خواندند...

در مورد تاثیر اذان و اقامه در روایات آمده که، گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد سبب دوری شیطان از او می شود. متن روایت بدین شرح است: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ وُلِدَ لَهُ مَوْلُودٌ فَلْيُؤَذِّنْ فِي أُذُنِهِ الْيُمْنَى بِأَذَانِ الصَّلَاةِ وَلْيُقِمِّ فِي أُذُنِهِ الْيُسْرَى فَإِنَّهَا عِصْمَةٌ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ.»^{٨٢}

رسول اکرم ﷺ صلى الله عليه وآله می فرمایند: کسی که فرزندی برای او متولد می شود، در گوش راست او اذان بگوید و در گوش چپ او اقامه بگوید، همانا این کار فرزند را از شیطان رجیم مصون می دارد.

⁸¹ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۰۸، ح ۵

⁸² کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۶، ص ۲۴

در روایت دیگری آمده است که این کار سبب شجاع شدن فرزند و دوری او از بیماری می گردد:
عن الصادق علیه السلام قال: «إذا ولد لكم المولود أی شیء تصنعون به؟ قلت: لا أدري ما نصنع به -
إلی أن قال -: «و أذن فی أذنه الیمنی و أقم فی الیُسری، تفعل به ذلک قبل أن تقطع سرته، فإنه لا
یفزع أبداً و لا تصیبه أم الصبیان».^{۸۳}

امام صادق علیه السلام فرمودند: وقتی نوزادی به دنیا می آید چه کار می کنید؟ گفتیم: نمی دانم. امام
فرمودند: در گوش راست نوزاد، اذان بگو و در گوش چپ او اقامه بگو قبل از این که نافش را قطع
کنی، همانا نوزاد هرگز نمی ترسد و دچار بیماری (ام الصبیان)^{۸۴} نمی شود.

ب. عقیقه

یکی دیگر از مستحبات بعد از تولد فرزند عقیقه کردن است. در این بخش به تعریف عقیقه، زمان
عقیقه و شروط آن اشاره می شود.

۱. تعریف عقیقه

عقیقه کردن یکی از مواردی است که در روایات بسیار بر آن تاکید شده است. عقیقه از «عق» به
معنی شق و به معنی بریدن است و این که عقوق والدین می گویند از این جهت است که عمل
خاص فرزند، حقوق پدر و مادر را می برد. به گوسفندی که برای نوزاد ذبح می کنند، عقیقه
می گویند. بعضی قائلند چون گردن آن را می برند به آن عقیقه می گویند؛ ولی احتمال دیگری هم
وجود دارد و آن این که عقیقه بلا و آفات و بیماری ها را قطع می کند.^{۸۵}

^{۸۳} حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۰۶

^{۸۴} ام صبیان، نام نوعی بیماری مخصوص کودکان در طب قدیم است و برخی گفته اند ام صبیان همان بیماری صرع است. برای

کسب اطلاعات بیشتر می توانید به کتب طب قدیم مراجعه کنید.

۸. حامدی محمد رضا، مکارم مسعود، کتاب النکاح (سلسله مباحث درس خارج فقه آیت الله العظمی مکارم شیرازی)، ج ۷، ص ۱۳۰

بنا به نظر مشهور فقها، عقیقه مستحب است. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: فی المولود قال یسمی فی الیوم السابِعِ وَ یَعْقُّ عَنْهُ وَ یُحَلِّقُ رَأْسَهُ وَ یَتَصَدَّقُ بِوزْنِ شَعْرِهِ فَضَّةً^{۸۶} در روز هفتم نوزاد نامگذاری می‌شود و برای او عقیقه می‌شود و سرش تراشیده می‌شود و به اندازه وزن موهای او نقره صدقه داده می‌شود.

در روایت دیگری به همین مضمون آمده که حضرت فرمودند: عقیقه، تراشیدن سر و نامگذاری را می‌توان در یک ساعت انجام داد.^{۸۷}

با توجه به روایات عقیقه کردن از اهمیت بسیاری برخوردار است تا جایی که اگر برای کودکی عقیقه نکردند خودش می‌تواند تا زمان پیری این کار را انجام دهد. عمر بن یزید می‌گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم نمی‌دانم والدینم در کودکی برای من عقیقه کرده اند یا نه؟ حضرت امر فرمود خودت عقیقه کن و آن مرد در پیری عقیقه کرد.^{۸۸}

در روایت دیگری در مورد اهمیت عقیقه آمده که راوی می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم هر انسانی اگر بدون عقیقه بمیرد، در روز قیامت هم گروگان است؛ عقیقه واجب تر از اضحیه^{۸۹} است.^{۹۰}

^{۸۶} حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲۱، باب ۳۸ از ابواب احکام الاولاد، ص ۴۲۰، ح ۱.
^{۸۷} عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْعَقِيقَةِ وَالْحَلْقِ وَالتَّسْمِيَةِ بِأَيِّهَا يُبْدَأُ قَالَ يُصْنَعُ ذَلِكَ كُلُّهُ فِي سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ... از امام علیه السلام پرسیدند که از میان عقیقه و تراشیدن سر و نامگذاری کدام یک ابتدا باید انجام شود؟ امام علیه السلام فرمودند: همه آن‌ها را در یک ساعت می‌توان انجام داد. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۶، ص ۲۷.

۸۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۶، ص ۲۵.

۸۹. منظور از اضحیه، قربانی مستحب است و روایت که می‌گوید عقیقه واجب تر از اضحیه است؛ یعنی استحبابش بیش تر از آن است.

۹۰. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: كُلُّ امْرِئٍ مُرْتَهَنٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِعَقِيقَتِهِ وَالْعَقِيقَةُ أَوْجَبُ مِنَ الْأُضْحِيَّةِ. همان.

لازم به ذکر است که قربانی جای عقیقه را می گیرد و به این مساله در روایات اشاره شده است:
 عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ لَمْ يَعُقَّ عَنْهُ وَالِدُهُ حَتَّى كَبِرَ فَكَانَ غُلَامًا شَابًا أَوْ رَجُلًا قَدْ بَلَغَ فَقَالَ
 إِذَا ضَحَّى عَنْهُ أَوْ ضَحَّى الْوَلَدُ عَنْ نَفْسِهِ فَقَدْ أَجَزَأَ عَنْهُ عَقِيقَتُهُ...^{۹۱} از امام علیه السلام در مورد مردی
 سؤال شد که پدر او تا بلوغ و جوانیش برایش عقیقه نکرده بود، حضرت فرمود: اگر خودش یا
 پدرش برایش در عید قربان، قربانی انجام دهد، مجزی است.

۲. زمان عقیقه

یکی از سوالاتی که در باب زمان عقیقه پرسیده می شود این است که: با توجه به روایات چه
 زمانی برای عقیقه کردن مناسب است؟

در پاسخ به این سوال می توان گفت که، مستحب است که عقیقه در روز هفتم بعد از تولد انجام
 شود و اگر به جهت عذری یا بدون عذر از آن زمان به تأخیر بیفتد، ساقط نمی شود؛ بلکه اگر
 عقیقه انجام نشود تا بالغ شود، خود او می تواند برای خودش عقیقه نماید؛ بلکه اگر در زمان
 حیاتش عقیقه ننماید، مستحب است که بعد از فوتش از طرف او عقیقه انجام شود.^{۹۲}

در روایتی که در صفحات قبل هم بیان شد^{۹۳} راوی پرسید که نمی دانم پدرم برای من عقیقه کرده یا
 نه؟ امام به او فرمود: عقیقه کن و او عقیقه کرد، در حالی که به سن پیری رسیده بود که این دلیل بر

^{۹۱} حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۴۹

^{۹۳} حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲۱، باب ۳۹ از ابواب احکام الاولاد، ص ۴۱۴، ح ۱

جواز تأخیر است؛ ولی با توجه به روایاتی که روز هفتم را ذکر کردند، جمع بین روایات به این است که یوم هفتم، افضل و بعد از آن مستحب غیر افضل است.^{۹۴}

۳. شروط عقیقه

در روایات، برای حیوانی که برای عقیقه ذبح می شود، شرایطی ذکر شده که خوب است مورد توجه قرار گیرد:

اول: باید از یکی از انعام ثلاثه باشد. (میش یا بز، گاو، شتر)

در روایتی از امام صادق علیه السلام در مورد حیوانی که در عقیقه ذبح می شود آمده است: *فِي الْعَقِيقَةِ يُذْبَحُ عَنْهُ كَبْشٌ فَإِنْ لَمْ يُوْجَدْ كَبْشٌ أَجْزَأُهُ مَا يُجْزَى فِي الْأُضْحِيَّةِ*.^{۹۵} حضرت می فرمایند در عقیقه، قوچ ذبح می شود و اگر قوچ یافت نشد، هر آن چه در قربانی عید قربان ذبح می شود، مجزی است.»

در روایت دیگری نیز از امام صادق علیه السلام در مورد نوع حیوان در عقیقه سؤال شده است. متن روایت بدین شرح است: *عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْعَقِيقَةِ فَقَالَ شَاةٌ أَوْ بَقَرَةٌ أَوْ بَدَنَةٌ* *الْحَدِيثُ*.^{۹۶} حضرت فرمودند: گوسفند یا گاو یا شتر ذبح شود.

با توجه به این دو روایت می توان گفت که در عقیقه می توان میش یا بز، گاو و یا شتر را ذبح کرد.

^{۹۴} مکارم شیرازی، ناصر، کتاب النکاح (مکارم)، ج ۷، ص ۱۳۴

^{۹۵} حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲۱، باب ۴۱ از ابواب احکام الاولاد، ص ۴۱۶، ح ۱

^{۹۶} همان، ح ۲

یکی دیگر از سوالاتی که در عقیقه مطرح می شود این است که اگر فردی پولی برای عقیقه نداشت و یا حیوانی نیافت، می تواند به جای آن صدقه دهد؟ در پاسخ به این سوال می توان گفت که هیچ چیزی جای عقیقه را نمی گیرد و از طرف دیگر تا زمان پیری می توان عقیقه کرد بنابراین اگر کسی به قیمت عقیقه، صدقه دهد، برای درک فضیلت آن کافی نیست و پول جانشین عقیقه نمی شود. اگر چه صدقه هم ثواب دارد. این مساله در روایت نیز آمده است:

«عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَجَاءَهُ رَسُولُ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ يَقُولُ لَكَ عَمُّكَ إِنَّا طَلَبْنَا الْعَقِيْقَةَ فَلَمْ نَجِدْهَا فَمَا تَرَى نَتَصَدَّقُ بِشَيْئِهَا قَالَ لَا...^{۹۷} از امام علیه السلام سوال شد: ما به دنبال عقیقه بودیم؛ ولی آن را نیافتیم. آیا می شود به جای آن صدقه داد؟ امام علیه السلام فرمودند: خیر...»

دوم: یکی دیگر از شروط عقیقه این است که برای هر نوزاد یک عقیقه کفایت می کند.

«قَالَ وَرَوَى: أَنَّهُ يُعَقُّ عَنِ الذَّكَرِ بِاثْنَيْنِ وَعَنِ الْأُنْثَى بِوَاحِدَةٍ.^{۹۸} برای نوزاد پسر دو تا و برای نوزاد دختر یکی عقیقه شود. هر چند مستحب است برای هر نوزاد به خصوص نوزاد پسر چند عقیقه داده شود.^{۹۹}

سوم: در اطعام با عقیقه، بین این که گوشت خام یا پخته آن را تقسیم کند یا این که گوشت پخته شود و جمعی از مؤمنین دعوت به آن شوند، مخیر است.

^{۹۷} همان، ص ۴۱۵، ح ۱

^{۹۸} همان، ص ۴۱۸، ح ۸

^{۹۹} جمعی من المحققین، موسوعه احکام الاطفال وادلتها، ج ۱، ص ۲۰۴

در مورد تعداد مهمان ها می توان گفت که با توجه به روایات بهتر است بیش از ده نفر باشند و میهمان ها بعد از خوردن برای فرزند دعا کنند.^{۱۰۰} پختن آن بر اساس آنچه که متعارف است، اشکالی ندارد و گاهی گفته می شود: بهتر آن است که با آب و نمک پخته شود؛ ولی این غیر معلوم است.^{۱۰۱}

۴. مستحبات عقیقه

اول: دعا هنگام عقیقه مستحب است^{۱۰۲}، متن دعا عبارت است از :

«بسم الله عقیقة عن الحسن، اللهم عظمها بعظمه، و لحمها بلحمه، و دمها بدمه، و شعرها بشعره، اللهم اجعلها وقاءً لمحمد و آله^{۱۰۳}

یا قوم انی بریء مما تشركون انی وجهت وجهی للذی فطر السموات و الأرض حنیفاً مسلماً و ما أنا من المشرکین، ان صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین، لا شریک له و بذلک امرت و أنا من المسلمین، اللهم منک و لک بسم الله و الله اکبر، اللهم صل علی محمد و آل محمد و تقبل من فلان بن فلان، و تسمی المولود باسمه.»^{۱۰۴}

دوم: مستحب است که برای مرد، نر و برای زن، ماده عقیقه شود.

^{۱۰۰} . کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲۶، ص ۲۹

¹⁰¹ . موسوی خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۱۱، م ۹

¹⁰² . جمعی من المحققین، موسوعه احکام الاطفال وادلتها، ج ۱، ص ۲۰۷

¹⁰³ . حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۱، باب ۵۰ از ابواب احکام الاولاد، ص ۴۳۰، ح ۲

¹⁰⁴ . کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۶، ص ۳۱، ح ۴

«مُحَمَّدُ بْنُ مَارِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثٍ قَالَ: إِنْ كَانَ ذَكَرًا عُقٌّ عَنْهُ ذَكَرًا وَإِنْ كَانَ أُنْثَى عُقٌّ عَنْهَا أُنْثَى^{۱۰۵}.

حضرت می‌فرمایند: برای نوزاد پسر حیوان نر و برای نوزاد دختر حیوان ماده عقیقه شود.»

دوم: همان‌طور که در صفحات قبل گفته شد، مستحب است عقیقه در روز هفتم بعد از تولد باشد.

سوم: مستحب است پا و ران گوسفند را به قابله بدهند و بهتر از آن، آن است که ربع حیوان را که شامل پا و ران می‌شود، به قابله بدهند و اگر قابله‌ای نباشد و بچه بدون قابله متولد شود و یا مکان قابله معلوم نباشد، در این صورت پا و ران را به مادر می‌دهند تا صدقه دهد.^{۱۰۶}

چهارم: مستحب است که شروط قربانی در آن جمع باشد؛ مانند سالم بودنش از عیب و این‌که سنش در شتر کمتر از پنج سال کامل و در گاو کمتر از دو سال و در بز کمتر از یک سال کامل و در گوسفند کمتر از هفت ماه نباشد. برخی محققین معتقدند چنین شرطی معتبر نیست؛ ولی اگر این شرط رعایت شود، افضل است هر چند بدون آن شروط هم مجزی است.^{۱۰۷}

پنجم: بهتر است استخوان عقیقه را نشکنند.

در مورد شکستن استخوان عقیقه، در روایات مطالب مختلفی بیان شده است که در مجموع می

توان گفت که بهتر است استخوان عقیقه شکسته نشود.

¹⁰⁵ حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲۱، باب ۴۲ از ابواب احکام الاولاد، ص ۴۱۸، ح ۷

¹⁰⁶ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲۶، ص ۲۹.

¹⁰⁷ جمعی من المحققین، موسوعه احکام الاطفال وادلتها، ج ۱ ص ۲۰۲. موسوی خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۱۱، م ۹

متن روایات بدین شرح است: در روایتی از امام صادق ع آمده است که: الْعَقِيقَةُ يَوْمَ السَّابِعِ وَ تُعْطَى الْقَابِلَةُ الرَّجُلَ مَعَ الْوَرَكِ وَ لَا يُكْسَرُ الْعَظْمُ.^{۱۰۸} امام علیه السلام می فرماید: استخوان عقیقه شکسته نمی شود.

در روایت دیگری از شکستن استخوان در عقیقه سوال شده و حضرت فرموده است: استخوانش را می شکنند. متن روایت بدین شرح است: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الْعَقِيقَةِ إِذَا ذُبِحَتْ يُكْسَرُ عَظْمُهَا قَالَ نَعَمْ يُكْسَرُ عَظْمُهَا وَ يَقْطَعُ لَحْمُهَا^{۱۰۹}...؛ در این روایت از امام می پرسند که آیا می توان استخوان عقیقه را شکست: امام علیه السلام می فرماید: بله استخوانش را می شکنند و گوشتش را قطعه قطعه می کند.

جمع بین دو روایت به این است که بهتر است استخوان عقیقه را نشکنند، ولی اگر بشکنند هم، اشکالی ندارد.

ششم: بهتر است که والدین از گوشت عقیقه نخورند.

در مورد این مساله سه گونه روایت داریم: بعضی از روایات فقط می گوید مادر نخورد: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي الْعَقِيقَةِ قَالَ لَا تَطْعَمُ الْأُمُّ مِنْهَا شَيْئًا.^{۱۱۰} امام علیه السلام می فرماید: مادر چیزی از آن نخورد.

در بعضی دیگر از روایات می گوید: والدین و عیال از عقیقه نخورند: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا يَأْكُلُ هُوَ وَ لَا أَحَدٌ مِنْ عِيَالِهِ مِنَ الْعَقِيقَةِ.^{۱۱۱}

¹⁰⁸ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲۱، باب ۴۴ از ابواب احکام الاولاد، ص ۴۲۱، ح ۵

¹⁰⁹ همان، ح ۱۷

¹¹⁰ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲۱، باب ۴۷ از ابواب احکام الاولاد، ص ۴۲۸، ح ۲

در حالی که در روایتی دیگر می‌گوید، پدر می‌تواند از عقیقه بخورد: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا وُلِدَ لَكَ غُلَامٌ أَوْ جَارِيَةٌ فَعُقِّ عَنْهُ يَوْمَ السَّابِعِ شَاةً أَوْ جَزُورًا وَكُلْ مِنْهُمَا.^{۱۱۲} در این روایت به ولی گفته شده که از عقیقه بخور.

جمع بین روایات به این است که ؛ بهتر است پدر و مادر و عیال فرد از گوشت عقیقه نخورند ولی اگر بخورند نیز اشکالی ندارد .

نکته: بین مردم مشهور است که استخوان‌های عقیقه باید دفن شود. مرحوم صاحب ریاض می‌فرماید: در زمان ما در بین مردم مشهور است که استخوان‌ها را دفن می‌کنند؛ بلکه در خرجه‌ای می‌پیچند.^{۱۱۳} ولی نه در روایات و در نه در کلمات علما، اثری از این حکم ندیده‌ایم، بنابراین حکمی نیست که در روایات معصومین علیهم السلام آمده باشد.

پ: غسل مولود

یکی دیگر از آداب بعد از تولد نوزاد غسل مولود است. طبق نظر مشهور فقها، مستحب است نوزاد را بعد از به دنیا آمدن غسل دهند.^{۱۱۴} در کتاب وسائل الشیعه روایات متعددی در باب استحباب غسل مولود وارد شده است. از جمله این روایت که حضرت فرمودند: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: **غُسْلُ الْمَوْلُودِ وَاجِبٌ.**^{۱۱۵}

با توجه به روایات دیگر و قرار داشتن غسل مولود، در میان اغسال مستحب و قرائن دیگر مراد از واجب در این روایت، مستحب مؤکد است.

^{۱۱۱}. همان، ح ۱

^{۱۱۲}. همان، باب ۴۴، ص ۴۲۲، ح ۷

^{۱۱۳}. طباطبایی سید علی، ریاض المسائل، ج ۲، ص ۱۶۰

^{۱۱۴}. یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی، العروة الوثقی مع التعليقات، ج ۱، ص ۳۷۵

^{۱۱۵}. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۳۷

در مورد زمان غسل مولود نیز در کتب فقهی آمده است: وقت غسل دادن نوزاد، هنگام ولادت است و تأخیر آن تا دو یا سه روز ضرر ندارد و بعضی گفته‌اند تا هفت روز؛ بلکه بعضی گفته‌اند تا آخر عمر او موسّع است و بهتر آن است که هر گاه دو سه روز از ولادت گذشت و او را غسل ندادند، بعد از آن بدون قصد ورود غسل دهند.^{۱۱۶}

کیفیت غسل از جمله نیت و ترتیب و .. در غسل مولود، همانند سایر غسل‌هاست.^{۱۱۷}

ت. برداشتن کام نوزاد با تربت امام حسین علیه السلام و آب فرات و..

یکی دیگر از مستحبات بعد از ولادت فرزند، کام برداشتن نوزاد است. کتم برداشتن یعنی (مالیدن مقداری تربت امام حسین علیه السلام یا آب فرات و... بر سقف دهان نوزاد) پس از تولد و قبل از شیر خوردن است؛ بنابراین کام برداشتن نوزاد از سیره معصومان است و آثار روحی و معنوی بسیاری بر کودک دارد.

در روایات وارده در مورد اینکه با چه چیزی کام نوزاد برداشته شود، موارد مختلفی ذکر شده است. آب فرات، تربت امام حسین ع، خرما، آب باران و ...

در برخی موارد به حکمت این کار اشاره شده است. مثلاً در مورد آب فرات و تربت امام حسین علیه السلام آمده است: حکمت این کار در این است که دوستی اهل بیت علیهم السلام در آغاز زندگی در قلب و جان کودک نفوذ کند.

۵۰. یزدی، محمد کاظم، العروه الوثقی، ج ۱، ص ۴۶۵/ جمع من المحققین، موسوعه احکام الاطفال و ادلتها، مرکز فقه الائمه

الاطهار ج ۱، ص ۱۷۷

¹¹⁷. موسوعه احکام الاطفال و ادلتها، همان

در روایات آمده وقتی فرزندی به دنیا می‌آید، چنانچه ممکن باشد، مقدار کمی از آب فرات به کام فرزند بمالند. امام باقر علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: کام نوزاد را با آب فرات بردارید: **يُحَنَّكُ الْمَوْلُودُ بِمَاءِ الْفُرَاتِ وَيُقَامُ فِي أُذُنِهِ**.^{۱۱۸}

در روایت دیگری آمده است کام نوزادتان را با آب فرات و تربت امام حسین علیه السلام واگر نبود با آب باران بردارید: **حَنَّكُوا أَوْلَادَكُمْ بِمَاءِ الْفُرَاتِ وَبِتُرْبَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ ع فَإِنْ لَمْ يَكُنْ فَبِمَاءِ السَّمَاءِ**.^{۱۱۹}

در روایات دیگری برداشتن کام نوزاد با خرما نیز آمده است: **قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: حَنَّكُوا أَوْلَادَكُمْ بِالتَّمْرِ، هَكَذَا فَعَلَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله بِالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ علیهما السلام ۱۲۰**. در این روایت حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: کام فرزندان را با خرما بردارید و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای امام حسن و امام حسین علیهما السلام این کار را انجام دادند.

در مجموع می‌توان گفت که در صورت امکان، مقداری تربت امام حسین علیه السلام با خرما و کمی آب فرات یا آب باران مخلوط کنند و به کام نوزاد بمالند و اگر همه موارد در دسترس نبود با یکی از مواد یاد شده، کام نوزاد را بردارند.

^{۱۱۸}. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۶، ص ۲۴

^{۱۱۹}. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - دار الحديث)، ج ۶، ص ۲۴

^{۱۲۰}. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - دار الحديث)، ج ۱۱، ص ۳۸۳

ث. پوشاندن جامه سفید به نوزاد

یکی دیگر از مستحبات بعد از ولادت کودک، پوشاندن لباس سفید است. نقل شده که وقتی حضرت فاطمه علیها السلام، امام حسن علیه السلام را به دنیا آورد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: او را در جامه سفیدی بپوشند؛ ولی ظاهراً اطرافیان غفلت کرده و بچه را در جامه زردی پوشانده بودند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برای نامگذاری نوزاد به خانه حضرت علی علیه السلام آمد و فرمود: فرزندم را بیاور، چون بچه را در جامه زرد به حضرت دادند، ایشان بچه را بوسید؛ سپس فرمود: آیا به شما پیش از این نگفته بودم که به او جامه سفید بپوشید؟ پس جامه سفیدی طلب نمود و بچه را در آن پیچید و جامه زرد را دور افکند، و او را حسن نامید.

«عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام أَنَّ فَاطِمَةَ لَمَّا وَلَدَتْ الْحَسَنَ عليه السلام جَاءَ رَسُولُ اللَّهِ ص فَأُخْرِجَ إِلَيْهِ فِي خِرْقَةٍ صَفْرَاءَ؛ فَقَالَ أَلَمْ أَنْهَكُمُ أَنْ تَلْفُوهُ فِي خِرْقَةٍ صَفْرَاءَ؛ ثُمَّ رَمَى بِهَا وَ أَخَذَ خِرْقَةً بَيْضَاءَ فَلَفَّهُ فِيهَا، إِلَى أَنْ قَالَ فَسَمَّاهُ الْحَسَنَ الْحَدِيثَ.»^{۱۲۱}

ج. نامگذاری فرزند

یکی دیگر از آداب و مستحبات تولد فرزند، نام گذاری او با اسماء نیکوست. در این بخش به تاثیر نام نیک بر شخصیت کودک، زمان نام گذاری و اسماء سفارش شده در روایات اشاره می شود.

^{۱۲۱}. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۴۱۰

تأثیر نام فرزند در شخصیت و آینده او

معمولاً در اولین برخورد با یک فرد، نام او را می‌پرسیم. شنیدن نام برخی از افراد، انسان را به خنده می‌اندازد و یا باعث تعجب می‌شود؛ اما برخی اسامی آن‌چنان به دل می‌نشینند که دوست داریم با آن فرد ارتباط بیشتر و صمیمی‌تری برقرار کنیم.

نام هر فرد، مانند لباسی است که از آغاز تولد تا پایان عمر بر تن دارد و ثانیه‌ای از آن جدا نمی‌شود؛ چرا که هویت او را شکل می‌دهد و در میان تمام کسانی که با او سر و کار دارند، همواره به همین نام شناخته می‌شود.

نام‌ها می‌توانند باعث سربلندی و حتی خجالت و سرافکندگی صاحبانشان شوند و همه ما بارها در میان جمع‌ها و ارتباطات دوستانه شاهد بوده‌ایم که افرادی که اسم زیبا و شایسته داشته‌اند، زودتر در جمع پذیرفته شده‌اند؛ بنابراین نام نیکو، تأثیر زیادی بر شکل‌گیری شخصیت افراد دارد.

اهمیت نامگذاری در جذب و ایجاد ذهنیت مثبت در دیگران تا جایی است که حتی در عالم تبلیغات نیز صاحبان موسسه‌ها و شرکت‌های تولیدی و تجاری، برای یافتن عنوانی نیکو برای کالای خود در تلاشند تا از این طریق ذهنیت بهتری را برای مصرف‌کننده ایجاد کنند.

در روایات هم به این مسأله اشاره شده است: «أَوَّلُ مَا يَبْرُ الرَّجُلُ وَلَدَهُ أَنْ يُسَمِّيَهُ بِاسْمٍ حَسَنٍ؛ فَلْيُحْسِنْ أَحَدُكُمْ اسْمَ وَلَدِهِ»^{۱۲۲} اولین نیکی که انسان در کار حق فرزندش انجام می‌دهد، این است که نام زیبا برای او انتخاب کند.

^{۱۲۲} حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص: ۳۸۹

اسلام انتخاب نام نیکو برای فرزند را به این دنیا محدود نکرده است و حتی سفارش کرده برای فرزندان سقط شده هم نامی تعیین کنید که در غیر این صورت، آن‌ها در روز قیامت از پدر خود را مؤاخذه خواهند کرد.

در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام آمده است که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: بچه‌های سقط شده را نامگذاری کنید؛ زیرا زمانی که در قیامت مردم با نام‌هایشان خوانده می‌شوند، بچه‌های سقط شده به پدران‌شان ملحق می‌شوند و می‌گویند: چرا برای ما نامی انتخاب نکردید؟

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم سَمُّوا أَسْقَاطَكُمْ؛ فَإِنَّ النَّاسَ إِذَا دُعُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِأَسْمَائِهِمْ، تَعَلَّقَ الْأَسْقَاطُ بِآبَائِهِمْ فَيَقُولُونَ لِمَ لَمْ تُسَمِّنَا ...؟»^{۱۲۳}

متأسفانه این روزها برخی خانواده‌ها تحت تأثیر چشم و هم چشمی و مد در جامعه هستند و هیچ توجهی به معنا و مفهوم اسم انتخابی ندارند و همین که آن اسم خاص و خوش آوا باشد، برایشان کافی است. در حالی که نمی‌دانند این اسم چه تأثیر مثبت و یا منفی بر آینده کودک دارد و نام نیکو در عاقبت به خیری افراد مؤثر است.

۱. استحباب نام نیکو

همانگونه که بیان شد یکی از اموری که در دین مبین اسلام، بدان سفارش شده است، استحباب نام نیکو برای فرزند است. در روایتی آمده است فردی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در مورد حق فرزند بر والدین پرسید. حضرت فرمودند: برای او اسم نیکو بگذارد و ادب را به او بیاموزد و او را در جایگاهی نیکو قرار دهد.

«قَالَ رَجُلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا حَقُّ ابْنِي هَذَا؟ قَالَ تُحَسِّنُ اسْمَهُ وَادَّبُهُ وَتَضَعُهُ مَوْضِعًا حَسَنًا.»^{۱۲۴}

۲. افضلیت اسماء انبیا و ائمه علیهم السلام و اسما دال بر عبودیت

اولین سوالی که در باب اسماء حسنه به ذهن می رسد این است که در میان احادیث، چه نام هایی مورد سفارش قرار گرفته اند؟ در پاسخ به این پرسش می توان گفت که: بهترین نام ها آن است که معنای بندگی پروردگار را برساند؛ مانند «عبد الله»، «عبد الرحمن»، همچنین نام پیامبران الهی از بهترین نامهاست. در روایتی از امام باقر ع آمده است: **عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَصْدَقُ الْأَسْمَاءِ مَا سُمِّيَ بِالْعُبُودِيَّةِ وَأَفْضَلُهَا أَسْمَاءُ الْأَنْبِيَاءِ.**^{۱۲۵}

در روایتی دیگر، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است: **مَا مِنْ أَهْلٍ بَيْتٍ فِيهِمْ اسْمُ نَبِيٍّ؛ إِلَّا بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِمْ مَلَكًا؛ يُقَدِّسُهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ.**^{۱۲۶}؛ هیچ خانواده ای نیست که در آن نام یکی از پیامبران باشد؛ مگر این که خداوند فرشته ای را هر بامداد و شامگاه برای تقدیس آن خانواده می فرستد.

از جمله نام های مستحب، در میان انبیاء، نام «محمد» است؛ از برخی روایات استفاده می شود که مستحب است تا روز هفتم نام فرزند پسر را «محمد» بگذارند و از آن به بعد اگر خواستند، می توانند آن را عوض نمایند.

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا يُوَلَّدُ لَنَا وَلَدٌ؛ إِلَّا سَمَّيْنَاهُ مُحَمَّدًا؛ فَإِذَا مَضَى لَنَا سَبْعَةُ أَيَّامٍ؛ فَإِنْ شِئْنَا، غَيَّرْنَا وَإِلَّا تَرَكْنَاهُ.»^{۱۲۷}

^{۱۲۴} همان.

^{۱۲۵} همان.

^{۱۲۶} همان.

^{۱۲۷} همان ص ۳۹۳.

در باب نامیدن فرزند با نام محمد روایات بسیاری وارد شده^{۱۲۸} که بیانگر اهمیت این نام می باشد و باید مورد توجه خانواده ها قرار گیرد. در ادامه به چند مورد از این روایات اشاره می شود.

در روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است: **مَنْ وَلَدَ لَهُ أَرْبَعَةَ أَوْلَادٍ لَمْ يُسَمِّ أَحَدَهُمْ بِاسْمِي فَقَدْ جَفَانِي**.^{۱۲۹} کسی که چهار پسر خدا به او بدهد و یکی از آن ها را به اسم من نامگذاری نکند، به من جفا نموده است.

همچنین از آن حضرت نقل شده: **«إِذَا سَمَّيْتُمُ الْوَلَدَ مُحَمَّدًا فَأَكْرَمُوهُ وَأَوْسِعُوا لَهُ فِي الْمَجْلِسِ وَلَا تُقَبِّحُوا لَهُ وَجْهًا»**^{۱۳۰} وقتی نام فرزندی را «محمد» گذاشتید، او را تکریم کنید و به او اخم نکنید.

«عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ، نَادَى مُنَادٍ أَلَا لِيَقُمَ كُلُّ مَنْ اسْمُهُ مُحَمَّدٌ؛ فَلْيَدْخُلِ الْجَنَّةَ لِكِرَامَةِ سَمِيِّهِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم؛^{۱۳۱} در روز قیامت منادی ندا می دهد که هرکس نامش محمد است، به خاطر کرامت اسم محمد صلی الله علیه و آله و سلم وارد بهشت شود.

^{۱۲۸} . **عَنِ النَّبِيِّ** صلی الله علیه و آله و سلم **قَالَ: مَا مِنْ قَوْمٍ كَانَتْ لَهُمْ مَشُورَةٌ، فَحَضَرَ مِنْ اسْمِهِ مُحَمَّدٌ أَوْ أَحْمَدُ، فَأَدْخَلُوهُ فِي مَشُورَتِهِمْ؛ إِلَّا كَانَ خَيْرًا لَهُمْ.** اگر قومی با هم مشورت کنند و در بین آن ها فردی به نام محمد باشد، برای آن ها خیر و خوبی به همراه دارد.

وَبِالْإِسْنَادِ عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله و سلم **قَالَ: مَا مِنْ مَائِدَةٍ وُضِعَتْ، فَقَعَدَ عَلَيْهَا مَنْ اسْمُهُ مُحَمَّدٌ أَوْ أَحْمَدُ؛ إِلَّا قُدْسَ ذَلِكَ الْمَنْزِلُ فِي كُلِّ يَوْمٍ مَرَّتَيْنِ.** اگر سفره ای پهن شود و فردی با نام محمد یا احمد بر سر آن سفره بنشیند، روزی دو بار آن منزل تقدیس و تکریم می-شود. همان

^{۱۲۹} . همان

^{۱۳۰} . همان

^{۱۳۱} . همان

یکی دیگر از نام‌هایی که سفارش شده، نام علی است. در روایت آمده است که خانه‌ای که در آن اسم محمد، احمد، علی، حسن، حسین، جعفر، طالب، عبدالله و فاطمه باشد، فقر داخل آن خانه نمی‌شود.

«عَنْ سُلَيْمَانَ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لَا يَدْخُلُ الْفَقْرُ بَيْتًا فِيهِ اسْمُ مُحَمَّدٍ أَوْ أَحْمَدَ أَوْ عَلِيٍّ أَوْ الْحَسَنِ أَوْ الْحُسَيْنِ أَوْ جَعْفَرٍ أَوْ طَالِبٍ أَوْ عَبْدِ اللَّهِ أَوْ فَاطِمَةَ مِنَ النِّسَاءِ».^{۱۳۲}

برای نامگذاری دختر نیز سفارش شده، نام‌های زنان شایسته و عقیقه به ویژه نام «فاطمه» انتخاب شود. فردی به نام «سکونی» می‌گوید: خدمت حضرت صادق علیه السلام رسیدم؛ در حالی که غمگین و پژمرده بودم. ایشان فرمود: ای سکونی! چرا ناراحتی؟ گفتم: خداوند به من دختری داده است، ایشان فرمود: سنگینی او بر زمین است و روزی‌اش بر خدا، از عمر خود استفاده می‌کند، نه از عمر تو و از رزق و روزی خود می‌خورد نه از رزق تو. با این سخنان ناراحتی از من دور شد؛ سپس به من فرمود: نام او را چه گذاشته‌ای؟ گفتم: فاطمه. ایشان دو مرتبه آه کشید و سپس دست خویش را بر پیشانی‌اش گذاشت و چنین فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «حق فرزند اگر پسر باشد، بر پدرش این است که مادر آن پسر را احترام نماید و نام نیکو بر او گذاشته و قرآن به او آموخته و او را پاک نموده و به او شنا بیاموزد، و اگر دختر باشد، نیز بر پدرش حق دارد که مادر او را احترام نموده و سوره نور را به او بیاموزد...؛ سپس ایشان فرمود: «حال که نام دخترم را فاطمه گذاشتی، مبادا او را دشنام داده یا لعن نمایی یا کتک بزنی.»

۱۳۳

^{۱۳۲} . همان، ج ۲۱، ص: ۳۹۶

^{۱۳۳} . کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - دار الحدیث)، ج ۱۱، ص ۴۴۷

۳. زمان نامگذاری

مستحب است قبل از تولد فرزند برای او نام نیکو انتخاب کنند. در روایتی آمده که امام علی^{علیه السلام} فرمودند: برای اولادتان قبل از تولدشان اسم تعیین کنید؛ زیرا اولاد سقط شده وقتی که در قیامت شما را ملاقات می‌کنند، می‌گویند: چرا برای ما نامی مشخص نکرده اید؟^{۱۳۴} و یا در روایتی دیگر آمده است که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرزند حضرت زهرا^{علیها السلام} را قبل از آن که به دنیا بیاید، محسن نامید. ۱۳۵

بنابراین باتوجه به روایات فوق و سایر روایات، بهترین زمان نامگذاری فرزند، زمان حمل مادر است؛ ولی اگر به هردلیلی تا آن زمان اسمی مشخص نکرده‌اند، مستحب است در زمان تولد و بعد از آن تا روز هفتم ولادت، نام نیکو مشخص کنند.^{۱۳۶}

ج. ولیمه دادن

یکی دیگر از مستحبات بعد از ولادت فرزند، ولیمه دادن است که در روایات به آن سفارش شده است.

در روایتی از رسول اکرم ص آمده است که در پنج مورد ولیمه دادن مستحب است، یکی از آن پنج مورد، ولیمه دادن بعد از تولد فرزند است.^{۱۳۷}

۱۳۴. همان

۱۳۵. همان، ج ۶، ص ۱۹

۱۳۶. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۰۹

بهترین زمان ولیمه دادن برای کودک روز هفتم ولادت اوست و اگر به هر دلیلی این مساله انجام نشد هر زمان که توانستند ولیمه بدهند.

همانگونه که ولیمه دادن مستحب است، اجابت دعوت ولیمه نیز استحباب دارد. ۱۳۸ بنابراین شایسته است که اگر فردی برای ولیمه کودکی دعوت شد آنرا اجابت کند.

چ. تراشیدن سر کودک

یکی دیگر از مستحبات بعد از تولد فرزند، تراشیدن سر کودک است. امام صادق ع در این زمینه فرمودند: هنگامی که خداوند به تو فرزندی عنایت کرد روز هفتم سرش را بتراش...^{۱۳۹}

ه. سوراخ کردن گوش

علاوه بر موارد فوق، در متون دینی ما به سوراخ کردن گوش کودک نیز، سفارش شده است. آنچه در میان ما مرسوم است سوراخ کردن گوش دختر بوده اما با توجه به روایات سوراخ کردن گوش پسر نیز، از مستحبات بعد از ولادت فرزند است. در روایت سکونی از امام صادق علیه السلام آمده

^{۱۳۷} . لَا وَلِيمَةَ إِلَّا فِي خَمْسٍ فِي عُرْسٍ أَوْ خُرْسٍ أَوْ عِذَارٍ أَوْ رِكَازٍ أَوْ وَكَارٍ فَأَمَّا الْعُرْسُ فَالتَّزْوِيجُ وَالْخُرْسُ النَّفَاسُ بِالْوَلَدِ وَالْعِذَارُ الْخِتَانُ وَالْوَكَارُ الرَّجُلُ يَشْتَرِي الدَّارَ وَالرِّكَازُ الَّذِي يَقْدَمُ. مراد از خُرس، ولادت فرزند است. اصفهانی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۳۸۴

^{۱۳۸} . جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، سید محمود هاشمی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۳، ص ۴۴۵

^{۱۳۹} . إِذَا وَلَدَ لَكَ غُلَامًا أَوْ جَارِيَةً فَعَقَّ عَنْهُ يَوْمَ السَّابِعِ شَاةً أَوْ جَزُورًا وَكُلَّ مِنْهُمَا وَأَطْعِمَ وَسَمِّهِ وَاحْلِقْ رَأْسَهُ يَوْمَ السَّابِعِ وَتَصَدَّقْ بِوِزْنِ شَعْرِهِ ذَهَبًا أَوْ فِضَّةً وَأَعْطِ الْقَابِلَةَ طَائِفًا مِنْ ذَلِكَ فَإِنَّ ذَلِكَ فَعَلْتَ فَقَدْ أَجَزَاكَ». حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۴۲۲

است که رسول خدا ﷺ به دخترش فاطمه سلام الله علیها فرمود: گوش حسن و حسین علیهم السلام را برخلاف یهود سوراخ کن. ۱۴۰

در روایتی دیگر، عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که حضرت فرمودند: سوراخ کردن گوش پسر بچه از مستحبات است: «تَقْبُ أُذُنَ الْغُلَامِ مِنَ السُّنَّةِ، وَخِتَانُ الْغُلَامِ مِنَ السُّنَّةِ». ۱۴۱

در مورد زمان سوراخ کردن گوش، روز هفتم ذکر شده، در روایتی از امام رضا علیه السلام آمده است که فرمودند: زمانی که امام حسن علیه السلام به دنیا آمدند، جبرئیل بر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرود آمدند و امر کردند در روز هفتم نامگذاری کنند و سر کودک را بتراشند و گوشش را سوراخ کنند و... ۱۴۲ با توجه به این روایات بهتر است سوراخ کردن گوش نوزاد روز هفتم باشد ولی اگر در این روز انجام نشد هر زمان که توانستند انجام دهند.

گفتار چهارم: شیر دهی

۱۴۰. قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه (ترجمه)، ج ۵، ص ۱۷۰

۱۴۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۴۳۲

۱۴۲. سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ التَّهْنِئَةِ بِالْوَلَدِ مَتَى هِيَ؟ قَالَ: إِنَّهُ لَمَّا وُلِدَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَبَّطَ جِبْرِئِيلُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص بِالْتَّهْنِئَةِ فِي الْيَوْمِ السَّابِعِ وَأَمَرَهُ أَنْ يُسَمِّيَهُ وَيُكْنِيَهُ وَيَخْلُقَ رَأْسَهُ وَيَعْقَّ عَنْهُ وَيَتَّقَبَّ أُذُنُهُ وَكَذَلِكَ حِينَ وُلِدَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَتَاهُ فِي الْيَوْمِ السَّابِعِ فَأَمَرَهُ بِمِثْلِ ذَلِكَ. قَالَ: وَكَانَ لَهُمَا دُؤَابَتَانِ فِي الْقَرْنِ الْأَيْسَرِ وَكَانَ النَّقَبُ فِي الْأُذُنِ الْيُمْنَى فِي شَحْمَةِ الْأُذُنِ وَفِي الْيُسْرَى فِي أَعْلَى الْأُذُنِ؛ فَالْقُرْطُ فِي الْيُمْنَى وَالشَّنْفُ فِي الْيُسْرَى. هَمَان

یکی از مهم‌ترین مرحله تربیت فرزند، دوران شیر خوارگی کودک است. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»^{۱۴۳} مادران، فرزندان خود را دو سال تمام، شیر می‌دهند. (این) برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند و بر آن کس که فرزند برای او متولد شده (پدر) لازم است خوراک و پوشاک مادر را به‌طور شایسته، بپردازد. هیچ‌کس موظف به بیش از مقدار توانایی خود نیست، نه مادر حق ضرر زدن به کودک را دارد و نه پدر، و بر وارث او نیز لازم است این کار را انجام دهد. و اگر آن دو با رضایت یکدیگر و مشورت، بخواهند کودک را (زودتر) از شیر بازگیرند، گناهی بر آنان نیست، و اگر خواستید دایه‌ای برای فرزندان خود بگیرید، ایرادی بر شما نیست، به شرط اینکه حق وی را به‌طور شایسته بپردازید و از (مخالفت با) خدا بپرهیزید و بدانید که خدا به آنچه انجام می‌دهید، بیناست.»

با توجه به این آیه شایسته است که مادران، فرزندان خود را به مدت دوسال شیر دهند و تا جایی که ناچار نشده‌اند از شیر خشک و یا دایه استفاده نکنند.

گاهی اوقات شیر دادن برای مادر واجب است؛ مثل زمانی که کودک فقط از مادر خود شیر می‌خورد، نه از شخص دیگر، یا مثلاً زن شیردهی پیدا نشود یا پدر از دادن مزد زن شیرده ناتوان باشد.

گاهی نیز شیردادن زن به فرزند خودش مستحب است؛ مثل زمانی که هیچ کدام از اسباب وجوب حاصل نشده باشد که در این صورت بهترین شیر برای کودک «شیر مادر خود» است و برای زن نیز مستحب است که او را شیر دهد.

با توجه به اهمیت شیردهی و تاثیر آن در رشد و تربیت فرزند در این بخش بعد از بیان توصیه های دوران شیر دهی، به مدت شیر دهی، مستحبات دوران شیر دهی و مهارت های از شیر گرفتن بچه اشاره می شود.

الف. توصیه های دوران شیر دهی

اولین شیری که پس از زایمان از پستان زن خارج می شود «آغوز» یا «لباء» نام دارد و در کتب فقهی سفارش های زیادی در مورد دادن این شیر، به بچه شده است. برخی از علما دادن این شیر را لازم و واجب دانسته تا جایی که حیات بچه را در گرو این شیر بیان کرده اند.^{۱۴۴} بنابراین بر مادر لازم است که کودک را از این شیر (آغوز) محروم نکند.

در برخی روایات تأکید شده زن از هر دو پستانش به بچه شیر دهد و از این که فقط با یک پستان بچه را شیر دهد، نهی شده است؛ دلیل این امر در روایات این طور بیان شده که یکی از دو پستان دارای مواد غذایی و دیگری دارای مواد آشامیدنی است.

^{۱۴۴} . نَظَرَ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَنَا أَرْضِعُ أَحَدَ بَنِي مُحَمَّدٍ أَوْ إِسْحَاقَ. فَقَالَ: يَا أُمَّ إِسْحَاقَ! لَا تُرْضِعِيهِ مِنْ ثَدْيٍ وَاحِدٍ وَأَرْضِعِيهِ مِنْ كِلَيْهِمَا؛ يَكُونُ أَحَدُهُمَا طَعَامًا وَالْآخَرُ شَرَابًا. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۶، ص ۴۰.

در روایتی آمده که ام اسحاق می گوید: امام صادق علیه السلام به من نگاه کرد؛ در حالی که به یکی از پسرانم شیر می دادم. حضرت فرمودند: ای ام اسحاق فرزند را از یک سینه شیر نده و از هر دو شیر بده؛ زیرا یکی از دو سینه دارای طعام و دیگری حکم نوشیدنی را دارد. ۱۴۵

ب. مدت شیردهی

یکی از سوالاتی که در زمینه شیر دهی مطرح می شود این است که مدت زمان شیردادن به کودک با توجه به روایات چه مقدار است؟ در پاسخ به این پرسش می توان گفت که، با توجه به روایات، مدت زمان شیر دهی بیست و یک ماه است.

برای توضیح این مطلب می توان گفت: «در قرآن در سورة بقره: ۲۳۳ فرموده: **الْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ** (مادران دو سال کامل نوزادان خود را شیر می دهند) و در آیه دیگری در سورة احقاف ۱۵ فرموده **«وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا»** (مدّت حمل تا بازگیری از شیرش سی ماه خواهد بود) از این دو آیه شریفه چنین استفاده می شود که مراد از دو حول، بیست و یک ماه است؛ چون به طور عادی مدّت حمل، نه ماه است و چون از سی ماه، نه ماه کسر شود، بیست و یک ماه باقی خواهد ماند و شاید ناروا نباشد اگر بگوئیم اطفالی که شش ماهه به دنیا می آیند، مدّت شیرشان باید دو سال تمام؛ یعنی بیست و چهار ماه باشد و چنانچه زودتر از شیر باز گرفته شوند در حقّشان ستم رفته است و آیه دیگر در سورة لقمان که میفرماید: **«حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى**

۱۴۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۶، ص ۴۰

وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ» این مطلب را تأیید می‌کند که حمل و بازگرفتن از شیر باید دو سال باشد».

حال اگر پدر و مادری بنا به دلایلی زودتر از موعد مقرر کودک را از شیر بگیرند، اشکالی ندارد؛ ولی با توجه به آیه فوق این مسأله باید با مشورت و توافق پدر و مادر باشد. شیر دادن بیش از دو سال نیز اشکالی ندارد. سعد بن سعد می‌گوید: از حضرت رضا علیه السلام پرسیدم: آیا نوزاد را می‌توان بیش از دو سال شیر داد؟ فرمود: خداوند دو سال گفته است، عرض کردم چنانچه از دو سال افزون گشت، آیا پدر و مادر وی خلافی مرتکب شده‌اند؟ فرمود: نه.^{۱۴۶}

پ. مستحبات دوران شیردهی

شیردادن تأثیر زیادی در تربیت فرزندان دارد و صفات خوب و بد از طریق شیر، به بچه منتقل می‌شود، در روایاتی از امیر المومنین علیه السلام آمده است که فرمودند: «أَنْظَرُوا مَنْ تُرْضِعُ أَوْلَادَكُمْ فَإِنَّ الْوَلَدَ يَشِبُّ عَلَيْهِ» ۱۴۷ نگاه کنید چه کسی به فرزند شما شیر می‌دهد؛ چون فرزند با آن رشد می‌کند.

مستحب است نوزاد از شیر مادر تغذیه کند، چون شیر مادر بهترین شیر است. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمودند: «لَيْسَ لِلصَّبِيِّ خَيْرٌ مِنْ لَبَنِ أُمِّهِ» ۱۴۸ برای کودک شیری بهتر از شیر مادرش نیست».

در روایت دیگری آمده است که رضاع (شیردهی) طبیعت انسان را عوض می‌کند: «عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ أَنَّ عَلِيًّا علیه السلام كَانَ يَقُولُ تَخَيَّرُوا لِلرَّضَاعِ كَمَا تَخَيَّرُونَ لِلنِّكَاحِ؛ فَإِنَّ الرِّضَاعَ يُغَيِّرُ الطَّبَاعَ».^{۱۴۹}

^{۱۴۶}. قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه (ترجمه)، ج ۵، ص ۱۴۶

^{۱۴۷}. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۶، ص ۴۴

^{۱۴۸}. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۴۶۸

روایات زیادی به همین مضامین وجود دارد که همه این تعابیر اشاره به این دارد که شیر سبب انتقال صفات مادر به بچه شیرخوار است و بهترین شیر برای کودک، شیر مادر اوست.

ت. مهارت‌های از شیر گرفتن بچه

از آنجایی که فرزند دوسال با شیر مادر و خوابیدن در آغوش او انس گرفته است؛ بنابراین از شیر گرفتن کودک، با مشکلاتی همراه است. رعایت نکاتی که در ادامه مطرح می شود، می تواند کمک شایانی به این مسأله نماید.

۱. پدر و مادر با صبر و حوصله و با کمک هم اقدام به از شیر گرفتن بچه نمایند.
۲. در اواخر دوران شیر دهی، دفعات تغذیه با شیر مادر را کم کنید و بیش تر از غذاهای متنوع مانند انواع سوپ، فرنی و حریره بادام استفاده کنید تا به بچه صدمه کمتری وارد شود.
۳. برای از شیر گرفتن کودک هرگز به خشونت متوسل نشوید و با سرگرم کردن کودک در مواقعی که اصرار بر شیر خوردن دارد، حواس او را پرت کنید.
۴. زمان و مکان مناسبی را برای کار در نظر بگیرید؛ مثلاً در سفر یا منزل اقوام و یا ایام بیماری مادر و کودک، اقدام به این کار نکنید. زمان نامناسب ممکن است، مدت از شیر گرفتن را طولانی کند.
۵. از دعا و توسل به ائمه معصومین علیهم السلام کمک بگیرید.
۶. از مواد غذایی جایگزین مانند مایعات و نوشیدنی هایی مانند شیر و آب میوه استفاده کنید. برخی اوقات می توانید از شیشه شیر استفاده کنید.

۷. باید مراقب باشید با از شیر گرفتن، کودک از نظر روحی و عاطفی دچار کمبود نشود؛ بنابراین کودک را در آغوش بگیرید و مورد مهر و محبت قرار دهید. پدر و مادر می‌توانند با تماس بدنی و بغل کردن، این نیاز او را برطرف کنند.

ج. گریه کردن کودک

یکی از مطالبی که والدین کودک باید مورد توجه قرار دهند گریه کردن کودک است. گریه کودک ممکن است عوامل متعددی داشته باشد. در روایات وارد شده که گریه کودک دارای فوائد بسیاری است علاوه بر آن عواملی از جمله گرسنگی و کمبود شیر مادر، گرما و غیره نیز باید در نظر گرفته شود.

در برخی از روایات از گریه کردن کودک سوال شده است. محمد بن مسلم می‌گوید: نزد امام صادق علیه السلام نشسته بودم که یونس بن یعقوب وارد شد؛ در حالی که ناله می‌کرد امام صادق علیه السلام به وی فرمود: چه شده که تورا نالان می‌بینم؟ گفت کودکی دارم که سراسر شب گریه می‌کند و به خاطر او اذیت شدم. امام صادق علیه السلام به وی فرمود: ای یونس! پدرم محمد بن علی علیه السلام از پدرانش از جدم پیامبر خدا صلی الله علیه وآله نقل کرد که جبرئیل بر وی فرود آمد؛ در حالی که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله و علی علیه السلام ناله می‌کردند. جبرئیل گفت: ای دوست خدا چه شده که تورا نالان می‌بینیم؟ پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود دو کودک داریم که از گریه آن‌ها اذیت شده ایم. جبرئیل گفت: صبر کن ای محمد! چرا که به زودی برای این قوم، پیروانی برانگیخته می‌شوند که هرگاه یکی از آنان گریه کند، گریه‌اش تا ۷ سالگی (لا اله الا الله) است و بعد از ۷ سالگی تا بلوغ آموزش خواهی برای پدر و مادرش است و چون از بلوغ گذشت، هر کار نیکی که آورد پاداشی نیز برای پدر و مادرش داشته باشد و هر کار ناشایستی که آورد، مجازاتی بر آنان نباشد.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: كُنْتُ جَالِسًا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام إِذْ دَخَلَ يُونُسُ بْنُ يَعْقُوبَ فَرَأَيْتُهُ يَبْكُ فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام مَا لِي أَرَاكَ تَبْكُ قَالَ طِفْلٌ لِي تَأْذِيْتُ بِهِ اللَّيْلَ أَجْمَعَ فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ

اللَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا يُونُسُ حَدَّثَنِي أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّ جَبْرِئِيلَ نَزَلَ عَلَيْهِ وَرَسُولُ اللَّهِ وَ عَلِيٌّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا يَنْنَانُ فَقَالَ جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا حَبِيبَ اللَّهِ مَا لِي أَرَاكَ تَنُّنُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : طِفْلَانِ لَنَا تَأْذِنَا بُبُكَائِهِمَا فَقَالَ جَبْرِئِيلُ مَهْ يَا مُحَمَّدُ! فَإِنَّهُ سَيُبْعَثُ لَهُوَلَاءِ الْقَوْمِ شِيعَةً؛ إِذَا بَكَى أَحَدُهُمْ فَبُكَاءُوهُ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» إِلَى أَنْ يَأْتِيَ عَلَيْهِ سَبْعُ سِنِينَ فَإِذَا جَازَ السَّبْعَ فَبُكَاءُوهُ اسْتَغْفَارُ لَوَالِدَيْهِ إِلَى أَنْ يَأْتِيَ عَلَى الْحَدِّ. فَإِذَا جَازَ الْحَدَّ، فَمَا أَتَى مِنْ حَسَنَةٍ فَلِوَالِدَيْهِ وَمَا أَتَى مِنْ سَيِّئَةٍ، فَلَا عَلَيْهِمَا. ١٥٠

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام از فواید گریه کودکان گفته شده است. حضرت می فرماید: ای مفضل! بدان در مغز کودک رطوبتی است که اگر در آن بماند بیماری ها و نارسایی های سخت و ناگوار به او رساند؛ مانند نابینایی و جز گریه، چیزی آن رطوبت را خارج نمی کند و پدر و مادر از آن آگاه نیستند و مانع از گریه آن می شوند و نمی گذارند کودک از آن گریه نفع ببرد. اینان همواره تلاش می کنند که او را ساکت کنند و با فراهم آوردن خواسته هایش از گریه بازش دارند؛ ولی نمی دانند که گریه کردن به سود اوست و سرانجام نیکی پیدا می کند.^{۱۵۱}

راهکارهای آرام کردن کودک

اگر کودکی بیش از حد گریه می کند، راهکارهای زیر برای آرام کردن کودک مؤثر است.

۱. کودک را به طوری که صورتش رو به پایین است روی دست خود بگذارید و آرام پشتش را از بالا به پایین ماساژ دهید.

^{۱۵۰}. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۶، ص: ۵۳

^{۱۵۱}. مفضل بن عمر، شگفتیهای آفرینش (ترجمه مفضل توحید)، ص ۵۲

۲. کودک را روی شانه خود قرار دهید در حالی که شکم او روی سینه شما باشد و ستون فقراتش را از بالا به پایین ماساژ دهید.

۳. کودک را با پتویی گرم قنداق کنید.

۴. مادر، کودک را در آغوش بگیرد به صورتی که سر کودک نزدیک قلب مادر باشد.

۵. مادر، از کلمات آرام بخش؛ مانند لالایی برای آرام کردن کودک استفاده کند.

فصل پنجم: تربیت کودک تا ۷ سالگی

گفتار اول: تربیت معنوی کودک

تربیت، ابعاد مختلفی همچون جسمانی، عقلانی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی دارد. یکی از مهم‌ترین ابعاد تربیت، تربیت معنوی کودک است که در کلام ائمه علیهم‌السلام مورد تأکید فراوان قرار گرفته است و سنگ بنای سعادت و شقاوت فرد را فراهم می‌کند.

هر یک از پدر و مادر در زمینه حفظ و نگهداری فرزند و تعلیم و تربیت او مسئولیت داشته و باید با توجه به شرایط زمان و مکان و توانایی خویش به این امر مهم بپردازند.

موفقیت در انجام این وظیفه مهم، نیازمند برنامه‌ریزی صحیحی است که در آن کارها بر اساس تناسب روحی و توانایی‌ها و استعدادها هر یک از زن و شوهر تقسیم شود، در چنین صورتی تداخل مسئولیت و به دنبال آن اختلاف بین والدین پیش نیامده و از طرف دیگر در حق یکی از والدین ظلم و اجحافی صورت نگرفته و همه کارها به دوش او گذاشته نمی‌شود. در روایتی آمده است که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به برخی کودکان نگاه کردند و فرمودند: وای بر کودکان آخر الزمان از دست پدرانشان. گفته شد ای رسول خدا از دست پدران مشرکشان؟ حضرت فرمودند: خیر، از پدران مؤمنشان که چیزی از واجبات را به آنان نمی‌آموزند و چون فرزندان، خود

بیاموزند، آنان را باز می دارند و نسبت به آنان از داشتن چیز اندکی در جهان راضی می شوند. من از آنان بیزارم و آنان نیز از من بیزارند.

«أَنَّهُ نَظَرَ إِلَى بَعْضِ الْأَطْفَالِ فَقَالَ وَيْلٌ لِّأَطْفَالِ آخِرِ الزَّمَانِ مِنْ آبَائِهِمْ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ آبَائِهِمْ الْمُشْرِكِينَ فَقَالَ لَا مِنْ آبَائِهِمُ الْمُؤْمِنِينَ لَا يُعَلِّمُونَهُمْ شَيْئًا مِنَ الْفَرَائِضِ وَإِذَا تَعَلَّمُوا أَوْلَادُهُمْ مَنَعُوهُمْ وَرَضُوا عَنْهُمْ بِعَرَضٍ يَسِيرٍ مِنَ الدُّنْيَا فَأَنَا مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَهُمْ مِنِّي بِرَاءٌ» ۱۵۲

در این فصل به مواردی که در آیات و روایات برای تربیت معنوی فرزندان، مورد تاکید قرار گرفته است، اشاره می شود.

زمان آموزش و تربیت کودک

در تربیت کودک باید توجه داشته باشیم که عمل، مهم تر از سخن گفتن است. روان شناسان معتقدند که در تربیت کودک، حرف زدن ۷ درصد و ارتباط غیر کلامی ۹۳ درصد مؤثر است؛ بنابراین والدین توجه داشته باشند که هر عملی که از آنان سر بزنند، به صورت مستقیم در تربیت کودک تأثیر گذار است. پدر و مادری که خودشان دروغ می گویند، نباید انتظار راستگویی از فرزندشان داشته باشند. پدر و مادری که به بزرگترهایشان احترام نمی گذارند؛ نباید توقع داشته باشند که فرزندان به آنان احترام بگذارند. چه زیبا گفته اند که عمل بلند تر از حرف، سخن می گوید.

در مورد زمان آموزش کودک، در روایات آمده است که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرمودند: «العلم فی الصغر كالنقش فی الحجر؛ علم آموزی در کودکی مانند نقش بر روی سنگ است».

امام علی علیه السلام در سفارشاتشان به امام حسن علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید: «إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدَثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ؛ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ، قَبِلَتْهُ؛ فَبَادَرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُوَ قَلْبُكَ وَ يَشْتَغَلَ لُبُّكَ... ۱۵۳؛ قلب مانند زمین خالی است؛ هر چه در آن افکنده شود، می‌پذیرد؛ بنابراین بر تربیت تو مبادرت کردم؛ قبل از آن که دل تو سخت و فکر تو درگیر شود. بر آن شدم که تربیت تو در حالی باشد که چیزی از زندگی نگذرانده‌ای و دارای نیتی سالم و نهاده‌ای پاکی و همچنین بر آن شدم که تربیت تو را از آموزش کتاب خداوند و تأویل آن و قوانین اسلام و احکام آن و حلال و حرام آن آغاز کنم».

در روایات دیگری نیز آمده است که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرمودند:

«الْوَلَدُ، سَيِّدُ سَبْعِ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعِ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَبْعِ سِنِينَ؛ فَإِنْ رَضِيتَ خَلَاءَتَهُ لِإِحْدَى وَ عَشْرِينَ سَنَةً وَ إِلَّا ضُرِبَ عَلَى جَنْبَيْهِ؛ فَقَدْ أُعْذِرْتَ إِلَى اللَّهِ ۱۵۴؛ فرزند تا هفت سال آقا است و هفت سال خدمتکار است و هفت سال وزیر است. اگر در ۲۱ سالگی از تربیت او راضی بودی که خوب والا رهایش کن (تا دنبال کار خود بروی) که نزد خداوند معذوری».

مراد از ۷ سال آقا بودن این است که با اکرام و احترام و روش آقایی با او برخورد کنی؛ بنابراین چون در ۷ سال اول با سروری با او برخورد کردی، بچه حرف گوش کن شده و خادم تو می‌شود و در ۷ سال بعدی در برخی کارها می‌توانی با او مشورت کنی و وزیر تو می‌شود.

در مورد راهکارهای تربیت فرزند تا هفت سالگی در آیات و روایات، مطالب زیبایی بیان شده است که به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

۱۵۳. سید رضی، محمد، نهج البلاغة، ص ۳۳۷

۱۵۴. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۴۷۶

آموزش نماز

بسیاری از خانواده‌های متدین با مشکلاتی در عبادت فرزندان، به ویژه نماز و روزه مواجه‌اند و به دنبال راهکاری برای حل این مشکل هستند. یکی از مهم‌ترین راهکارها تمرین و آمادگی کودک قبل از سن تکلیف است.

درسیره تربیتی ائمه علیهم السلام آمده است که کودکانشان را از پنج سالگی به نماز امر می‌کردند در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

«أَنَا نَأْمُرُ صَبِيَّانَا بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي خَمْسٍ سِنِينَ، فَمُرُوا صَبِيَّانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعٍ سِنِينَ...»^{۱۵۵}؛ ما کودکانمان را وقتی پنج ساله‌اند به نماز امر می‌کنیم؛ ولی شما کودکانتان را وقتی هفت ساله شدند، به نماز امر کنید.

لازم به ذکر است که برای آموزش نماز، لازم نیست تمام شرایط و مقدمات و مبطلات نماز را به کودک یاد داد؛ بلکه همین مقدار که کلیات نماز را بداند و از پدر و مادر تقلید کند، کافی است.

علاوه بر آن پدر و مادر باید برای رغبت کودک، برای نماز تلاش کنند؛ مثلاً با توجه به ذوق و سلیقه کودک، برای او سجاده و مهر و تسبیح تهیه کنند. گاهی اوقات برای تشویق کودک برای او هدیه بخرند و یا مقداری پول در زیر جانمازشان قرار دهند. بعضی اوقات کودک را به مسجد ببرند و در میان فامیل و جمع دوستان از او و نماز خواندنش تعریف کنند.

^{۱۵۵} . کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - دار الحديث)، ج ۶، ص ۴۳۲

۲. آموزش روزه

یکی دیگر از مواردی که در روایات مطرح شده و مستحب است به کودک آموزش داده شود، آموزش و تمرین برای روزه داری است. امام صادق علیه السلام در روایتی فرمودند:

«إِنَّا نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِالصِّيَامِ إِذَا كَانُوا بَنَى سَبْعِ سِنِينَ بِمَا أَطَاقُوا مِنْ صِيَامِ الْيَوْمِ فَإِنْ كَانَ إِلَى نِصْفِ النَّهَارِ وَ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ أَوْ أَقَلَّ فَإِذَا غَلَبَهُمُ الْعَطَشُ وَالْغَرْتُ أَفْطَرُوا حَتَّى يَتَعَوَّدُوا الصَّوْمَ وَ يُطِيقُوهُ فَمُرُوا صِبْيَانَكُمْ إِذَا كَانُوا أَبْنَاءَ تِسْعِ سِنِينَ بِمَا أَطَاقُوا مِنْ صِيَامِ فَإِذَا غَلَبَهُمُ الْعَطَشُ أَفْطَرُوا»^{۱۵۶}؛ ما فرزندان خود را در سن هفت سالگی در حدی که تحمل آن را دارند، به روزه گرفتن وادار می کنیم؛ اما زمانی که در وسط روزیا پیش از آن و یا کمتر از آن هر گاه تشنگی و گرسنگی بر آنان غلبه کرد، افطار می کنند».

در روایتی دیگر آمده است که ما کودکانمان را در هفت سالگی به روزه، امر می کنیم و شما در نه سالگی به روزه امر کنید و زمانی که بی طاقت شدند، افطار کنند.^{۱۵۷}

یکی از مهم ترین دلیل این دستور العمل ها در روایات تمرین کودک و انس و عادت به انجام نماز و روزه است. وقتی کودکی با این آمادگی به سن تکلیف رسیده باشد، انجام نماز و روزه برای او آسان و شیرین است.

^{۱۵۶} . کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۴، ص: ۱۲۵

^{۱۵۷} . همان، ج ۳، ص ۴۱۰

۳. آموزش قرآن کریم و دوست داشتن اهل بیت علیهم السّلام

یکی دیگر از امور موثر در تربیت معنوی کودک، آموزش قرآن و دوستی اهل بیت علیهم السّلام است. وقتی کودک از همان آغاز با کلام وحی آشنا شود و با قرآن انس بگیرد در آینده قرآن را سرلوحه زندگی خود قرار می‌دهد. بدون شک چنین انسانی گرفتار هوای نفس و وسوسه‌های شیطان و انحراف و لغزش نمی‌گردد.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «أَدَّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: حُبِّ نَبِيِّكُمْ، وَ حُبِّ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ»^{۱۵۸}؛ فرزندان را بر سه ویژگی تربیت منید: دوستی پیامبرتان، دوستی اهل بیت و خواندن قرآن».

برای انس گرفتن کودکان با قرآن، شرکت در جلسات قرآن همراه والدین، بهره‌گیری از کلاس‌های قرآن و استفاده از صوت دلنشین قرآن توصیه می‌شود. علاوه بر آن برای آموزش قرآن، از سوره‌های کوچک شروع کرده و در این زمینه سخت‌گیری نکنید.

۴. آموزش تسبیح حضرت زهرا س

یکی دیگر از آداب سفارش شده در باب تربیت فرزندان، آموزش تسبیحات حضرت زهرا س به اوست. در روایات آمده که از کودکی به فرزندان تسبیحات حضرت زهرا سلام الله علیها را آموزش دهید؛ همان گونه که به نماز امر می‌کنید. در روایتی از امام صادق علیه السّلام آمده است: **إِنَّا نَأْمُرُ**

^{۱۵۸}. شیرازی، قدرت الله انصاری و پژوهشگران مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم ا، موسوعة أحكام الأطفال و أدلتها، ج ۳، ص: ۴۴۳

صَبِيَانَنَا بِتَسْبِيحِ فَاطِمَةَ ^{سلام الله عليها} كَمَا نَأْمُرُهُمْ بِالصَّلَاةِ؛ فَالْزِمَهُ فَإِنَّهُ لَمْ يُلْزِمَهُ عَبْدٌ فَشَقِيَ^{۱۵۹}؛ ما همان
طور که کودکانمان را به نماز امر می‌کنیم؛ به تسبیح حضرت زهرا ^{سلام الله عليها} هم امر می‌کنیم و
هرکس به این تسبیحات امر شده، شقی و بد عاقبت نمی‌شود.

۵. آموزش مسائل اعتقادی

یکی دیگر از مسائل تاثیر گذار در تربیت فرزند، آموزش مسائل اعتقادی به فرزندان است. یکی از
مهم‌ترین آن‌ها آشنا کردن با اهل بیت ^{عليهم السلام} است. در این زمینه روایات بسیاری وجود دارد، که
به چند نمونه از آن اشاره می‌شود: پیامبر اکرم ^{صلی الله علیه و آله} فرمودند: «أَدَّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى ثَلَاثِ
خَصَالٍ: حُبِّ نَبِيِّكُمْ، وَحُبِّ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ ۱۶۰؛ فرزندان را با این سه خصلت تربیت
کنید: محبت و عشق به پیامبرتان ^{صلی الله علیه و آله}، علاقه و دوستی با اهل بیت پیامبر ^{عليهم السلام} تعلیم و
فراگیری قرآن مجید».

برای آشنا کردن کودک با اهل بیت ^{عليهم السلام} سعی کنید در روزهای تولد معصومین ^{عليهم السلام}
شیرینی - هر چند مختصری - به آن‌ها بدهید و یادآوری کنید که این شیرینی به مناسبت تولد کدام
یک از معصومین است تا عشق به آن معصوم با شیرینی مذکور تلفیق شود و در قلبش جای گیرد
یا با گرفتن هدیه به نام اهل بیت، محبت ائمه را در قلبشان بیشتر کنید؛ علاوه بر آن می‌توانید آن -
ها را با خود به زیارت ائمه و امامزادگان، مجالس روضه و یا مولودی ببرید و برخی اوقات با
استفاده از قصه‌هایی از اهل بیت ^{عليهم السلام}، فضائل اخلاقیشان را برای کودک مطرح کنید و با صبر
و حوصله به پرسش‌هایشان، پاسخ دهید.

^{۱۵۹}. اصفهانی، محمد باقر بن محمد تقی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۱۵، ص ۱۷۶

^{۱۶۰}. شیرازی، قدرت الله انصاری و پژوهشگران مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم، موسوعة أحكام الأطفال و أدلتها، ج ۳، ص ۴۴۳

در روایتی دیگری که مرحوم مجلسی در روضة المتقین نقل کرده ، آمده است که رسول اکرم ص فرمودند: «یا معشر الأنصار أدّبوا أولادکم علی حبّ علی ^{علیه السلام}». ^{۱۶۱} در این روایت آمده که حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرمودند کودکان را بر حب علی ^{علیه السلام} تربیت کنید».

گفتار دوم: تربیت جنسی کودک

تربیت جنسی کودک یکی از مهم ترین و حساس ترین حوزه های تربیت است؛ زیرا نقشی مهمی در آینده و سعادت و شقاوت کودک دارد.

یکی از مهم ترین غرائز انسان، غریزه جنسی است. این غریزه از بدو تولد در وجود انسان قرار دارد و باید از طریق آموزش صحیح مورد کنترل قرار گیرد. کنجکاوی و پرسش های کودکان در این زمینه کاملاً طبیعی است و هیچ کس بهتر از والدین نمی تواند اطلاعات درست را در اختیار کودک قرار دهد.

دین مبین اسلام برای تربیت جنسی کودکان و دور نگه داشتن آنان از مسائل تحریک کننده، راهکارهایی را بیان کرده است که در ادامه به آن اشاره می شود.

۱. استیذان در اوقات سه گانه

یکی از راهکارهای قرآن کریم برای تربیت جنسی فرزندان، اذن گرفتن در موارد خاص است قرآن کریم در این زمینه می فرماید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَ حِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَ مِنْ بَعْدِ

صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۱۶۲

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بردگان شما و همچنین کودکانتان که به حدّ بلوغ نرسیده‌اند، در سه وقت باید از شما اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح و نیمروز هنگامی که لباس‌های (معمولی) خود را بیرون می‌آوردید و بعد از نماز عشاء این سه وقت مخصوص شماست. اما بعد از این سه وقت، گناهی بر شما و بر آنان نیست (که بدون اذن وارد شوند) و بر گرد یکدیگر بگردید. این گونه خداوند آیات را برای شما بیان می‌کند و خداوند دانا و حکیم است.»

مهم‌ترین مسأله‌ای که در این سوره، تعقیب شده مسأله عفت عمومی و مبارزه با هر گونه آلودگی جنسی است که در ابعاد مختلف مورد بررسی قرار گرفته، آیات مورد بحث نیز به یکی از اموری که با این مسأله ارتباط دارد، پرداخته و خصوصیات آن را تشریح می‌کند و آن مسأله اذن گرفتن کودکان بالغ و نابالغ به هنگام ورود به اتاق‌هایی است که مردان و همسرانشان ممکن است در آن خلوت کرده باشند.

نخست می‌گوید: "ای کسانی که ایمان آورده‌اید باید مملوک‌های شما (بردگانتان) و همچنین کودکانتان که به حد بلوغ نرسیده‌اند در سه وقت از شما اجازه بگیرند" (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيْسَتْ ذُنُكُمُ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ).

"قبل از نماز فجر و در نیمروز هنگامی که لباسهای (معمولی) خود را بیرون می‌آورید، و بعد از نماز عشاء" (مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ).
ظهِرَة"، به معنی نیمروز و حدود ظهر است که مردم در این موقع معمولاً لباسهای رویی خود را در می‌آورند و گاه مرد و زن با هم خلوت می‌کنند. این سه وقت، سه وقت پنهانی و خصوصی برای

شما است (ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ). "عورة" در اصل از ماده "عار" به معنی "عیب" است و از آنجا که آشکار شدن آلت جنسی مایه عیب و عار است در لغت عرب به آن عورت اطلاق شده. کلمه "عورة" گاه به معنی شکاف در دیوار و لباس و مانند آن نیز آمده است و گاه به معنی مطلق عیب می باشد، و به هر حال اطلاق کلمه عورت بر این اوقات سه گانه به خاطر آن است که مردم در این اوقات خود را زیاد مقید به پوشانیدن خویش مانند سایر اوقات نمی کنند و یک حالت خصوصی دارند.

بدیهی است این دستور متوجه اولیای اطفال است که آنها را وادار به انجام این برنامه کنند، چرا که آنها هنوز به حد بلوغ نرسیده اند تا مشمول تکالیف الهی باشند، و به همین دلیل مخاطب در اینجا اولیاء هستند. ضمناً اطلاق آیه هم شامل کودکان پسر و هم کودکان دختر می شود. ۱۶۳

ذکر این نکته نیز لازم است که آیه از کودکانی سخن می گوید که به حد تمیز رسیده اند و مسائل جنسی و عورت و غیر آن را تشخیص می دهند، زیرا دستور اذن گرفتن خود دلیل بر این است که این اندازه می فهمند که اذن گرفتن یعنی چه؟ و تعبیر به "ثلاث عورات" شاهد دیگری بر این معنی است.

سوالی که مطرح می شود این است که حکم زمان های دیگر غیر از این اوقات چیست؟ در همین آیه پاسخ داده شده است: نه بر شما و نه بر آنها گناهی برای ترک اجازه گرفتن نیست. چون سبب استیذان که احتمال کشف عورت بود، از بین رفته است. ۱۶۴

۱۶۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۵۳۹

۱۶۴. حلی، مقداد بن عبد الله سیوری، کنز العرفان فی فقه القرآن (ترجمه)، ج ۲، ص ۷۱۶

۲. مخفی نگه داشتن روابط زناشویی از کودک

یکی از دستورات مهم اسلام، بعد از تولد و پیش از ممیز شدن (قبل از رسیدن به سنی که بتواند بین خوب و بدن فرق بگذارد)، این است که زن و شوهر عمل زناشویی خود را حتی از طفل شیرخوار پنهان کنند، رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: "به خدا سوگند اگر مردی با همسرش آمیزش کند و در اتاق طفل بیداری باشد که آن دو را در حال جماع مشاهده کند و سخنانشان و حتی صدای نفس کشیدنشان را بشنود، آن کودک هرگز موفق نخواهد شد و ممکن است به زنا آلوده شود.

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ أَنَّ رَجُلًا غَشِيَ امْرَأَتَهُ وَفِي الْبَيْتِ صَبِيٌّ مُسْتَقِظٌ يَرَاهُمَا وَيَسْمَعُ كَلَامَهُمَا وَنَفْسَهُمَا مَا أَفْلَحَ أَبَدًا إِذَا كَانَ غُلَامًا كَانَ زَانِيًا أَوْ جَارِيَةً كَانَتْ زَانِيَةً... ١٦٥»

در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام آمده است که حضرت فرمودند: زمانی که در اتاق کودک حضور دارد مردان با زنان یا کنیزان خود نیامیزند زیرا این عمل ممکن است طفل را به بی عفتی و زنا کاری سوق دهد. «لَا يُجَامِعُ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ وَلَا جَارِيَتَهُ وَفِي الْبَيْتِ صَبِيٌّ فَإِنَّ ذَلِكَ مِمَّا يُورَثُهُ الزَّانَا» ١٦٦

دین مبین اسلام برای پیروی از قانون فطرت و مخفی نگه داشتن تمایلات جنسی، در برنامه تربیتی خود دستور داده است پدران و مادران فرزندان خویش را از دیدن مناظر شهوت انگیز و شنیدن کلمات مهیج که عامل مؤثری برای بیدار کردن غریزه جنسی است، دور نگاه دارند.

پدران و مادرانی که دارای ملکه عفت هستند و از رفتار و گفتار منافی با عفت در حضور فرزندان اجتناب می کنند، می توانند فرزندان عقیف، سالم و طبیعی بار آورند و اگر به این دستورالعمل ها بی -

١٦٥ . کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية)، ج ٥، ص: ٥٠٠

١٦٦ . اصفهانی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، ج ١٠٠، ص ٢٨٦

توجه باشند، بلوغ زودرس و وعوارض ناشی از آن اولین اثر سوء این حالت است و آثار بدی بر روح و جسم کودک به جا می‌گذارد.

۴. جداساختن بستر خواب کودکان از یکدیگر

یکی از دیگر از راهکارهای تربیت جنسی کودک، جدا کردن بستر و محل خواب فرزندان از یکدیگر است. زمان جداکردن بستر خواب کودکان از یکدیگر در روایات به صورت متفاوتی بیان شده است در برخی روایات ده سالگی و در برخی روایات دیگر ۶ و ۷ سالگی مطرح شده است.

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ صَلَّيْهِ وَآلِهِ مُرُوا صِبْيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا أَبْنَاءَ سَبْعِ سِنِينَ - وَفَرِّقُوا بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ - إِذَا كَانُوا أَبْنَاءَ عَشْرِ سِنِينَ» ۱۶۷ بستر (رختخواب) خواب کودکان را به هنگام ده سالگی از هم جدا کنید.

«قَالَ النَّبِيُّ ﷺ صَلَّيْهِ وَآلِهِ فَرِّقُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ فِي الْمَضَاجِعِ إِذَا بَلَغُوا سَبْعَ سِنِينَ» ۱۶۸ بستر خواب فرزندان را در ۷ سالگی از هم جدا کنید.

وَرُوي أَنَّهُ يُفَرَّقُ بَيْنَ الصَّبْيَانِ فِي الْمَضَاجِعِ لِسِتِّ سِنِينَ» ۱۶۹ بستر خواب کودکان را در ۶ سالگی از هم جدا کنید.

آنچه از مجموع این روایات به دست می‌آید این است که آغاز جداسازی بستر کودکان از شش سالگی است و هرچه از این سن بگذرد، جداسازی بستر تاکید بیشتری پیدا می‌کند.

۱۶۷. همان، ج ۱۰۱، ص ۵۰

۱۶۸. اصفهانی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۹۶.

۵. دورنگه داشتن کودک از هرگونه عامل محرک

یکی دیگر از راهکارهای تربیت جنسی، دور نگه داشتن کودک ممیز از هرگونه عامل برانگیزنده جنسی؛ مثل نشانیدن دختر بچه روی زانوی بیگانه، پرهیز افراد بالغ از بوسیدن کودکان جنس مخالف و ممیز می باشد. در روایتی از امام صادق ع آمده است: زمانی که دختر بچه شش ساله شد برای تو سزاوار نیست که او را ببوسی.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِذَا بَلَغَتِ الْجَارِيَةُ الْحُرَّةُ سِتَّ سِنِينَ، فَلَا يَنْبَغِي لَكَ أَنْ تُقَبِّلَهَا». ^{۱۷۰} دختر بچه شش ساله را پسر بچه نبوسد و همچنین زنهای از بوسیدن پسر بچه ای که سنش از هفت سال تجاوز کرده است خودداری کنند و پسر بچه هم زمانی که به ۷ سالگی رسید زنان نامحرم را نبوسد.

امام صادق علیه السلام در روایتی دیگر می فرماید: زمانی که دختر بچه به سن شش سالگی رسید جایز نیست مرد نامحرم او را ببوسد و همچنین نمی تواند اورادر آغوش بگیرد: «...وَقَالَ إِذَا أُتَتْ عَلَى الْجَارِيَةِ سِتُّ سِنِينَ - لَمْ يَجُزْ أَنْ يُقَبَّلَهَا رَجُلٌ لَيْسَتْ هِيَ بِمَحْرَمٍ لَهُ - وَلَا يَضُمُّهَا إِلَيْهِ». ^{۱۷۱} رعایت مواردی که در این روایات مطرح شده، برای جلوگیری از تهییج غریزه جنسی کودکان مؤثر است.

^{۱۷۰}. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - دار الحديث)، ج ۱۱، ص ۲۲۴

^{۱۷۱}. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۲۳۱

و برای آموزش این موارد و مراقبت آن بهتر است مادر آموزش و مراقبت از دختر را بر عهده بگیرد و پدر عهده دار آموزش پسر شود.

۶. رعایت پوشش در برابر فرزند

همان گونه که قبلاً بیان شد عوامل بسیاری باعث تحریک و بروز تمایلات جنسی زودرس در کودکان می شود. در برخی موارد منشاء این بلوغ زودرس تحریک های نابجا و تهییج های بی موقع است. یکی از عوامل محرک، عدم رعایت پوشش مناسب والدین در محیط خانه است. رغبت ها و نفرت هایی که در روان کودک ایجاد می شود و مناظر زشت و زیبایی که می بیند، همه در باطن وی اثر می گذارد و در بزرگسالی در خلال اعمال و رفتارش آشکار می شود. پدر و مادرانی که عملاً پوشش مناسب در برابر فرزند را رعایت نمی کنند و از هر نوع لباس مهیجی در برابر کودکان استفاده می کنند، با این رفتار خود غریزه خفته فرزندانشان را بیدار کرده و ذهن آنان را به مسائل جنسی معطوف ساخته و آنان را به تفتیش و تفحص در مورد اعمال جنسی وا می دارند.

والدینی که با به نمایش گذاشتن صحنه های مختلف موجبات تهییج روحی اطفال خود را در امور جنسی فراهم می کنند و در آنان خاطرات مطبوع و منفوری را به وجود می آورند، ممکن است در بزرگسالی باعث انحراف غریزه جنسی آنها شوند و در راه ارضای غریزه جنسی از صراط مستقیم منحرف شده و به کجروی بگرایند.^{۱۷۲}

منابع

قرآن کریم

^{۱۷۲} فلسفی، محمد تقی، کودک از نظر وراثت و تربیت، ج ۲، ص ۳۵۷ و ۳۵۸

ابن بابویه، محمد بن علی، ترجمه من لا يحضره الفقيه - تهران، چاپ: اول، ۱۳۶۷ش.

اصفهانى، مجلسى دوم، محمد باقر بن محمد تقى، بحار الأنوار، ۳۳ جلد، مؤسسة الطبع و النشر، بيروت - لبنان، اول، ۱۴۱۰ هـ ق

اصفهانى، مجلسى دوم، محمد باقر بن محمد تقى، مرآة العقول فى شرح أخبار آل الرسول، ۲۶ جلد، دار الكتب الإسلامية، تهران - ايران، دوم، ۱۴۰۴ هـ ق

بحرانى، هاشم بن سليمان، البرهان فى تفسير القرآن، بنياد بعثت، چاپ اول، تهران، ۱۴۱۶ ق

جمعى من المحققين، موسوعه احكام الاطفال و ادلتها، مركز فقه الاثمه الاطهار، ۷ جلد، اعتماد، قم، ۱۴۲۵ هـ ق، چاپ اول.

جمعى از پژوهشگران زیر نظر شاهرودى، سيد محمود هاشمى، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بيت عليهم السلام، ۳ جلد، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامى بر مذهب اهل بيت عليهم السلام، قم - ايران، اول، ۱۴۲۶ هـ ق

حامدى محمد رضا، مكارم مسعود، كتاب النكاح (سلسله مباحث درس خارج فقه آيت الله العظمى مكارم شيرازى)، ۷ جلد، مدرسه الامام على بن ابى طالب، قم، ۱۳۸۲ هـ ش، چاپ اول.

حر عاملى محمد بن حسن، تفصيل وسايل الشيعه الى تحصيل المسائل الشرعيه، ۳۰ جلد، موسسه آل البيت لاحيا التراث، قم، ۱۴۱۶ هـ ق، چاپ سوم.

حلّى، مقداد بن عبد الله سيورى - مترجم: بخشايشى، عبد الرحيم عقيقى، كنز العرفان فى فقه القرآن - ترجمه، دو جلد، پاساژ قدس پلاك ۱۱۱، قم - ايران، اول، هـ ق، ج ۲، ص: ۷۱۶

خمینی، سید روح الله موسوی، توضیح المسائل (محشّی - امام خمینی)، ۲ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، هشتم، ۱۴۲۴ هـ ق

خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، ۲ جلد، موسسه تنظیم و نشر آثار الامام الخمینی، قم، ۱۳۹۲ هـ ش، چاپ سوم.

شبیری زنجانی، موسی، کتاب نکاح، ۲۵ جلد، موسسه پژوهشی رای برداز، قم، بی تا، بی جا.

شیرازی، قدرت الله انصاری و پژوهشگران مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، موسوعة أحكام الأطفال و أدلتها، ۴ جلد، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۲۹ هـ ق

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ هـ ج ۲، ص: ۳۷۴

طباطبایی، سید علی، ریاض المسایل، ۲ جلد، موسسه آل البيت، قم، ۱۴۰۴ هـ ق، بی جا، بی جا.

طوسی محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، ۱۰ جلد، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ هـ ش، بی جا.

فلسفی، محمد تقی، کودک از نظر وراثت و تربیت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷

قمّی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه - مترجم: غفاری، علی اکبر، من لا یحضره الفقیه - ترجمه، ۶ جلد، نشر صدوق، تهران - ایران، اول، ۱۴۰۹ هـ ق

قمّی، محدث، شیخ عباس، الغایة القصوی فی ترجمة العروة الوثقی، ۲ جلد، منشورات صبح پیروزی، قم - ایران، اول، ۱۴۲۳ هـ ق

کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - دار الحديث)، ۱۵ جلد، دار الحديث للطباعة و النشر، قم - ایران، اول، ۱۴۲۹ هـ ق

گردآورنده فرمایشات امام، امیر المؤمنین، علیه السلام: سید رضی، محمد، نهج البلاغة، در یک جلد، مؤسسه نهج البلاغة، قم - ایران، اول، ۱۴۱۴ هـ ق

محمد محسن ابن شاه مرتضی، الوافی، ۲۶ جلد، کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام، اصفهان - ایران، اول، ۱۴۰۶ هـ ق

نجفی محمد حسن، جواهر الکلام، ۴۳ جلد، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا، چاپ هفتم.

نوری، محدث، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۱۸ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، بیروت - لبنان، اول، ۱۴۰۸ هـ ق

هلالی، سلیم بن قیس، مترجم (اسماعیل انصاری زنجانی)، أسرار آل محمد عليهم السلام / ترجمه کتاب سلیم، نشر الهادی، ایران، قم، بی تا

یزدی، سید محمد کاظم طباطبائی، العروة الوثقی مع التعليقات، دو جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۲۸ هـ ق

یزدی، محمد کاظم، العروه الوثقی، ۲ جلد، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۹ هـ

نوری، محدث، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۱۸ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، بیروت - لبنان، اول، ۱۴۰۸ هـ

پاسخ به سوالات جامعه الزهراء، موسوعه فقهی تحقیقات و استفتائات، قم، سال ۱۴۰۰